

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# جنگ و دفاع

در اندیشه امام خمینی (س)

تبیان

آثار موضوعی

دفتر بیست و چهارم



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	مقدمه
۱	فصل اول: جنگهای حق و باطل
۳	جنگ در قرآن
۵	جنگهای حق طلبانه
۵	رواج اسلام
۹	اصلاح انسانها
۲۲	تأدیب قدرتمندان
۳۰	جنگهای باطل
۳۰	قدرت طلبی و حب نفس
۳۳	جنگهای جهانی اول و دوم
۴۲	تفاوت جنگها
۴۹	فصل دوم: وجوب دفاع و استقامت

۵۱	.....	ضرورت دفاع
۵۹	.....	ضرورت آمادگی دفاعی
۶۶	.....	استقامت در قرآن
۷۱	.....	ضرورت استقامت
۷۷	.....	نقش مساجد در جنگ و دفاع

۸۳	.....	فصل سوم: ویژگیهای رزمندگان صدر اسلام
۸۵	.....	فداکاری
۹۲	.....	عقیده و ایمان
۱۰۶	.....	شهادت طلبی

۱۱۳	.....	فصل چهارم: احکام فقهی جنگ و دفاع
۱۱۵	.....	دفاع فردی
۱۲۲	.....	دفاع جمعی
۱۲۸	.....	شرایط دفاع
۱۲۹	.....	و جوب آموزش و آمادگی دفاعی
۱۳۱	.....	و جوب کفایی حضور در جبهه
۱۳۶	.....	اذن والدین
۱۴۳	.....	احکام دفاع و زمین
۱۴۵	.....	دفاع و دولت
۱۴۷	.....	احکام اطاعت از فرماندهان جنگ
۱۴۹	.....	احکام سربازی در زمان جنگ
۱۵۰	.....	احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات در جنگ
۱۵۱	.....	سپر قرار دادن مردم در جنگ
۱۵۲	.....	احکام همکاری با دشمن

۱۵۳	..... احکام پشتیبانی از جنگ
۱۵۵	..... احکام مربوط به اسرا
۱۵۶	..... احکام مربوط به غنایم جنگی
۱۶۲	..... احکام متفرقه مربوط به جنگ
۱۶۷	..... فهارس
۱۶۹	..... فهرست تفصیلی
۱۸۵	..... فهرست مأخذ
۲۰۳	..... فهرست منابع





## یادمان شهید سید مرتضی آوینی

گروه جنگ و جهاد در اواخر سال ۱۳۶۸ با همت بلند سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی تشکیل گردید؛ و تلاش ایشان بر سه پایه استوار بود:

۱. جمع‌آوری عناصر مورد نیاز گروه؛

۲. تبیین مبانی مبارزاتی و دفاعی حضرت امام(س) بدون پیش داوری یا طرح قبلی؛

۳. مطابقت مفهومی موضوع جنگ و دفاع با سایر موضوعات، فرایض و اعتقادات دینی و عملی؛  
لذا این تلاش در کنار فعالیتهای دیگر ایشان همچون روایت فتح، سراب و... حتی در بستر بیماری منقطع نگردید تا در پیمودن مسیر تکلیف در بیستم فروردین ۷۲ عاشقانه به ملکوت حق پیوست و آسمانی گردید.



در جنگها هم جنگ طاغوتی هست و [هم] جنگ توحیدی.  
جنگهایی که پیغمبرها می‌کردند، اولیا می‌کردند، مؤمنین می‌کردند برای این بود که اشخاص سرکش را از آن سرکشها برگردانند و تأدیب کنند. این جنگ، جنگ الهی است.  
و آن جنگهایی که برای احراز مقام است، برای به دست آوردن قدرت است، برای تحمیل بر جامعه‌هاست، برای جنایتکاری این ابرقدرتهاست یا هر قدرتی، این جنگها جنگهای ابلیسی است و جنگهای طاغوت است.  
عالم از این دو حال خارج نیست. هر حرکتی که از انسان صادر بشود، چه حرکتهای قلبی و چه حرکتهای روحی و چه حرکتهای جوارحی، از این دو حد خارج نیست: یا به طرف صراط مستقیم و الله است و یا طاغوتی است.

صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۱۷۳، ۵۹/۶/۸

## مقدمه

در روزگار معاصر که قدرتهای استکباری و نظامهای ضد مذهبی تلاش می‌کردند تا ارزشهای اخلاقی و معنوی را از جوامع انسانی دور سازند و طبق اصول مادی و برنامه‌های ضدارزشی خود، انسانها را شکل و جهت بخشند، چهره‌های درخشید که آیینة تمام‌نمای مکتب و جان او جام‌جهان‌نمای استقامت و معنویت بود و گفتارش و رفتارش تجلی نور حقیقت، به طوری که آرای دفاعی ایشان پایگاه مستحکمی برای مبارزان راه حق و مجاهدان مدافع اسلام و ارزشهای متعالی آن به شمار می‌آید. امام خمینی (س) از نادر افرادی بودند که با درک صحیح و جامع از مکتب اسلام و انبیا، به تمامی زوایای دین اشراف داشتند و سیره عملی و نظری ایشان از قوانین الهی نشأت گرفته و دیدگاه دفاعی ایشان از کوثر اسلام ناب سیراب شده است. و اگر جنگ و دفاع یکی از ارکان اسلام به شمار نمی‌رفت، مطمئناً ایشان به آن توجهی نمی‌کردند چنان که در قرآن کریم «قتال» با مشتقاتش ۱۷۰ مرتبه، «حرب» با مشتقاتش ده بار، «جهاد» با مشتقاتش ۴۱ مورد و «دفاع» با مشتقاتش ده مرتبه تکرار شده است. به طوری که خداوند متعال خود را اولین مدافع مؤمنان و بندگان خویش دانسته و می‌فرماید:

ان الله يدافع عن الذين آمنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور.<sup>۱</sup>

اصولاً خدامحوری و دین‌گرایی پایه اصلی اندیشه ایشان بوده و همواره بر دفاع از حریم ارزشهای اسلام و قرآن تأکید کرده‌اند و حتی جنگها را به منظور توسعه اسلام در عالم بیان داشته‌اند، در دوران دفاع مقدس می‌فرمایند:

## ب / جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی

«جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد».<sup>۱</sup>

این به آن مفهوم است که مبنای تفکر مبارزاتی امام (س) دیانت است که در همهٔ زمینه‌ها بر فهم فقهی تکیه دارد و هدف آن پیاده کردن اسلام و تربیت انسان سالم در جوامع است. ترسیم چنین افق وسیعی از حوزهٔ دفاعی حضرت امام (س) تحقیقی است جامع که از بضاعت این مقدمه خارج است ولی با اندک دقتی بُعد جهانی و همیشگی امر دفاع را در اندیشه‌های والای معظم‌له می‌توان دید: دفاع از اسلام و مسلمین، دفاع از محرومین و مستضعفین، دفاع از حزب‌الله، دفاع از نهضت و کشور اسلامی، دفاع از جان، مال و آبرو و دفاع از عزت و استقلال سیاسی و... این الگوگیری دفاعی دقیقاً منطبق بر قرآن و سیرهٔ پیامبر (ص) است. ایشان با دقت سیرهٔ پیامبر (ص) و ائمه (س) را مورد بررسی قرار داده، درسهای لازم را از آن گرفته و به دیگران آموخته‌اند.

آشنایی حضرت امام (س) با سیرهٔ نبوی پیامبر (ص) در حقیقت یافتن الگو و سرمشق زندگی برای دستیابی به حیات طیبه الهی است. سیرهٔ حضرت در نحوهٔ ارتباط با خداوند، دوستان، دشمنان، منافقان، حکومت و رهبری، تبلیغات، سیاست خارجی، جنگ و صلح، اسیران جنگی، آموزش و سازماندهی و... تمامی آموزنده است، چنانکه در بیانی فرموده‌اند: «اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کند ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته؛ و اینکه گذشته سرمشق هست از برای ما»؛<sup>۲</sup> «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ يَوْمَ بَرَكِ اللَّهُ بِكُمْ بِرَسُولِهِ وَبِأَنَّكُمْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهُ لَمَّا بَدَأْتُمْ تَدِينُوا وَبِأَنَّكُمْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهُ لَمَّا بَدَأْتُمْ تَدِينُوا وَبِأَنَّكُمْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهُ لَمَّا بَدَأْتُمْ تَدِينُوا»<sup>۳</sup>.

این پیر فرزانه همواره در طول حیات مبارزاتی و انقلابی خود سعی داشتند سیرهٔ پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (س) را به دور از هرگونه خرافه و اندیشهٔ واهی ارائه دهند و دنباله‌روی آنان قرار گیرند: «با خدای خویش عهد نموده‌ایم که دنباله‌روی امام خود سیدالشهدا (ع) باشیم».<sup>۴</sup> جنگهای اسلام مقصدی جز تربیت انسانها و جاری کردن احکام

۱. صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۸۷.

۲. همان؛ ج ۵، ص ۱۶۲.

۳. همان؛ ج ۳، ص ۴۲۱.

۴. همان؛ ج ۱۳، ص ۲۱۳.

خداوند و ممانعت از ظلم ستمگران نداشته است. و مکتب اسلام هم استفاده از جنگ را تا مرز ضرورت، محدود ساخته و آن را به عنوان آخرین وسیله برای جلوگیری از تجاوز و طغیان و تأدیب مفسدان و ظالمان پذیرفته است. مفسدانی که بر اساس امیال شیطانی خود همیشه در صدد پایمال کردن حقوق مادی و معنوی انسانها بوده و هیچ‌گاه جوامع بشری از وجود چنین افرادی خالی نبوده است، و با توجه به اینکه اسلام شریعتی صریح و گویا برای مشکلات انسانها، و صاحب روشهایی قاطع و قابل اجرا است؛ در اوج عطف و مهربانی، در برابر ستمکاران و جباران شدت عمل دارد به این علت دستوراتی قاطع به پیروانش صادر نموده و خواهان مبارزه تا رفع فتنه در عالم شده است، و امام راحل با آگاهی کامل در تمامی مراحل مبارزاتشان از این فکر بهره جسته‌اند:

«هیئات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضة دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.»

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌نه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد»<sup>۱</sup>.

در اندیشه امام راحل جنگها دوگونه‌اند؛ یا حقند یا باطل. جنگهای باطل همواره چیزی جز نابودی بشر به دست قدرت طلبان و زورگویان نبوده و هدف غایی آنان استیلای کامل به عالم طبیعت و مکیدن منابع آن و توسعه استعمار بوده است. اما جنگهای حق به دنبال شکوفایی حیات فطری بشر صورت گرفته و مقصد، تربیت انسانها و جوامعشان و برطرف کردن موانع سر راه آنها بوده است. از این رو چون این تفکر فقط در اسلام و سیره پیامبر (ص) و ائمه (س) و پیروان آنان وجود دارد، همواره آنان سعی در دفاع از عزیزترین

وجودشان یعنی اسلام داشته‌اند و برای حفظ این امانت الهی جان خود را تقدیم این راه نموده‌اند. امام خمینی و شهدای انقلاب اسلامی در طی دوران نورانی دفاع مقدس همسفران اهل نور شدند و عاشقانه گردن به مسلخ عشق سپردند. باشد که خون این رادمردان همواره بجوشد و چراغ هدایت عصرها و نسلهای دیگر گردد.

«خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند».<sup>۱</sup>

«و امروز غریبترین چیزها در دنیا همین اسلام است. و نجات آن قربانی می‌خواهد. و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم».<sup>۲</sup>

## ویژگیهای این مجموعه:

این مجموعه کاری است از گروه جنگ و جهاد معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(س) و مشتمل بر چهار فصل زیر است:

**فصل اول:** با عنوان جنگهای حق و باطل به مباحثی پیرامون جنگ در قرآن و اهداف جنگهای حق طلبانه و جنگهای باطل و تفاوت ماهوی جنگها پرداخته است.

**فصل دوم:** با عنوان وجوب دفاع و استقامت به مباحثی همچون ضرورت دفاع، ضرورت آمادگی دفاعی، استقامت در قرآن، ضرورت استقامت، نقش مساجد در جنگ و دفاع پرداخته شده است.

**فصل سوم:** ویژگیهای رزمندگان صدر اسلام عنوانی است با زیر موضوعاتی همچون فداکاری، عقیده و ایمان، شهادت‌طلبی.

**فصل چهارم:** این مبحث تحت عنوان احکام فقهی دفاع و جهاد به موضوعات حکمهای فقهی جنگ و دفاع پرداخته و سعی گردیده است اهم موضوعات آورده شود. عناوینی چون دفاع فردی، دفاع جمعی، شرایط دفاع، وجوب آموزش و آمادگی دفاعی، وجوب کفایی حضور در

۱. همان؛ ج ۲۱، ص ۸۷.

۲. همان؛ ج ۲۱، ص ۱۶۰.

جبهه، اذن والدین، احکام دفاع و زمین، دفاع و دولت، احکام اطاعت از فرماندهان جنگ، احکام سربازی در زمان جنگ، احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات در جنگ، سپر قرار دادن مردم در جنگ، احکام همکاری با دشمن، پشتیبانی از جنگ، احکام اسرا، احکام مربوط به غنایم جنگی، احکام متفرقه مربوط به جنگ.

در پایان لازم می‌دانیم از کلیه همکارانی که ما را در تدوین این مجموعه یاری کرده‌اند؛ از جمله برادر علی اصغر رحمتی سپاسگزاری نماییم.

### معاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)





## فصل اول

### جنگهای حق و باطل

- جنگ در قرآن
- جنگهای حق طلبانه
- جنگهای باطل
- تفاوت جنگها



## جنگ در قرآن

کسی که یک مقداری آشنا باشد به منطق قرآن، می بیند که این قرآن است که وادار کرد پیغمبر اسلام را به اینکه با این سرمایه دارها دائماً در جنگ باشد. با این کسانی که در حجاز و در طائف و در مکه و اینها، سرمایه دار بودند و صاحب قدرت و اشخاص قلدری بودند که قدرتمند بودند. قرآن بود که پیغمبر اکرم را وادار کرد به اینکه با این مردمی که با ملیت مردم با منافع توده های مردم، مخالف هستند و استثمار می کنند اینها را، با اینها باید جنگ بکنید و تعدیلی حاصل بشود.

### تأدیب زورمندان

جنگهایی که پیغمبر در زمان حیاتشان فرموده اند، بعد از اینکه اسباب جنگ فراهم شد برایشان، این جنگها همیشه با زورمندها بوده است؛ با آنها، مثل ابوسفیان و امثال آنها که قدرتمندها بودند، و اینها منافع ملتها را، ملت خودشان را، می خواستند برای خودشان [غارت] بکنند؛ و ظلم و ستمکاری و بی عدالتی رایج بوده است؛ و جنگهایی که واقع شده، بین مستضعفین بوده و این مردم طبقه سه، این فقرا با این زورمندها و اینهایی که می خواستند حق فقرا را بخورند؛ و لسان قرآن و آیاتی که در باب جنگ - جنگ با این

مشرکینی که آن وقت دارای قدرت بودند - آیاتی که وارد شده است، یکی و دو تا نیست؛ بسیار آیات در [باب] جنگ هست و در جدال با اینها؛ و در تمام قرآن اگر پیدا بکنید یک آیه‌ای که مردم را بگوید با اینها ملایمت کنید و بروید توی خانه‌تان بخوابید تا اینها هر کاری [می]خواهند بکنند، بکنند؛ اگر این جور پیدا شد، آن وقت حق دارد کسی بگوید که این قرآن آمده است و دین آمده است، افیون است. (۱)

۵۷/۸/۸

\* \* \*

این دینی که همه تحرکها به واسطه دین است؛ قرآنی که آیات قتالش آنطور روشن است، آیات تحرکش آنطور روشن است، اسمش را می‌گذارند «افیون»؛ یعنی می‌خواهد مردم بیچاره را بخواباند تا قدرتمندها بخورند. قرآنی که به جنگ قدرتمندها آمده است، اینها می‌گویند قدرتمندها درست کرده‌اند که بیچاره‌ها [را] بخورند! آن نبی اکرم و سایر کسانی که اسلامی هستند، جنگهایشان با همین قدرتمندها بوده است. (۲)

۵۷/۸/۹

\* \* \*

قرآن پر است از این آیاتی که این آیات مردم را وادار کرده است و پیغمبر را مأمور کرده است که جنگ کنند با کسانی که متعدی هستند؛ با ظالمها جنگ بکنند. (۳)

۵۷/۸/۲۱

\* \* \*

جنگهای اسلام با  
قدرتمندان

تکلیف به جنگ با  
ظالمین

## جنگهای حق طلبانه

### رواج اسلام

پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - (عرض کردم من تاریخ درست نمی دانم اما اینهایی که به گوشم مانده) بعد از اینکه فتح حنین کردند، دو مطلب است که آموزنده است برای اشخاصی که بخواهند چیز بفهمند؛ دو کار ایشان کردند - از قراری که در تاریخ است - یکی اینکه یکی از سران این کفار فرار کرد و رفت به جده که توی کشتی بنشیند و فرار کند. پیغمبر اکرم جبهه مبارکشان را - به حسب این نقل - دادند به کسی که ببر به او بده؛ من از او گذشتم، بیاورش. این ابوسفیان که تا آخر عمرش هم اسلام نیاورد [به] همین صورت بود. آن اولادش هم همین طور. آن ابوسفیان با این همه چیز و آن کفار قریش با آن همه کذا، غنایم را وقتی که آوردند، غنایم حنین را جنگ حنین را، وقتی که آوردند حضرت به اینها داد: صد شتر به این، صد شتر - سیصد شتر به این، چقدر شتر به این، چقدر چیز به اینها داد، با اینکه خوب حضرت می دانست که اینها کافرنند، حضرت که می دانست اینها مشرکند. مقدسین ایستادند که آقا آخر ما چی داریم، اینها طماعند. حضرت فرمود که اینها شتر بردند، من همراه شما هستم. شما میل ندارید رسول الله به جای شتر همراه شما بیاید؟! شما ببینید چه بزرگی بود. چه آدم بزرگی بوده است این مرد. با قطع نظر از باب نبوت، مغز چه مغز عالی است. از آن طرف کفار قریش را آنطور استمالت می کند که اینها لااقل اگر در باطن خبیث هستند، ظاهرشان ظاهر مسلم شود و بیایند بچسبند به اسلام. از این طرف هم آنهایی که اشکال می کنند، به آنطور نرم و خوب و قشنگ جواب می دهد و قانعشان می کند. (۴)

جنگ برای جذب  
کفار به دین

### جنگ برای معنویت

جنگهای اسلام را ببینید که با چه اشخاصی، با چه قشرهایی بوده است. برای منفعت بوده؟ آن وقتی هم که در جنگ حنین بود، یا یکی دیگر از جنگها، وقتی هم که غلبه کردند، هر چه بود حضرت رسول دادند به خود همان مشرکین. این هم مال شما. اصلاً مادیت مطرح نیست در اسلام. (۵)

۵۸/۲/۲۹

\* \* \*

### جنگ برای انتشار

#### دین حق

انبیا که جنگ می کردند با مخالفین توحید مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند، مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند؛ دین حق را در عالم منتشر کنند. آنها مانع بودند. اینها می دیدند که این مانع را باید برداشت تا به مقصد رسید. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - مقصدشان این نبود که مشرکین مکه را از بین ببرند؛ یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند؛ مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند؛ و حکومت، حکومت قرآن باشد؛ حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از اینکه این حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند، منتهی به جنگ می شد و معارضه، آنها معارضه می کردند با حکومت اسلامی؛ اینها مقابله می کردند. ... جنگهای زیادی که پیغمبر اکرم فرموده است همه برای این معنا بوده است که موانع را از سر این مقصد الهی، مقصد اعلی که دارند، و آن تحکیم حکومت اسلامی، حکومت الله، حکومت قرآن همه برای این بود. به طوری که اگر معارض با این نبودند، معلوم نبود که جنگی پیش بیاید. (۶)

۵۸/۳/۱۱

\* \* \*

## جنگهای حق و باطل / ۷

پیغمبر اسلام برای اسلام خیلی زحمت کشیده، تمام عمرش در زحمت بوده، تمام عمرش. آن وقتی که در مکه بود زحمتش یک طور بود، با آن رنج و تعبیه که بود و مدت‌ها در حبس، یعنی بیرون بود و نمی توانست اصلاً خودش را نشان بدهد. آن وقت هم که مدینه آمدند جنگهای زیادی که با مشرکین واقع شد و با خائنها و با گردن کلفتها و با ثروتمندها تا اینها را بخواهند خاضع کنند برای اسلام. بسته بودند چند نفر را، داشتند می آوردند. اسیر کرده بودند. فرمود بین! ما باید با زنجیر اینها را به بهشت ببریم. جنگهایشان برای این بود که مردم را آدم کنند. نه این بود که مملکت بگیرند. (۷)

زحمات پیامبر برای

نشر اسلام

۵۸/۴/۱۳

\* \* \*

سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود، و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت: ظهر شده است، فرمود که یاد من آوردید یاد آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند، و ایستاد همان جانماز خواند. نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم. خیر، جنگ را برای نماز کردند.

جنگ برای نماز

امیرالمؤمنین وقتی که یک مسأله‌ای، یک چیزی از او پرسیدند، در همان بحبوحه جنگ، ایستاد و جواب داد. یکی گفت: حالا [...] من شمشیر برای این می زنم. [...]

جنگ در اسلام یک چیزی نیست که خودش یک مطلبی باشد و یک چیزی باشد که طرحی باشد، جنگ برای این است که آن زبانه‌هایی که هستند، آنهایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آنهایی که مانع از ترقی مسلمین هستند، آنها را از بین راه بردارند. مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام، انسان درست

کنند. (۸)

۵۹/۳/۱۴

\* \* \*

پیغمبر اکرم جنگ کرده است برای اسلام. حضرت امیر جنگ کرده است برای اسلام. صدر اسلام در یک چند سال چندین جنگ، هشتاد تا، چقدر جنگ واقع شد. (۹)

جنگ برای اسلام

۵۹/۸/۱۲

\* \* \*

پیغمبر اسلام تا آن وقتی که در بستر مرگ خوابیده بود، جیشش را فرستاده بود و بیرون مدینه تجهیز کرده بود برای مقابله با کفار. (۱۰)

جنگ برای مقاتله با کفار

۶۰/۴/۸

\* \* \*

حضرت امیر سه جنگی را که کرده است با اصحاب پیغمبر، با نزدیکان پیغمبر، با مقدسهای حقه باز کرده است و این برای مصلحت اسلام بوده است. گرچه من می دانم که در بعضی دلها اشکال به حضرت امیر هم هست، بعضی اشخاص به حضرت امیر هم اشکال دارند، ولو جرأت نمی کنند بگویند که «چرا با مسلمانها جنگ کرده است!» لکن حضرت امیر تابع اسلام است، اسلام بگوید با مسلمین جنگ کن، جنگ می کند؛ بگوید با کفار جنگ کن، جنگ می کند، وقتی بنا شد یک طایفه ای از مسلمین، اینها توطئه کردند برای اینکه اسلامی که می خواهد متولد بشود، این را از بین ببرند و یک دسته دیگر هم اغفال کردند دنبال این معنا، تکلیف حضرت امیر - سلام الله علیه - است که شمشیر را بکشد و در

جنگ برای مصلحت اسلام



## جنگهای حق و باطل / ۹

سه جنگ با مسلمین [یعنی] کسانی که اظهار اسلام می‌کردند و فریاد اسلام می‌کشیدند و همه‌شان هم از صدام مسلمانتر بودند، شمشیر را بکشد و در سه جنگ با مسلمانها جنگ بکند برای اطاعت امر خدا و برای حفظ اساس اسلام.

آن روزی که اساس اسلام و اساس دیانت اسلام بستگی دارد به جنگ کردن با کسانی که اظهار اسلام می‌کنند یا واقعاً هم مسلمان هستند، وقتی بنابراین شد، شمشیر را باید بکشند مسلمین و با آنها جنگ بکنند. (۱۱)

۶۴/۱/۱۵

\* \* \*

### اصلاح انسانها

حضرت امیر هم جنگ کرده با یک قدرتی که متشبث به اسلام هم بوده، مثل معاویه؟! که حجت ما الآن بر این نزاعی که بین، بر این مبارزه‌ای که بین مسلمین و بین این دستگاه فاسد است، حجت ما بر جواز این و لزوم این عمل، حضرت امیر - سلام الله علیه - است و عمل سیدالشهداء - سلام الله علیه؛ که دو نفر آدمی که اینها قدرت داشتند، آن شامات را آنها گرفته بودند و تحت قدرتشان بود و جنگها - چیزها داشتند، فوجهای... چرا این کار را کرد؟ اینها که مسلمان بودند. (۱۲)

۵۷/۸/۱۴

\* \* \*

اسلام آن اسلامی است که در نیم قرن فتح کرد تمام این ممالک را، برای اینکه آدمشان کند. نه فتح اسلام مثل فتح - سلطنتهای - سلطانهای دیگر، مثل فتح نادر شاه است؛ خیر. آن طرز حکومت اسلام طرز حکومت

جنگهای ائمه،  
راهنمای ما

هدف اسلام، تربیت  
انسان

آدم‌سازی است. شما خود رؤسای اسلام را باید ملاحظه کنید مثل پیغمبر اکرم که رئیس اسلام است، امیرالمؤمنین که بعد از او رئیس اسلام بود. (۱۳)

۵۷/۸/۱۷

\* \* \*

قبل از یک نیم قرن، در حدود سی سال، این امپراتوریها راهمین عدۀ عرب کمی که ابتدائاً دور رسول اکرم بودند و اینها را ساخت پیغمبر اکرم، در یک مدت کمی دو تا امپراتوری که آن وقت تقریباً تمام دنیا زیر بیرق این امپراتوریهها بود - یکی امپراتوری ایران بود یکی هم روم بود - هر دو را آنها فتح کردند. همچو تحرکی در اینها آورد که از جزیره العرب راه افتادند آمدند ایران را گرفتند و رفتند روم را گرفتند و رفتند تا اروپا، همه جا را تسخیر کردند! و تسخیرها تسخیری نبود که - مثلاً فرض کنید - مثل ناپلئون باشد که بخواهد یک مملکتی را بگیرد؛ تسخیرهای اسلامی برای این بود که مردم را بسازد، مردم را موحد کند، مردم را عادل کند، مردم را روشن کند به مسائل. اینطور بوده است. نه این است که می خواستند کشورگشایی بکنند. نه، مسائل کشورگشایی نبوده. مسائل این بوده است که می خواستند مردم را روبه راه کنند؛ یعنی وحشیها را متمدن کنند؛ یعنی کسانی که یکدیگر را می خوردند. قرآن کریم در نیم قرن این جمعیتی که [با] هم همیشه جنگ می کردند و [یکدیگر] را می خوردند، به یک صورت عادلانه درآورد که با هم آنطور رفتار می کردند که ممالک متمدنه رفتار می کردند. (۱۴)

۵۷/۸/۲۱

\* \* \*

جنگ برای موحد  
ساختن مردم

کوششهایی که انبیا می‌کردند و جنگهایی که با مخالفین راه حق می‌کردند، و خصوصاً جنگهایی که در صدر اسلام واقع شد، مقصد جنگ نبوده است، و مقصد کشورگشایی هم نبود. مقصد این بوده است که یک نظامی عادلانه که در آن نظام عادلانه، احکام خدا جاری بشود [باشد]. انبیا آن همه زحمت کشیدند نه فقط برای اینکه طرف را از صحنه خارج کنند و خودشان صحنه را دست بگیرند، بلکه مقصد اصلی این بوده است که این انسانهایی که انسانیت ندارند، این اشخاصی که در راه خلاف دارند سیر می‌کنند و آنها می‌دیدند که این راه خلاف، راه شقاوت است، راه ضلالت است، راهی است که مردم را در این دنیا به شقاوت و در آن دنیا هم به مهلکه می‌کشاند؛ انبیا از طرف خدای تبارک و تعالی مأمور شدند برای نجات مردم... این همه جنگهایی که در اسلام شده است و زحماتی که اولیای خدا کشیده‌اند و اینها برای اینکه اسلام را پابرجا کنند؛ احکام اسلام را پیاده کنند. آن هم برای اینکه انسانها را هدایت کنند به یک واقعیاتی که اطلاع بر آن ندارند، راه را نمی‌دانند؛ آنها می‌دانند راه را اینطور باید بروند. (۱۵)

۵۸/۴/۱۷

\* \* \*

در قرآن که به پیغمبر اکرم می‌فرماید که تو چرا اینقدر غصه می‌خوری برای اینهایی که مسلمان نمی‌شوند.<sup>۱</sup> پیغمبر غصه می‌خورد برای کفار که نمی‌آیند. در یک جنگی که یک دسته‌ای را اسیر کرده بودند و بسته بودند و می‌آوردند، فرمود که ببین، من با زنجیر این را می‌خواهم به بهشت ببرم! اینها را ما اسیر کردیم آوردیم آدمشان کنیم و بفرستیمشان به بهشت. پیغمبر و همین طور سایر پیغمبرهای آسمانی اصلاً بنایشان

جنگ برای تحقق  
نظام عادلانه

جنگ برای سعادت  
بشر

بر این است که همهٔ بشر را سعادت‌مند کنند، هیچ نظری ندارند که یک ناحیه‌ای باشد و یک ناحیهٔ دیگر. در عین حالی که خوب پیغمبر اکرم، عرب است و عربستانی است، لکن می‌فرماید هیچ عربی بر هیچ عجمی تَفَوُّق ندارد؛ هیچ عجمی هم بر هیچ عربی. میزان اطاعت خدا و تقواست.<sup>۱</sup> وقتی اینطور باشد، خوب، همهٔ ما برادر هستیم و همهٔ ما چه هستیم و با همهٔ بشر ما خوب هستیم و می‌خواهیم اصلاح بشوند. منتها یک دسته‌ای هستند که در مقابل یک همچو مطلبی که اسلام می‌خواهد همه را اصلاح بکند قیام می‌کنند و آدمکشی می‌کنند اینها؛ در مقابل آنها اسلام هم با قوت و قدرت می‌ایستد و نابودشان می‌کند، از بین می‌بردشان، مثل یک غدهٔ سرطانی که باید عمل کرد و بیرونش کرد، و آلا فاسد می‌کند. (۱۶)

۵۸/۶/۲۸

\* \* \*

جنگ برای تربیت  
جامعه

شما وقتی ملاحظه کنید از زمان پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و زمان خلافت حضرت امیر - سلام الله علیه - جنگهای زیادی شده است، و جنگها هم همه جنگهای اسلامی، برای تربیت جامعه بودند. یک جنگ، ما در اسلام نداریم که از این مطلب که برای ساختن جامعه باشد و جلوگیری کردن از کسانی که نمی‌خواهند بگذارند جامعه ترقی بکند، در اسلام نداریم همچو جنگی. (۱۷)

۵۸/۷/۲

\* \* \*

مَجْدِ اسلام آن بود که در صدر اسلام بود. آن بود که با یک جمعیت کم دو

۱. «لافضل لعربی علی عجمی و لاعجمی علی عربی»؛ تفسیر در المثنوی؛ ج ۷، ص ۵۸۰.

### جنگهای حق و باطل / ۱۳

تا امپراتوری را از بین برد، آن مجد اسلام بود، نه برای کشورگشایی؛ برای آدمسازی. این خیال است، اشتباه است که خیال می‌کنند کشورگشایی می‌کند اسلام. اسلام کشورگشایی نمی‌کند. اسلام می‌خواهد همه کشورهای آدم بشوند. اسلام دنبال این می‌رود که آنهایی که آدم نیستند آدمشان کند. در یک جنگی وقتی که اسیر کرده بودند یک عده‌ای را - به حَسَب تاریخ هست - اینها را بسته بودند داشتند می‌آوردند. رسول اکرم گفت: ببین! من باید با زنجیر اینها را به بهشت ببرم. اسلام برای اصلاح جامعه است. اگر شمشیر کشیده، شمشیر را برای این کشیده است که مفسده‌هایی که نمی‌گذارند این جامعه‌ها اصلاح بشود از بین ببرد، تا سایرین اصلاح بشوند. (۱۸)

شمشیر اسلام برای  
اصلاح جامعه

۵۸/۸/۱۱

\* \* \*

اسلام وقتی هم که جنگ می‌کرده، جنگ کردنش مثل جنگ کردنهای کشورگشاها نبوده است که بخواهد یک کشوری را بگیرد. اسلام می‌خواسته آدم درست کند. آدمهایی که گرفتار بودند زیر چنگال مشرکین. زیر چنگال ابرقدرتها. اسلام و همه مکتبهای توحیدی آمدند که این مردم را از این قید رها کنند آزاد کنند از این قیدهایی که به قلوب اینها آنها انداختند و همه چیز آنها را تحت قید و اسارت قرار دادند. (۱۹)

جنگ برای خروج  
از اسارت قدرتها

۵۸/۹/۲۱

\* \* \*

انبیا هم دعوت کردند، زحمت کشیدند، اولیا هم دعوت کردند، زحمت کشیدند، جنگها کردند برای همین که این انسانهای فاسد را کنار بزنند، و

جنگ برای ساختن  
جامعه انسانی

یک جامعه انسانی درست بکنند. (۲۰)

۵۸/۱۰/۲

\* \* \*

جنگ برای ورود  
در حصار ایمان

تمام جنگهایی که در اسلام واقع شده برای این بوده است که این جنگلیها و وحشیها را وارد کنند در حصار ایمان. (۲۱)

۵۹/۳/۲۱

\* \* \*

جنگ برای کوبیدن  
منیها

هیچ جنگی در دنیا که بین انبیا بوده و غیرشان، نبوده است الا اینکه می خواستند این سرکشها را آرام کنند، انانیتها را بکوبند. (۲۲)

۵۹/۴/۱۵

\* \* \*

انبیا بنایشان بر این بود که دست به شمشیر نبرند الا برای آنها که علاجی ندارند جز شمشیر و فاسد می کنند جامعه را. آن که فاسد می کند جامعه را و دست از فسادهش بر نخواهد داشت او را باید از جامعه جدا کرد. و یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می کند.

جنگ برای زدودن  
فاسدها

انبیا مثل یک طبیبی بودند، آنها که می خواستند اصلاح کنند جامعه را. اگر یک طبیبی آمد و غده سرطانی را، چاقو را در آورد و شکم را پاره کرد و غده سرطانی را در آورد، شما فریاد می زنید که شکم مردم را پاره کردی، جانی هستی؟! نه، احترامش می کنید و اجر هم به او می دهید و دستش را هم فرض کنید می بوسید و خیلی هم خوشحال می شوید، برای اینکه این شکم را پاره کرده. اما برای در آوردن غده سرطانی که این را به هلاکت می رساند. انبیا اینطور بودند.

انبیا در عین حالی که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: که چرا این قدر خودت را به زحمت می‌اندازی، چرا این قدر خودت را می‌خواهی بکشی که اینها ایمان نمی‌آورند؟!<sup>۱</sup> آن قدر عاطفه داشته است و آن قدر دلش می‌خواست است که مردم صالح بشوند، خوب بشوند، لکن وقتی که می‌دید که فلان جمعیت اگر باشند مردم را به فساد می‌کشند، شمشیر او همان چاقوی طیب است. او طیب عالم است و طیب جامعه است و جامعه را باید با حسن نیتی که دارد اصلاح بکند. شمشیر علی بن ابیطالب ضربه‌اش می‌فرماید که از عبادت جن و انس هم بالاتر است.<sup>۲</sup> برای اینکه اصلاح است، ضربه اصلاحی است، ضربه افسادی نیست. (۲۳) ۵۹/۱۱/۴

\* \* \*

تمام انبیا از صدر بشر و بشریت، از آن وقتی که آدم - علیه السلام - آمده تا خاتم انبیا - صلی الله علیه و آله و سلم - تمام انبیا برای این بوده است که جامعه را اصلاح کنند؛ فرد را فدای جامعه می‌کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیا نداریم. ما فردی بالاتر از ائمه نداریم - علیهم السلام - این فردها خودشان را فدا می‌کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم لِقَوْمِ النَّاسِ بِالْقِسْطِ؛ غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلمها از بین برود، ستمگریها از بین برود، ضعفا به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود. دنبالش هم می‌فرماید: وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ. تناسب این چیست؟ تناسب این است که با حدید باید اینها انجام بگیرد؛ با بینات، با میزان و با

جنگ برای اقامه  
قسط

۱. «الْعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛ ای رسول، تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که خواهی جان عزیزت را از غم اینکه ایمان نمی‌آورند هلاک سازی»؛ (شعراء/۳).

۲. «ضربة علی يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين»؛ بحار الانوار؛ ج ۳۹، ص ۲-۱.

حدید. فیه باس شدید؛ یعنی، اگر شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است، تباه کنند، با بینات با آنها باید صحبت کرد. نشنیدند، با موازین، موازین عقلی صحبت کرد. نشنیدند با حدید...

پیغمبر اکرم کدام روزش از مسائل سیاسی خارج بود؟ دولت تشکیل می داد، با اشخاصی که به ضد اسلام، ستمگر بر مردم بودند، با آنها مبارزه می کرد، جنگ می کرد...

مسأله جنگ مسلحانه با اشخاصی که آدم نمی شوند و می خواهند ملت را تباه کنند، در رأس برنامه های انبیا بوده است. ما همه تعلیمات انبیا را کنار گذاشتیم... مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملتها، کسی بدون اینکه دخالت کند، قیام به قسط باشد؟ *يَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ* باشد؟ مگر می شد ما و شما با محمدرضا بسازیم که بیا، دیگر ما کاری به شما نداریم؟ آمد گفت دیگر که ای مراجع اسلام، ای چه، ای چه، من دیگر از آن کارها دست برداشتم. همانی که مراجع اسلام را می گفت که «این سیاه روزها» و این کذا و کذا؛ بدگویی می کرد به آنها، همان آمد گفت. چرا آمد گفت؟ برای اینکه دوباره بازی بدهد. خیال می کرد حالا دوباره می شود بازی داد. یک وقت بازی نخورید! یک وقت این شیاطین نیاند بگویند که به شما چه دخالت در اسلام، دخالت در سیاست؛ شما بروید سراغ مسأله گفتنتان! خیلی هم معزز هستید و چنانچه مسأله می گفتید، دیگر [شهادتی] واقع نمی شد؛ برای دخالت در سیاست بود که چندین هزار معلول و [شهید] دارید. این اشکال اولش به نبی اکرم وارد است. اگر ایشان هم به سرمایه دارهای مکه و حجاز کاری نداشت و تو مسجد می نشست و مسأله می گفت، جنگ پیش نمی آمد، کشتار نمی شد، عمومی معظمش کشته نمی شد. و به سیدالشهدا وارد است. اگر



سیدالشهدا می‌رفت پیش یزید و بیعت می‌کرد و مسأله گو، مسأله می‌گفت، با او می‌ساخت و مسأله می‌گفت، یزید خیلی هم احترام می‌کرد، دستش [را] هم می‌بوسید. ولی تکلیف این بود؟ ما وحشت داریم از اینکه چند هزار آدم از ما کشته شده است؟ اگر ما وحشت داریم، باید ما اصلاً طریقه انبیا را کنار بگذاریم. باید آن چیزی که انبیا آوردند، آن چیزی را که خدا امر کرده به آنها که بروید این سردمدارها را دعوت کنید، [رها کنیم]. دعوت همین نبود که بروند بگویند: آقا، مسلمان شو؛ چنانچه نشد، دیگر بروند سراغ کارشان. نخیر، دعوت می‌کردند، با شمشیر توی سرشان می‌زدند تا آدم بشوند، کشته می‌دادند و می‌کشتند. مگر شهادت یک امری است که انسان برای آن عقب نشینی بکند؟! هی گفته بشود به اینکه خوب اگر اینطور مسائل نبود، اگر ما با شاه کنار می‌آمدیم، دیگر اینقدر کشتار واقع نمی‌شد. پیغمبر هم اگر با ابوسفیان کنار می‌آمد، نمی‌شد. سیدالشهدا هم اگر با یزید، حضرت امیر هم اگر با مخالفینش، که مخالف اسلام بودند، کنار می‌آمد، دیگر کشتاری نمی‌شد، دیگر جنگ صفینی در کار نمی‌آمد، جنگ جملی در کار نمی‌آمد... کدام روز پیغمبر خالی از این مسائل سیاسی و اجتماعی بود؛ از جنگ بود؟ پیغمبر نمی‌دانست مگر در احد اینقدر کشته می‌شود و در فلان، این همه عزیزان از بین می‌روند؟ لکن تکلیف بود؛ خدا گفته بود این را. پیغمبر هم نمی‌توانست تخلف کند؛ امر خدا بود. خدا بینات فرستاده و میزان فرستاده و حدید فرستاده: **يَتَقَوْمَ النَّاسِ بِالْقِسْطِ**. اگر شد با بینات، با میزان - موازین هر چه هست - اگر نشد، حدید است. تو سر مردم با حدید زد تا اینکه اینها را آدم کرد، تا جامعه را جامعه صحیح کرد.

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند، تمام. و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگ باشد - بالاترین

فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا - وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد، باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد؛ که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود؛ **لَيَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**، باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند. جانها را دادند، مالها را دادند، زحمتهای کشیدند. نمی شود گفت پیغمبر یک شب و روز راحت خوابیده باشد. تمام زمان عمرش صرف این شد که با هر تریبی که می شود، با قرآن، با احادیث خودش، با کلمات خودش، با موعظه های خودش، [جامعه را اصلاح کند]. وقتی که می بیند نمی شود این، با شمشیر، با شمشیر می زند و اشخاصی [را] که می خواهند این جامعه را از بین ببرند و ملت را تباه بکنند، آن با شمشیر، وقتی نمی شود با بیّنه و میزان عمل کرد، با حدید عمل می کند.

ما همان ادعا [را] می کنیم که ما امت رسول الله هستیم و شیعه علی بن ابی طالب. ما باید مطالعه کنیم، ببینیم آنها چه کردند. شیعه این نیست که فقط بگویند من شیعه هستم، این است که ببیند چه کردند آنها، دنبال کند همان چیزهایی را که آنها کردند. پیغمبر اکرم چقدر جنگ در زمان او واقع شد! برای اینکه اصلاح کند جامعه را، برای اینکه دست ستمکارها را کوتاه کند؛ دست این سرمایه دار چپاولگر را کوتاه کند، دست آن جبارهای ظالم را کوتاه کند؛ تمام عمرش مشغول این بود در مکه. به آنطور نمی توانست، به بینات و به میزان و به موعظه ها عمل می کرد تا وقتی که در صدد بود. نه اینکه نشسته بود همین طور؛ [در] صدد بود، آدم جمع می کرد تا وقتی که مدینه مهیا شد و ایشان هم آمدند مدینه. دیگر همه اش مسائل، مسائل جنگ بود و مسائل سیاست بود و اینها. اگر امت رسول الله هستیم، این رسول الله! اگر شیعه علی بن ابی طالب هستیم، علی بن ابی طالب چقدر در جنگها رفت، در رکاب رسول الله بود تا آخر که

رسول الله تشریف بردند. بعد یک جنگ باطنی داشت که صلاح این می‌دید که باید اجتماع محفوظ بماند و باید این استقرار پیدا بکند. آن روزی هم که بعد از مسائل ایشان با او بیعت کردند، آن روز هم مطلب خودشان را گفتند؛ اول برنامه‌شان را گفتند و مهمترین برنامه این بود که من حتی آن چیزهایی که صدق کردید از چپا و لگربها برای زنهائتان، آن [را] هم ازتان می‌گیرم.<sup>۱</sup> از آنجا که ایشان این ندا را در داد، دیدند نمی‌شود با این زندگی کرد. این غیر مسأله قبلی است. این باهانش زندگی نمی‌شود [کرد]. شروع کردند و سه تا جنگ مهم<sup>۲</sup> انجام داد حضرت امیر. چقدر کشته شد از مسلمانها؟! چقدر کشته شد از آن طرف؟! همه هم مسلمان بودند، مسلمان. آن مسلمان بازی خورده بود؛ آن طرف مسلمان بازی خورده بودند، این طرف مسلمانهای هدایت شده بودند. لکن وقتی مسلمانی هم بازی خورد و به جنگ با مسلمانهای هدایت شده برخاست، او هم جوابش حدید است. اگر بینات و میزان نتوانست کار خودش را بکند، جوابش حدید است. (۲۴)

۶۰/۶/۱۸

\* \* \*

همان جنگهایی که پیغمبر اکرم می‌کردند یا تحمیلی بوده و یا گاهی وقتها هم اتفاق می‌افتاده که ابتدایی بوده است، همانها هم آثار رحمت الهی بوده است؛ برای اینکه دنبال تهذیب یک ملتها، آنهایی که تهذیب بردارند باید تهذیب بشوند، آنهایی که مانع از تهذیب ملتها هستند باید از سر راه برداشته بشوند. این یک رحمتی است، صورتش را انسان خیال می‌کند که کشتار است، لکن واقعش بیرون کردن یک مواعی از سر راه

جنگ برای تهذیب  
ملتها

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۵.

۲. جنگ جمل در بصره به سرکردگی عایشه و طلحه و زبیر، جنگ صفین در مکانی به همین نام با معاویه و جنگ نهروان با خوارج.

انسانیت است. (۲۵)

۶۰/۱۰/۲۳

\* \* \*

همان طوری که خوب، به ایران هم نسبت می دهند که می خواهند اینها همه کشورها را بگیرند و امپراتوری - مثلاً - عثمانی را برگردانند. اینطور نیست که ایران یک همچو خیالی داشته باشد که برود امپراتوری؛ اصلاً اسلام وضعش اینطور نبوده است. جنگهای اسلام اینطور نبوده است که برای این باشد که امپراتوری به دست بیاورد؛ برای این بوده است که امپراتوریهایی که ظالم بوده اند کنار بگذارند و یک عدل اسلامی پیش بیاورند. (۲۶)

جنگ برای شکستن  
امپراتورها

۶۱/۱۰/۱۹

\* \* \*

جنگ در اسلام یک امری بوده است که از آن وقتی که اسلام حکومت پیدا کرد جنگ هم همراهش بود، قبل از آن هم دنبال این بودند که نقشه ها را درست کنند، لابد اینطور است. همچو که مدینه آمد رسول خدا، و حکومت تشکیل شد، جنگ یا جنگ تحمیلی بود یا هر چی بود در جنگ بود تا آخر عمرش؛ آن روز هم که به لقاء الله می خواست پیوند کند، بپیوندد، آن روز هم جیش «اسامه»<sup>۱</sup> اش بیرون شهر بود که می خواست جنگ بکند. این جنگ یک چیزی است که برای عدالت، جنگ لازم است. اگر مردم عادل باشند که دیگر جنگی در کار نیست. (۲۷)

جنگ برای  
اجرای عدالت

۶۲/۳/۱۴

۱. اشاره به لشکری که پیامبر (ص) برای فرستادن به مرز روم تهیه دیده و فرماندهی آن را برعهده اسامه بن زید نهاده بود.

جنگ‌های پیغمبر، رحمت بوده است بر عالم و رحمت بوده است حتی بر کفاری که با آنها جنگ می‌کرده است. رحمت بر عالم است، برای این که، فتنه در عالم اگر نباشد، همه عالم در آسایش اند. اگر چنانچه آنهایی که مستکبر هستند، با جنگ سر جای خودشان بنشینند، این رحمت است بر آن امتی که آن مستکبر بر او غلبه کرده است. برخورد مستکبر رحمت است، برای این که اساس عذاب الهی بر اعمال ماست...

عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آنها می‌کردند، برای این که معرفت الله را به معنای واقعی توسعه بدهند؛ جنگ‌ها برای این است، صلح‌ها برای این است، و عدالت اجتماعی، غایتش برای این است. اینطور نیست که دنیا تحت نظر آنها بوده است که می‌خواستند فقط دنیا اصلاح بشود. همه را می‌خواهند اصلاح بکنند. آن مذهبی که جنگ درش نیست، ناقص است اگر باشد. و من گمانم این است که حضرت عیسی - سلام الله علیه - اگر به او مهلت می‌دادند، آن هم همین ترتیبی که حضرت موسی - سلام الله علیه - عمل می‌کرد، همان طوری که حضرت نوح - سلام الله علیه - عمل می‌کرد، آن هم با کفار آنطور عمل می‌کرد. این اشخاصی که گمان می‌کنند که حضرت عیسی اصلاً سر این کارها را نداشته است و فقط یک ناصح بوده، اینها به نبوت حضرت عیسی لطمه وارد می‌کنند. اگر اینطور باشد، معلوم می‌شود که یک واعظی بوده، نه یک نبی‌ای بوده است. واعظ غیر نبی است. نبی، همه چیز دارد؛ شمشیر دارد، نبی جنگ دارد، نبی صلح دارد؛ یعنی، جنگ اساسش نیست، برای این که اصلاح را در دنیا توسعه بدهد، برای این که مردم را نجات بدهد جنگ می‌کند...

خدای تبارک و تعالی، چون نظرش به اول و آخر است - تا آخر نظر

جنگ برای رفع  
فتنه و گسترش  
معرفت الله

دارد - می‌گوید که «جنگ تا رفع فتنه»<sup>۱</sup>، غایت، رفع فتنه است؛ یعنی، اگر ما پیروز هم بشویم یک کمی فتنه را کم کردیم، اگر ما به جای دیگر هم پیروز بشویم، باز یک جای کمی پیروزی حاصل شده است. اگر همه دنیا را هم ما فرض کنید که جنگ بکنیم و پیروز بشویم، باز همه دنیا عصر خودمان را پیروزی درست کردیم. و قرآن این را نمی‌گوید، قرآن می‌گوید: «جنگ تا رفع فتنه»؛ باید رفع فتنه از عالم بشود. بنابراین غلط فهمی است از قرآن که کسی خیال کند که قرآن نگفته است «جنگ جنگ تا پیروزی». قرآن گفته است، بالاتر از این را گفته، اسلام هم گفته است و بالاتر از این را گفته است. و رحمت است این، نه این است که نعمتی بر مردم است، یک رحمتی است بر تمام بشر، که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقاتله کرده است، نه این که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد زحمتی برای مردم ایجاد کند؛ می‌خواهد رحمت درست کند، توسعه رحمت می‌خواهد عنایت کند. (۲۸)

۶۳/۹/۲۰

\* \* \*

### تأدیب قدرتمندان

اگر در قرآن مطالعه کنید، می‌بینید که آنقدر آیات در [مورد] جنگ هست که وادار به جنگ است؛ وادار به جنگ با کی؟ با قدرتمندها. قرآن آیات زیاد - یکی دوتا نیست - آیات زیاد دارد در [مورد] جنگ، در کیفیت جنگ؛ و جنگهایی که در صدر اسلام بوده است، بین قدرتمندها و بین پیغمبر اسلام بوده است؛ و قرآن یک کتابی است که از آن تحرک بیشتر استفاده می‌شود تا چیزهای دیگر. یک کتابی است که مردم را حرکت داده است؛ از این خمودی که دارند حرکت داده است و با همه

جنگ برای تأدیب  
قدرتمندان

۱. «قاتلوه‌م حتی لا تَکونَ فِتنَه»؛ (بقره/۱۹۳، انفال/۳۹).

طاغوتها در انداخته است قرآن. (۲۹)

۵۷/۷/۲۳

\* \* \*

از صدر اسلام تا حالا چه نفوس طیبه‌ای فدایی شدند. حضرت امیر که جنگ کرد و در صفین، هجده ماه با معاویه جنگ کرد و چه قدرها، بیشتر از ده هزار نفر کشته دادند و کشتند، خیلی بیشتر. معاویه یک مردی بود که می‌گفت که من مسلمانم و من خلیفه پیغمبر باید باشم و نماز جماعت می‌خواند و امام جمعه بود و همه این کارها را او انجام می‌داد، همه این ظواهر را انجام می‌داد؛ معاویه ظواهر را خوب حفظ می‌کرد، مثل یزید نبود که ظواهرش هم ناجور بود، ظواهر را حفظ می‌کرد و اظهار اسلام هم می‌کرد. خوب چه شد که حضرت امیر به جنگ او پا شد؟ برای اینکه یک ظالم بود که مردم را استثمار کرده بود؛ رفته بود شام را گرفته بود مقابل حکومت اسلام، و مردم را داشت به ظلم و به تعدی وادار می‌کرد؛ چپاول می‌کرد مال مردم را، بیت‌المال را. حضرت امیر تکلیف داشت به اینکه با او جنگ بکنند، چه شکست بخورد چه شکست بدهد. حضرت امیر دیگر مبالغات این را نداشت که حالا من که می‌روم، لَعَلَّ شکست بخورم. وقتی دید که می‌تواند حالا مقابل او بایستد، لشکر کشید و جنگ شد و بالاخره هم حضرت امیر - در اینجا باید گفت - شکست خورد. سیدالشهداء - سلام الله علیه - وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری، در بین مردم دارد حکومت می‌کند، تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که یک حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می‌تواند؛ با چند نفر، با چندین نفر، که در مقابل آن لشکر و بساط، هیچ نبود. لکن تکلیف اینطور می‌دانست که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا اینکه این ملت را

جنگ برای شکست

استثمار بنی‌امیه

اصلاح کند، تا اینکه این عَلم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد. خونش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد در راه، برای اسلام. مگر خون ما رنگینتر از خون سیدالشهداست؟ ما چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم یا از اینکه جان می‌دهیم؟ آنها هم در ... سلطان جائری که می‌گفت: مسلمانم، مسلمانی یزید هم مثل مسلمانی شاه بود؛ اگر بهتر نبود بدتر نبود لکن چون با ملت آنطور می‌کرد و مردی بود متعدی و ظالم، و ملت را می‌خواست زیر بار اطاعت خودش بی‌جهت ببرد، سیدالشهداء لازم می‌بیند که سلطان جائر را سراغش برود ولو اینکه جان بدهد. همین است سیره انبیا؛ همین بوده است که اگر چنانچه یک سلطانی جائر بر مردم حکومت می‌خواهد بکند بایستید در مقابلش، و به هر چه، به هر جا می‌خواهد منتهی بشود، باید برویم سراغش و نهی از منکرش و امر به معروفش کنیم و بکشیم او را پایین از این تخت باطل. پس ما مبالغاتی نداریم در اینکه کشته می‌دهیم، کشته بدهیم؛ البته باید هم بدهیم. (۳۰)

۵۷/۸/۳

\* \* \*

چقدر آیات ما راجع به جنگها و آداب جنگ و تحریک به جنگ و وادار کردن و امر کردن و الزام کردن به اینکه مسلمین باید بروند سراغ قتال و جنگ، چقدر آیات است و جنگ باکی بوده. این یک مسأله سطحی است؛ این دیگر دقت و علمیت نمی‌خواهد. جنگها بامشركين بوده. در حجاز، اولی که شروع به جنگ شد، خوب پیغمبر اکرم در مدینه بودند و عده هم کم بود و - عرض می‌کنم - تا اندازه‌ای که توانستند؛ قبلاً که در مکه بودند نقشه کشی بود، مسأله، مسأله درست کردن کار، سازنده کردن بود که افراد را بسازند. و آنجا هم مجال اینکه یک کاری انجام بدهد ندادند مشرکین. این مشرکین



ثروتمند و قدرتمند هیچ مجال ندادند که پیغمبر دعوت بکنند در مکه. چندین سال هم مثل حبس بود در آنجا بلکه همه‌اش در مکه که بود یک حبسی بود برای او... وقتی که ایشان دیگر از مکه یا مایوس شدند یادیدند مدینه برای کارشان بهتر است، با مدینه‌ایها روابط پیدا کردند و روابط زیرزمینی و سری پیدا کردند و مطلب را مهیا کردند، رفتند مدینه. مدینه رفتند و خیلی طول نکشید که جنگها شروع شد به دعوت قرآن، یعنی متن اسلام، یعنی سند اسلام. جنگها در مدینه شروع شد و چندین جنگ، زیاد جنگها بوده. این جنگها با کی بوده است؟...

ببینیم که این جنگهای متعددی که در اسلام واقع شده و زمان رسول اکرم بود - حالا بعد از زمان رسول اکرم باز حرف دیگر است - زمان خود پیغمبر اسلام بوده است که متن اسلام است، دیگر هیچ حاشیه نیست، از متن اسلام است، قرآن است و آنکه قرآن را آورده است برای مردم، آنی که اینها می‌گویند دین را قدرتمندها درست کردند که این ضعفا و فقرا را منافعشان را استثمار کنند و استعمار کنند، ببینیم که آیا این جنگها، جنگ اینطور بوده است که پیغمبر اکرم همدست شده است با قدرتمندها و حمله کرده به فقرا؟! یا با فقرا ساخته و حمله کرده به قدرتمندها؟ هرکس همان ظواهر اول تاریخ را ببیند، می‌بیند اینطوری بوده که پیغمبر یک دسته فقیر دورش جمع بوده‌اند، یک دسته بوده‌اند که هیچ جا نداشتند جز «صُفَه»؛ «اصحاب صُفَه»؛ یعنی یک جایی که - توی این حیاط یک جایی شما فرض کنید که یک جایی اسمش [را] به آن «صُفَه» می‌گفتند؛ اینها آنقدر بی‌جا بودند که اصحاب صُفَه‌ای داشتند و اصحاب پیغمبر بودند آنجا می‌خوابیدند، اینقدر بی‌چیز بودند؛ چیز نداشتند اینها، فقرا بودند؛ اینها بودند که در جنگها یک خرما را - در تاریخ است اینها - یک دانه خرما را این می‌گذاشت دهانش که یک خرده‌ای چیز پیدا کند، در می‌آورد می‌داد به آن، آن هم می‌گذاشت دهانش بعد

جنگ برای دفاع از

فقرا

درمی آورد می داد به آن؛ جنگ هم بود؛ دارایی شان این بود! آنی که اطراف پیغمبر جمع شده بودند گداها بودند. خوب، فقرا و گداها جمع شدند دور پیغمبر. همین فقرا و گداها با تعلیم قرآن در زمان خود رسول اکرم حجاز را فتح کردند! آنهایی که هیچی بودند...

تمام جنگهایی که پیغمبر کرده، با این مشرکین عرب، مشرکین طاعی بوده؛ مشرکین قدر تمند بوده؛ جنگجو بوده؛... ما باید ببینیم که آیا این قرآن که متن اسلام است و این پیغمبر که آورنده اسلام - و آن وقت اسلام بی حواشی بوده و خود اسلام بوده، متن اسلام بوده - این اسلام در آن متن اولیه ای که هیچ دیگر تصرفی از هیچ جاد در آن نبوده این آیا مردم را دعوت کرده به اینکه با اغنیا بسازید؟ اغنیا اگر از شما چیزی بردند، این قدرتها اگر آمدند و مال شما را برداشتند، شما دیگر حرف نزنید؟! شما ان شاء الله بهشت می روید، حرف نزنید! یا همین قرآن مردم را، این گداها را - عرض می کنم - فقیر این فقیرها که نه مکان داشتند و عده کثیری از آنها روی صفت مسجد، یعنی یک جای بی سقف، یک جایی، زمین بی سقف، آنجا زندگی می کردند و پهلوی هم می خوابیدند و هیچ چیز هم نداشتند که بخورند، یک چیزی به آنان می دادند یا از این طرف و آن طرف یا می رفتند پیدا می کردند می خوردند، و آن جمعیتی که یک خرما را اینطوری دور می زدند، با این جمعیت راه افتاد و حجاز را، قدرتمندها را، عقب زد. این افیون است؟! یا این محرک است؟!... این اسلام آمده است که بسازد با کسری<sup>۱</sup> و مردم را بگوید تبعیت کنید از کسری؟! این آمده است که بسازد با سلطان روم و بگوید به مردم روم - تعلیم کند - که بسازید با اینها؟! یا این آمد و دوتا امپراتوری را شکست داد و عقبشان زد برای اینکه عدل را در عالم و برای این فقرا... برای اینکه این فقرا را آنها

۱. حکومت‌های شاهنشاهی ایران را کسری می نامیدند و کسری نام کاخی است در شهر مدائن عراق و هنگام تولد حضرت محمد مصطفی (ص) سقف این کاخ ترک خورد و چند کنگره این کاخ فرو ریخت.

می خوردند، جلویشان را بگیرد؟...

می آییم سراغ آنهایی که - اسلام در زمان خودش، یعنی زمانی که متن بوده است و پیغمبر بوده و قرآن، پیغمبر بوده و قرآن - بعدش هم در زمانهای بعدی که اسلام با چیزها، جنگها، جنگهای بین همین طایفه طبقه سه بوده با امپراتوریها؛ منتها اسلام همچو قدرتی داده بود به این عده جمعیت کم، چند هزار، که رفتند امپراتوری روم را فتح کردند و امپراتوری ایران را هم فتح کردند. امپراتوری ایران که وقتی - مثلاً - [در] جنگها که وقتی تجهیز قوا می کردند، اسبهایشان چه و - عرض می کنم - زینهای اسب طلا و نمی دانم چه، بساطی اینها داشتند، همین سر و پابره‌ها را، همینهایی که پیاده می رفتند و چندتایشان یک شتر داشتند و البته یکی یک شمشیر داشتند، قدرت داشتند، شمشیر داشتند اما چند نفر با هم یک شتر داشتند و چند نفر با هم مثلاً یک اسب، ده تا اسب در یک جمعیتشان پیدا می شد، اسبی نداشتند، شتر حسابی نداشتند، اسبی نداشتند، آذوقه حسابی نداشتند اما قدرت داده بود اسلام به اینها، یعنی تحت تعلیمات متن اسلام و آن کسی که متن اسلام را پیاده کرده بود، یک همچو قدرتی به مسلمین داده بود که همین آدمهایی که دیروز چیزی نبودند و یک عده فقرايي با هم آنجا می لولیدند، امروز شمشیر راکشیدند و دو تا امپراتوری که تمام دنیا - آن وقت از اینجاها خبری نبوده، آن وقت این دو امپراتوری بوده است که یکی روم بوده و یکی ایران بوده - این دو امپراتوری را، این یک مشت عرب صُلوک و گدا که شمشیر چندتا در این - مثلاً - ده هزار، بیست هزار نفر بوده، اینها همه شمشیر نداشتند، همه زره نداشتند، همه چیز نداشتند، با همین دست خالی راه افتادند لکن قدرت روحی داشتند. (۳۱)

جنگ برای شکست  
اغنیا

جنگهای پیغمبر همه‌اش با اغنیا بود و باگردن کلفتها بود و با ثروتمندها  
بود. (۳۲)

۵۸/۲/۳۰

\* \* \*

جنگ برای ایجاد  
عدالت اجتماعی

پیغمبر اسلام مردم را بسیج کرد؟ همین سرو پا برهنه‌ها را بسیج کرد بر  
ضد مشرکین، قتال کرد و جنگها کرد تا مشرکین را دماغشان را به خاک  
مالید، و عدالت اجتماعی را ایجاد کرد... اصحاب «صَفَه» - که معروف است -  
اینها یک عده‌ای بودند که توی مسجد، از باب اینکه منزل نداشتند، توی  
مسجد می‌آمدند روی صفا، روی سکوی آنجا می‌خوابیدند. در  
جنگهایی که می‌شد، اینها نداشتند چیزی. یک خرما را - اینطور  
می‌گویند - یک خرما را این دهنش می‌گذاشت در می‌آورد می‌داد به او؛ او  
دهنش می‌گذاشت، در می‌آورد می‌داد به او! اینطور بود وضعیتشان. اینها را  
پیغمبر بسیج کرد بر ضد این سرمایه‌دارها، بر ضد این قدرتمندها، بر ضد  
این مشرکین که مردم را غارت می‌کردند. (۳۳)

۵۸/۴/۵

\* \* \*

درست وقتی تاریخ انبیا را ملاحظه کنید، عکس این است. یعنی طاغوتها  
به مردم غلبه کرده بودند و خداوند در هر عصری یک نفر را از همین قشر  
پایین، و از همین چوپانها، از همین طبقه مستضعف، برانگیخت و این  
طبقه مستضعف را بیدار کرد و بر ضد طاغوتها قیام کرد، و فرعون را غرق  
کرد و از بین برد.

و اما اسلام که تاریخش نزدیک به ماست - آنها یک قدر دورند - تاریخ  
اسلام نزدیک به ماست. زندگی پیغمبر اکرم معلوم است برای همه که چه

## جنگ با اشراف قدرتمند

جور بوده است معارضه‌های او و جنگهای او، معلوم است با کی جنگ کرده. پیغمبر اکرم در مکه مکرمه از همین طبقه مردم البته از اشراف [بود] به آن معنا که «سادات» آن وقت بودند؛ نه اشراف به آن معنا که سرمایه‌دار بودند؛ به آن معنا که سادات بودند، از آنها بود، لکن فقیر بود. از طبقه فقرا بودند اینها. تا آخر هم با همین فقر زندگی کردند و مع ذلک این کارها را انجام دادند. از همین طبقه در مکه پیدا شد، و اشراف مکه و سرمایه‌دارها و قافله‌دارها و اینها با او مخالفت کردند، به اندازه‌ای که نمی‌توانست دیگر آفتابی بشود، توی غار رفت، تقریباً در غار محبوس بود آنجا تقریباً تا کارهای تبلیغات زیرزمینی را اینجا کرد؛ یک عده‌ای را با خودش همراه کرد و بعد دید اینجا زورش به اینها نمی‌رسد، با مردم مدینه بست و بند کرد، و تشریف بردند مدینه. در مدینه هم که رفتند، وارد نشدند به یک طایفه چیزدار، به همین فقرا؛ به همین مردم ضعیف. مسجد پیغمبر اکرم هم مثل این مسجدهای شما نبوده است. مسجد اعظم<sup>۱</sup>، یک جای کوچکی، یک سقفی با این لیفهای خرما یک چیزی درست کرده بودند. یک دیوار این قدری هم برای اینکه مثلاً حیوانات وارد نشوند، با یک چیزی یا گلی از همین‌ها درست کرده بودند. اما سر نوشت اسلام را یک همچو مسجدی درست می‌کردند، مسجد بود، همچو نبود که قبه و بارگاه باشد بعد میان تهی! از آن تشریفات خالی بود، لکن از همان جا روم و ایران را شکست دادند، هر چه هم بخواهند اینها گریه کنند.

پیغمبر اکرم از همین طبقه پایین [بود] به طوری که وقتی هم مدینه تشریف بردند، باز اصحابی ایشان داشتند که خانه نداشتند، هیچ خانه نداشتند و در مسجد می‌خوابیدند. یک صَفّه‌ای بود که «اصحاب صَفّه» می‌گفتند، عده‌ای آنجا پهلوی هم همان جا می‌خوابیدند؛ زندگیشان

۱. اشاره به مسجد اعظم قم در جوار حرم حضرت معصومه که توسط مرحوم آیت‌الله بروجردی ساخته شد.

همان بود، زندگی نداشتند. وقتی هم می‌خواستند جنگ بروند، هر چند نفرشان یک شتر، هر چند نفرشان یک شمشیر، این جور بود وضعشان، هیچ خبری نبود در کار، از این طبقه بودند، مقابل کی؟ جنگهای پیغمبر با کی بوده؟ آیا پیغمبر آمده این طبقه مستضعف را خواب کند که آنها بمانندش؟! یا آمد و این طبقه ضعیف را، این مستضعفین را برانگیخت؟ جنگهای پیغمبر همه‌اش با همین اشراف بود و با همین باغدارها و با همین سرمایه‌دارها و با همینها، و بعد هم با سلاطین و باکسان دیگر. (۳۴)

۵۸/۶/۱۲

\* \* \*

## جنگهای باطل

### قدرت طلبی و حب نفس

اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی، هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند. اگر اولیا و انبیا را، شما فرض کنید که الان بیایند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع ندارند. برای اینکه نزاع مال خودخواهی است. از نقطه نفس انسان پیدا می‌شود که آنها نفس را کشته‌اند. جهاد کرده‌اند و همه خدا را می‌خواهند. کسی که خدا را می‌خواهد نزاع ندارد. همه نزاعها برای این است که این برای خودش یک چیزی می‌خواهد، آن هم برای خودش یک چیزی می‌خواهد. این دو خودها تراحم می‌کنند. این قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد، آن هم قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد. تراحم می‌کنند. جنگ درمی‌آید. اگر مردم تربیت بشوند به تربیت انبیا که همه کتب آسمانی برای این تربیت آمده است، همه این نزاعها از بین می‌رود. همه این گرفتاریهایی که برای بشر است از بین

خودخواهی، منشأ

نزاعها

می‌رود. (۳۵)

۵۸/۱۰/۲

\* \* \*

در دنیا هم همه فسادها و همه جنگهایی که در عالم تحقق پیدا می‌کند به دست ابرقدرتها، همه جنگهای شیطانی و طاغوتی است. در جنگها هم جنگ طاغوتی هست و جنگ توحیدی. جنگهایی که پیغمبرها می‌کردند، اولیا می‌کردند، مؤمنین می‌کردند برای این بود که اشخاص سرکش را از آن سرکشیها برگردانند و تأدیب کنند. این جنگ، جنگ الهی است و آن جنگهایی که برای احراز مقام است، برای به دست آوردن قدرت است، برای تحمیل بر جامعه‌هاست، برای جنایتکاری این ابرقدرتهاست یا هر قدرتی، این جنگها جنگهای ابلیسی است و جنگهای طاغوت است. (۳۶)

ابرقدرتها، منشأ  
جنگها

۵۹/۶/۹

\* \* \*

اساس این گرفتاریهایی که بشر به آن مبتلاست، از زمان آدم صلی‌الله‌تعالی‌علیه‌السلام تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلاست و اساس تمام فسادها و جنگها و ظلمها و تعدیها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است که شعبه‌هایی از این حب نفس و مظاهری که دارد که اگر ملاحظه بفرمایید، این مظاهری که پایه‌اش حب نفس است، بشر را به تباهی کشیده و می‌کشد و انبیا هم برای اصلاح این امر آمده‌اند و مع‌الأسف، آنطوری که آنها می‌خواستند، موفق نشده‌اند و گمان ندارم که هیچ‌کس موفق بشود. یک شعبه از این و یک مظهری از این حب نفس، حب ریاست است؛ حب جاه است؛ حب غلبه است. از اول عالم تا حالا، از

حب نفس، منشأ  
همه گرفتاریها

این قدرتهای جابر هر چه به مردم رسیده است، از این حب اشتها، ریاست، حب قدرت و از اینها بوده است که اساسش همان حب نفس است. الآن هم که ما در یک وضعی باقی هستیم در دنیا که همه می دانید دنیا الآن چه خبر است و بر بلاد مسلمانها چه می گذرد و بر کشورهای مظلوم چه ظلمها واقع می شود، اساس همه اینها همان حب مسند و ریاست است. حب قدرت است که امریکا را وادار می کند که این جنایتهایی که در طول تاریخ بی سابقه است، انجام بدهد. و حب سلطه و ریاست است که شوروی را برمی انگیزد که اینطور با مردم دنیا و مظلومین دنیا رفتار کند. و حب نفس است که کشورهای اسلامی، سران کشورهای اسلامی در مقابل جنایاتی که از این قدرتها واقع می شود و از وابستگان آنها واقع می شود، بی تفاوتند. اگر این حب نفس در این سران کشورهای اسلامی نبود و این حب جاه و قدرت نبود، با این فجایع که واقع شده است، با این ظلمهایی که واقع شده است بر ایران و بدتر از او بر لبنان، نمی نشستند و تماشا کنند... اگر این حب جاه نبود، که ارث شیطان است واز اول شیطان برای همین خصیصه ای که داشت مطرود شد، و چون خودش را از آدم بالاتر می دانست و خودش را «نار» می دانست و آدم را «طین» و آن نورانیت آدم را ادراک نکرده بود، موجب این شد که مطرود شد و قسم خورد که همه را مطرود کند، یعنی همه بشر را، و الآن دارد او موفق می شود در مقابل همه انبیا.

این حمله ای که صدام به ایران کرد، خوب، همه می دانید که برای این بود که سردار قادسیه بشود! و آن مسائل و این حمله ای که اسرائیل بر لبنان در مقابل چشم همه مسلمانان منطقه و دولتهای منطقه کرد، همه می دانید که برای قدرت طلبی و جاه طلبی [بود]. و امریکا هم همین و همه قدرتها هم همین. (۳۷)



### جنگهای حق و باطل / ۳۳

اگر تقوا در کار بود و اگر چنانچه هر کسی روی مرز خودش عمل می‌کرد، اینهمه جنگ و جدال پیش نمی‌آمد. (۳۸)

۶۱/۹/۱۱

بی‌تقوایی،  
عامل جنگ

\* \* \*

ما می‌دانیم که اگر با دقت ریشه‌یابی کنیم، آنچه بر ملت ما گذشته و اکنون می‌گذرد حتی جنگ تحمیلی، سرچشمه از دانشگاه غربزده و متخصصان غیر متعهد و وابسته گرفته است. (۳۹)

۶۳/۹/۱۹

تخصص بی‌تعهد،  
علت جنگ

\* \* \*

آمال نفسانی که پایینتر از آمال عقلانی است، عالم را به آتش کشیده. تمام این جنگها و تمام این نزاعهایی که در این عالم واقع می‌شود، چه در یک عایله واقع بشود یا در همهٔ عالم، که آن هم یک عایله است، تمام اینها از همین سرکشی نفس است. (۴۰)

۶۶/۳/۸

سرکشی نفس،  
منشأ جنگها

\* \* \*

### جنگهای جهانی اول و دوم

شاید بسیاری، بعضی از شما یادشان بیاید جنگ بین‌المللی را، جنگ اول<sup>۱</sup> بین‌المللی را، که با مسلمین و با دولت بزرگ عثمانی چه کردند.

---

۱. جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م.) بین متفقین (امپراتوری بریتانیا، فرانسه، روسیه، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، بلژیک، صربستان، مونته‌نگرو، یونان، پرتغال، رومانی) و دولت مرکزی (آلمان، اتریش - مجارستان، عثمانی، بلغارستان). تعداد تلفات ۱۰ میلیون نفر کشته و ۲۰ میلیون نفر مجروح تخمین شده است. با قتل ولیعهد اتریش در سارایوو مرکز بوسنی به دست یکی از اهالی صربستان، اتریش به صربستان

تجزیه دولت  
عثمانی در جنگ  
جهانی اول

دولت عثمانی یکی از دولی بود که اگر با شوروی طرف می‌شد، گاهی او را زمین می‌زد؛ سایر دول حریف میدان او نبودند. دولت عثمانی یک دولت اسلامی بود که سیطره‌اش گرفته بود تقریباً از شرق تا غرب را. آنها دیدند که با این دولت اسلامی به این قوی‌ای نمی‌شود چاره‌ای کرد؛ نمی‌شود ذخایر را برد. بعد از اینکه در آن جنگ - با آن بساط - غلبه پیدا کردند، تجزیه کردند دولت عثمانی را به دول بسیار کوچک کوچک. برای هر یک از آنها هم یا امیری قرار دادند یا سلطانی قرار دادند یا رئیس جمهوری قرار دادند؛ آنها در قبضه مستعمره‌چیها و ملت بیچاره در قبضه آنها. با این وضع یک دولت عثمانی با آن مجد را زمین زدند و دولت، دولتهای اسلامی از خواب بیدار نشدند، یا خودشان را به خواب زدند. این دولت عثمانی در تحت ظل خلافت اسلامی، در تحت ظل اتکای به قرآن مجید، آن مجد را داشت. بعد از آنکه تجزیه شد، در زمان ما، در زمان آتاتورک<sup>۱</sup> خبیث، اسلام را در آنجا الغا کردند؛ و الآن دولت ترکیه دولت

→ اعلان جنگ داد. دولت عثمانی در نوامبر ۱۹۱۴ به کمک آلمان و اتریش وارد جنگ شد. سپاهیان عثمانی از راه فلسطین به کانال سوئز حمله کردند ولی توفیقی نیافتند. اعراب حجاز در ۱۹۱۶ بر علیه حکومت عثمانی شوریدند و این شورش تا دمشق گسترش یافت.

متفقین در فوریه ۱۹۱۷ کوت العماره، و در ماه مارس، بغداد و در سپتامبر، اورشلیم را تصرف کردند. در سپتامبر ۱۹۱۸ در فلسطین تقریباً همه ارتش عثمانی اسیر شد و سوریه به اشغال درآمد.

دمشق، حلب و ارتش عثمانی در دجله تسلیم شدند و قسطنطنیه (استانبول) به خطر افتاد و ۳۰ اکتبر دولت عثمانی قرارداد متارکه جنگ را امضا کرد. (دائرةالمعارف فارسی؛ به سرپرستی غلامحسین مصاحب؛ ج ۱، ص ۷۵۵-۷۷۷) جنگ جهانی اول به حیات امپراتوری عثمانی خاتمه داد. حجاز و نجد، متحد شده و عربستان سعودی را تشکیل دادند. یمن و مصر از سلطه امپراتوری عثمانی درآمد و در فلسطین صهیونیستها فرصت یافتند تا دست به ایجاد «کانون ملی یهودیان» بزنند. (فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه؛ غلامرضا علی بابایی، رسا، ص ۲۱۰).

۱. مصطفی کمال پاشا (۱۲۹۹-۱۳۵۷ ه. ق.) ملقب به آتاتورک (پدر ترک)، وی امپراتوری عثمانی را پس از آنکه توسط استعمارگران از هم پاشیده شده بود به جمهوری تبدیل کرد و کشور عثمانی را ترکیه نامید و از سال ۱۳۴۲ ه. ق. تا پایان عمر در مقام ریاست جمهوری باقی ماند. وی ضمن ترویج تمدن غرب به مخالفت با اسلام پرداخت، جدایی دین از سیاست، کشف حجاب، خلع لباس روحانیت، تبدیل خط ملی به لاتین و بستن مدارس و مساجد از جمله اقدامات ضد اسلامی آتاتورک به شمار می‌آید.

مسلم نیست؛ دولت حسابش از اسلام جداست؛ مراسم دینی ندارد دولت؛ احکام دینی دولت ندارد. لکن ملت شریف ترکیه مسلم هستند؛ و اینها هستند که در سالهایی که به مکه می‌روند طایفه اینها به نسبت بیشتر از دیگران است؛ دولت یک همچو دولتی است. آن مجد را به اتکای به اسلام به دست آورد؛ و آنها دیدند که اتکای به اسلام نقطه بسیار بزرگی است که با این اتکا نمی‌شود دولتهای اسلامی را از بین برد؛ در ترکیه اسلام را از حساب دولت جدا کردند، و حالا می‌بینید که در قبرس، که از ترکها کشته می‌شود، یک مسلم نیست که متأسف باشد. این تأسف دارد که یک دولتی جوری بکند، طوری رفتار بکند، بعد از آنکه در مقابله نصارا زمین بخورد یا از آن کشته داده بشود، دول اسلامی دیگری تفاوت باشند نسبت به او. اگر یک نفر هم اظهار تأسف بکند یک آخوند پوسیده‌ای مثل من. دول اسلامی که اظهار تأسف نمی‌کنند، برای اینکه مجد اسلامی را از دست داده [اند]. (۴۱)

۴۳/۶/۱۸

\* \* \*

این جنگهایی که اخیراً - یعنی در این صد سال - در دنیا اتفاق افتاده است، جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی، این جنگهایی که در ویتنام در این آخر اتفاق افتاد، این کشتارهایی که از مردم شد، برای این بود که اسلحه‌ها در دست غیر صالحها بود؛ ناشایسته‌ها اسلحه‌ها را به دست داشتند. (۴۲)  
دی ۱۳۵۶

\* \* \*

جنگ عمومی مساوق<sup>۱</sup> است با قطع نسل بشر. اینطور نیست که جنگ

تجهیزات مفسدین،  
علت جنگها

---

۱. مساوی.

عمومی بکند، آن یکی غلبه کند بر او، او را از بین ببرد خودش زندگی کند؛ برای اینکه قضیه جنگهای ذره‌ای است، اتمی است و تمام بشر از بین می‌رود، و هیچ عقلی اقتضای این را هم نمی‌کند که یک جنگ عمومی را؛ این جنگ عمومی غیر از آن جنگ عمومیهای اول و دوم [است]. جنگ عمومی اول و دوم جنگ عمومی بود که این ابزاری را که الآن پیدا شده نبود این ابزار. جنگ اول که خیلی کم بود؛ جنگ دوم هم بود اما اینطور نبود. الآن وضع جور شده است که اگر یک جنگ عمومی بخواهد در دنیا پیدا بشود، عقلای دنیا می‌دانند، همین ابرقدرتها می‌دانند اینکه این جنگ مثل آن جنگها نیست. این جنگ بشر را به نابودی کشیدن است؛ یعنی هم شوروی نابود خواهد شد، هم امریکانابود خواهد شد، هم سایر ممالک نابود خواهد شد. یک همچو جنگ عمومی نخواهد پیدا شد. (۴۳)

جنگ عمومی  
جهانی، عامل  
نابودی بشریت

۵۷/۹/۵

\* \* \*

اگر می‌گویند که شوروی مثلاً مستقیماً دخالت می‌کند در ایران و لشکر سرخ می‌ریزد ایران را می‌گیرد، این دروغ است. برای اینکه همچو کاری نمی‌تواند بکند از باب اینکه آن طرفش هم یک قلدری مثل خودش ایستاده است؛ اگر او این کار را بخواهد بکند جنگ می‌شود.

و الآن همه ابرقدرتها می‌دانند که اگر یک جنگ عمومی بشود، تمام بشر از بین می‌رود برای اینکه با این اسلحه‌هایی که الآن هست دیگر اینطور نیست که جنگ جنگ منطقه‌ای باشد، در یک قطری جنگ بکنند در یک قطر دیگری نباشد؛ همه منطقه‌های دنیا، همه بلاد دنیا از بین خواهد رفت. و هیچ عاقلی اقدام به همچو جنگی نخواهد کرد. ما اگر فرض هم بکنیم که یک لشکر اجنبی وارد بشود به مملکتمان، این هم باز

وحشت از جنگ  
عمومی جهانی

همه تجربه کردند در تاریخ که اجنبی اگر بیاید ممکن است وارد بشود و زورش غلبه کند بر یک ملتی لکن نمی تواند بماند در آنجا. وقتی که آمد و وارد شد، هر فردی از آن را این ملت از بین می برد، تمامش می کند. (۴۴)  
۵۷/۱۰/۱۷

\* \* \*

این تبلیغات باعث شد که برادران را از هم جدا کردند، و ملتهای مختلف ساختند، و چیزهایی که در صدر اسلام مطرح نبود، مطرح می کنند تا جدا شوند و ضعیف شوند. بدتر از این، مشکل حکومتهاست. در زمان عثمانی، که مسلمین حکومت نسبتاً قوی داشتند، و قدرتی بود که گاهی با ژاپن و با شوروی مبارزه می کرد و غلبه می کرد، مع الأسف به واسطه همین که اجانب از این وحدت می ترسیدند، وقتی در جنگ اول جهانی غلبه کردند، حکومت عثمانی را تکه تکه کردند و هرکس را بر جایی گماردند، و کوشیدند این حکومتها با هم دشمن شوند؛ زیرا می دانستند که مسلمین با این خزائن و این جمعیت اگر متحد شوند، برای امریکا و برای غرب حطی نیست؛ و شاید مسلمین آنها را تهدید می کردند، از این جهت حکومتها را با هم بد کردند؛ و اینها مأمورین آنها بودند. (۴۵)  
۵۸/۲/۱۶

\* \* \*

در این جنگ عمومی که غلبه پیدا کردند آنها علیه عثمانی که یک دولت بسیار بزرگی بود و از مصر تا حجاز تا خیلی جاهای دیگر بود، این را تکه تکه کردند، و هر جایش را به یک کسی دادند؛ به یکی از نوکرهای خودشان یعنی خارجیها اداره شان بکنند. این حکومتها را مقابل هم قرار دادند: سلطان کذا و سلطان کذا. رئیس جمهور کذا و رئیس جمهور کذا.

تجزیه  
کشورهای اسلامی،  
توطئه دشمنان

تجزیه مسلمین،  
ثمره جنگ جهانی  
اول

همه را مقابل هم قرار دادند. همه را دشمن هم کردند. این دشمن آن و آن دشمن این. حالا کنار نشستند و بردند همه چیز ما را. اینها با هم دشمنی کردند، خودشان با هم دشمنی کردند! در هر مملکتی هم «احزاب» درست کردند - حزبهای مختلف. حزبهایی که همه مخالف هم هستند. این آن را بگوید و آن این را بگوید. جبهه‌های مختلف؛ حزبهای مختلف «من حیث لایشعر» و مسلمین مع‌الأسف به واسطه عدم توجه به عمق مسائل تحت تأثیر واقع شده، و می‌شوند. دولت عراق علی‌حده و دولت ایران علی‌حده؛ هر دو مسلم، اما با هم دعوا و جنگ دارند. دولت پاکستان علی‌حده، دولت کذا علی‌حده، و همه‌شان مسلم، اما با هم جنگ دارند؛ دعوا دارند. (۴۶)

۵۸/۲/۳۰

\* \* \*

چه بسا یک لشکری، یک جمعیتی، پیروز بشوند به یک جمعیت یا ملت دیگر، و خوب هم از عهده برآیند لکن نتوانند حفظ کنند پیروزی خودشان را. بسیاری از این کشورگشاها بوده‌اند که زده‌اند و جلورفته‌اند و فتح کرده‌اند؛ لکن نتوانستند حفظ کنند. وقتی که به یک حدی رسیدند، یک جهاتی پیش آمد که نتوانستند حفظ کنند، شکست خوردند. این باید عبرت بشود برای کسانی که در یک میدان پیروز شدند و باز تتمه دارند؛ نرسیده‌اند به مقصد. در همین جنگهای عمومی که شده است، یک وقت یک سرداری با فشار و زور و با لشکر خیلی جزار جاهایی را گرفت و پیش رفت، مثل هیتلر<sup>۱</sup> پیش رفت، فرانسه را گرفت و حمله کرد به شوروی و یک مقداری هم از شوروی گرفت؛ لکن جهاتی پیش آمد که

تجربه شکست  
متجاوزین در جنگ  
جهانی دوم

۱. آدلف هیتلر (۱۸۸۹ - ۱۹۴۵ م.) در سال ۱۹۲۱ به رهبری حزب کارگران ناسیونال سوسیالیست آلمان که بعداً به حزب نازی معروف شد، رسید و در سال ۱۹۳۳ صدر اعظم آلمان شد؛ و عامل بزرگترین و خونین‌ترین جنگ در جهان شد.

## جنگهای حق و باطل / ۳۹

در همان جا شکست خورد و شکستش تا آخر هم تا ملزم شد - به طوری که گفته‌اند - خودش را بکشد. (۴۷)

۵۸/۴/۱۶

\* \* \*

در این جنگ عمومی دوم، که هیتلر پیش برد و فرانسه را گرفت و خیلی جاها را، حمله به شوروی و اینها، چرچیل<sup>۱</sup> آن سیاستمدار انگلیسی، آمد در مجلس انگلستان و شروع کرد راجع به ضعف خودشان و راجع به گرفتاریها و راجع به شکست خوردنها که ماکجا را از دست دادیم، کجا را از دست دادیم، کار ما چه طور است، مملکت ما چه خواهد شد، زندگی ما چه خواهد شد، خیلی طولانی شکایت کرد، و اینکه ما از بین رفتیم، آخرش یک کلمه گفت که: لکن پیروزی مال کسی است که روی موجهای نفت سوار است. و حدسش هم درست بود، و پیروزی هم مال اینها شد که نفتهای ما را بردند. (۴۸)

۵۸/۴/۲۱

\* \* \*

جنگ جهانی، جنگ بود بین دو تا قدرت بزرگ. یک قدرت این طرف بود، یک عده‌ای از دولتها این طرف بودند. یک قدرت آنطور آن طرف بود و یک عده‌ای از قدرتمندها آنجا با توپ و تفنگ و چیزهایی که آن وقت بود به جان هم ریختند. هم در جنگ اول، من هر دویش را یادم است، و شماها نبودید. آن وقتها هم در جنگ اینطور بود که دو تا قدرت بودند که مقابل هم ایستاده بودند، و زدند تو سر هم تا یکی غلبه کرد. هم در جنگ

نفت،  
عامل تعیین کننده  
در جنگ جهانی  
دوم

جنگ قدرتها برای  
غلبه بر دیگری

۱. وینستون چرچیل (۱۸۷۴ - ۱۹۶۵ م.) در دو دوره ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ و ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ نخست وزیر بریتانیا بود و در ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۵ درگذشت.

دوم که باز دو تا قدرت با هم، یعنی دو گروه از قدرت با هم اختلاف کردند و زدند هم را و از بین بردند. (۴۹)

۵۸/۱۰/۲۰

\* \* \*

مع الأسف ملت‌های ضعیف، کشورهای ضعیف در حال جنگ و در حال صلح، اینها پایمال می‌شوند. گفته می‌شود که خروس، هم در عزا و هم در عروسی ذبح می‌شود، ملت‌های ضعیف هم اینطورند. من هر دو جنگ بین‌المللی را یادم هست، و گمان ندارم هیچ کدام از شما جنگ بین‌المللی اول را یادش باشد. ما در جنگ بین‌المللی هم مشاهده می‌کردیم، من کوچک بودم لکن مدرسه می‌رفتم، و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم؛ در خمین، من آنجا آنها را می‌دیدم، و مورد تاخت‌وتاز ما واقع شدیم در جنگ بین‌المللی اول. جنگ بین‌المللی دوم را بسیاری از شما یادتان است که ما مورد تاخت‌وتاز این سه قوه واقع شدیم؛ امریکا، انگلستان، شوروی. سربازهای آنها در همه کشور ما تقریباً پخش بودند. شوروی تقریباً از بیرون تهران تا خراسان، انگلستان در قم و آنجاها، و کسان دیگر هم جاهای دیگر. ما مورد تاخت‌وتاز بودیم به عنوان پل پیروزی. ما باید مورد تاخت‌وتاز بشویم تا آقایان پیروز بشوند. بعد هم که پیروز شدند و حال صلح پیش آمد باز ما ذبح شدیم. کشورهای ضعیف اینطورند؛ در حال صلح مورد تاخت‌وتازند و ذبح، و در حال جنگ هم همین طور. ما حال صلحمان بدتر از حال جنگمان بود، در حالی که دنیا در صلح به خیال خودشان آرامش و صلح بود. این قوای بزرگ جنگ نداشتند، فرصت داشتند که همه چیز ما را از دست بدهند، بگیرند از ما. ما در طول مدتی که انگلستان و امریکا در اینجا دخالت مستقیم داشتند، هیچ چیز خودمان

خسارات ایران در  
جنگ‌های جهانی



\* \* \*

بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند. و این تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهور، برای دولتها و برای سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیداکنند، یک طغیان بسیار محدود است. یک نفر در بازار یا یک نفر در روستا اگر طغیان بکند، یک نقطه محدودی را به فساد ممکن است بکشد، لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته‌اند، در عالمی شد که مردم آن عالم را پذیرفته‌اند، در سلطانی شد که مردم آن سلطان را پذیرفته‌اند، در رؤسایی شد که مردم آنها را پذیرفته‌اند، این گاهی یک کشور را به فساد می‌کشد و گاهی کشورها را به فساد می‌کشد. این طغیانها که موجب این است که کشورهایی به تباهی کشیده بشود برای این است که تزکیه نشده است کسی که زمام امور به دستش است. شما مقایسه کنید صدام را با یک نفر آدم عادی؛ یک نفر آدم عادی هرچه طغیان بکند و هر چه فرعونیت داشته باشد جز اینکه یک افراد معدودی را به تباهی بکشد یا خانواده خودش را به تباهی بکشد کار دیگری از او نمی‌آید، اما صدام را ببینید که طغیان کرده است و طاغی است و این طغیان موجب به فساد کشیدن یک مملکت، دو مملکت، بلکه منطقه ممکن است بشود و اگر این طغیان در رئیسهای جمهور بزرگ دنیا باشد، اگر رئیس جمهور امریکا طغیان بکند طغیان او یک کشورهای بسیار را به فساد می‌کشد. جنگهای بزرگی که در دنیا واقع شد، مثل جنگ اول و جنگ دوم، برای همین بود که طغیان در آن طبقه بالا بود. آن طبقه بالا که مهذب نبودند طغیان کردند

طغیان طبقات بالا،  
سبب بروز جنگ

و کشورهای بزرگ را به فساد کشاندند. (۵۱)

۶۰/۳/۱۱

\* \* \*

در جنگ عمومی دوم، بعد از آنکه یک دسته بر دسته دیگر با هم چیره شدند و شوروی و انگلستان هم با هم بودند در آن وقت، چرچیل اعتقادش این بود که حالایی که ما طرف را شکست دادیم، حمله کنیم به اینهایی که همراه ما بودند، به شوروی حمله کنیم. مجلس جلویش را گرفت؛ برای اینکه آنها هم نه اینکه نمی خواستند، آنها می دیدند که ممکن است شکست توی آن باشد. اینها وضع صلحشان اینطوری است. صلح صدامی این سنخ صلح است، نه صلح شماسست که اسلامی است و واقعاً صلح را می خواهید. (۵۲)

صلح اسلامی و  
صلح انگلیسی

۶۱/۷/۱۱

\* \* \*

## تفاوت جنگها

در جنگ صفین وقتی که عمار یاسر برای خاطر جنگ با معاویه در رکاب امیرالمؤمنین کشته شد، بین لشکر معاویه حرف واقع شد که پیغمبر به عمار فرمودند که تو رافرقه یاغی و باغی شهید می کنی و حال لشکر معاویه شهید کرده است عمار یاسر را، پس باید رافرقه یاغی و طاغی همین معاویه و لشکر او باشند. معاویه گفت که نه، این را امیرالمؤمنین کشته برای اینکه او فرستاده او را به جنگ، و وقتی که او فرستاده جنگ پس امیرالمؤمنین او را کشته است؛ پس رافرقه باغی عبارت از آن دسته هستند! منطق کار تر همین منطق معاویه است که گفته است به اینکه اینها مردم را به کشتن می دهند -

تشابه منطق کارتر و  
معاویه

### جنگهای حق و باطل / ۴۳

یعنی علمای اسلام مردم را به کشتن می دهند. حالا باید ما حساب این را با ایشان بکنیم ببینیم که آیا این منطق ایشان همان منطق معاویه است یا یک قدری هم بدتر، یا یک منطق صحیحی است. (۵۳)

۵۷/۹/۲۵

\* \* \*

دشمنهای ما می خواهند برای دنیا بزنند. شما برای خدا می خواهید جنگ بکنید، نهضتتان برای خدا بوده است. آنها برای دنیا بوده. این دو تا فرق، فرق بین این دو تا خیلی زیاد است که یک دسته‌ای برای خدا قیام کنند، یک دسته‌ای برای دنیا. آن که برای دنیا است تا ببیند که شاید دنیایش متزلزل بشود فرار می کند. آن که برای خداست تا آخر هم فرار نمی کند. (۵۴)

۵۸/۹/۲۹

\* \* \*

جنگ علی بن ابیطالب با جنگ معاویه ماهیتاً فرق دارد، ذاتاً فرق دارد؛ یکی شمشیر می کشد و ظل الله است؛ ظل خداست. یکی شمشیر می کشد و ظل شیطان است، ماهیتاً این دو تا با هم فرق دارند. (۵۵)

۵۹/۳/۲۱

\* \* \*

عمده حرف این است که فرق است مابین قوای مسلح ایران با قوای مسلح عراق، فرق است ما بین فرماندهان قوای مسلح ایران با فرماندهان قوای مسلح عراق و آن این است که اینها به اسلام فکر می کنند و روی قواعد اسلام می خواهند عمل بکنند، و لهذا، به شهرهایی که دفاع ندارند، به

فرق بین قیام دنیایی  
و الهی

تفاوت ماهیت  
جنگها

مردم بازار و به مردم و فقرای جاهای دیگر کاری ندارند و فقط اگر الزام پیدا کردند که یک مثلاً، توپی بیندازند، یک بمبی بیندازند، به همان مراکزی که مراکز قدرت شیطانی است، اینها هجوم می‌کنند. لکن فرماندهان عراق از خدا بی‌خبرند، اعتقادی به این مسائل ندارند. لهدا، توی شهرها می‌اندازند بمبهایشان را، در خرمشهر، در اهواز، در این جاها، شهرها را هدف قرار می‌دهند و مادستمان بسته است از این جهت که نمی‌خواهیم مردم عادی و مردم بی‌گناه تلف بشوند و آنها دستشان باز است از باب اینکه اعتقاد به آن چیزهایی که در اسلام مطرح است، آن چیزهایی که «انسان بما آتّه انسان» می‌فهمد، آن چیزهایی که شرف انسان اقتضا می‌کند، آنها این مسائل پیششان مطرح نیست. آنها همان پیش بردن و رفتن و زدن و اینطور چیزها، لکن اینطور نیست که مملکت ایران نتواند اینها را از بین ببرد، لکن می‌خواهد قدم به قدم پیش برود که مبدا بی‌گناهیها - خدای ناخواسته - زیر پا بروند. ما باید روی قواعد اسلامی عمل بکنیم. قدم قدم پیش رفتیم، تکه تکه جلو رفتیم و آنها خیال کردند قدرتی در کار نیست. حالا فهمیدند آنها که نه، قدرت هست، لکن قدرتمندان اینجا روی یک قواعد عمل می‌کنند و قدرتمندان اشرار روی یک قواعد دیگر عمل می‌کنند. لهدا، آنها مراکز جمعیت را هر جا پر جمعیت است آنها به توپ می‌بندند یا نارنجک می‌اندازند. اینها می‌خواهند همان هدفهایی که مربوط به قوای مسلحة آنهاست [سقوط] بکنند. (۵۶)

تمایز قوای مسلح  
ایران با قوای مسلح  
عراق

۵۹/۷/۸

\* \* \*

فرق ارتش ما و ارتش آنها این است که ارتش ما دستش بسته است. ارتش ما اسلام برایش تکلیف معین کرده. ارتش آنها دستشان باز است. توپ،

موشک زمین به زمین به اصطلاح خودشان می‌اندازند، نه متری، ده متری، یک شهر هم همه‌اش را خراب کنند، آن وقت تبریک می‌شنوند. ارتش ما نمی‌کند این کار را، نمی‌تواند این کار را بکند و نخواهد کرد. ارتش ما فقط موارد جنگی آنها و اشخاصی که مخالف اسلام و قیام بر ضد اسلام کردند، می‌کوبد و خواهد کوبید. (۵۷)

۵۹/۸/۶

\* \* \*

صدام گفته است که چنانچه به مقاصد من عمل نکنید، من بیشتر از این، کشور شما را خراب می‌کنم. تو هر چه توانستی کرده‌ای و هر چه بتوانی می‌کنی و بیشتر از آن هم نتوانستی که بکنی، نه اینکه نخواستی بکنی. تو اگر بتوانی تمام مسلمین ایران را خواهی کشت، لکن این خیال باطلی بود که کردی و گمان کردی که ملت ایران بی‌تفاوت است، اگر تو هجوم بیاوری به کشورش و ارتش ایران ضعیف و ناتوان است. ملت و ارتش به تو فهماند که مسأله آنطور که تو حساب کرده بودی و آنطور که قدرتهای بزرگ حساب کرده بودند، نبود و همان وقت که تو هجوم کردی و ناگهان هجوم کردی، جلوی تو را گرفتند و پس از آن یک قدم هم پیش نیامدی و حالا هم هر روز عقبتر خواهی رفت. و اگر نبود خوف اینکه ملت شریف عراق صدمه ببیند، اگر ما هم و ارتش ما هم و ملت ما هم مثل صدام فکر می‌کرد که باید پیش‌برد ولو به کشتن ملتها، ولو به کشتن بچه‌ها و زنها و پیرمردها، اگر یک همچو برنامه‌ای بود، امروز می‌دیدیم که عراق دیگر کسانی را که بتوانند کاری انجام بدهند، ندارد. لکن کشور ما متعهد به اسلام است و ارتش ما متعهد به اسلام است؛ ارتشی است که از بالای شهرهای بزرگ عراق می‌گذرد و در آخرین نقطه عراق، در مرز اردن، می‌کوبد مراکز نظامی عراق را و یک بمب در شهرهای عراق نمی‌اندازد.

تفاوت ارتش ما با

ارتش دشمن

دشمن به دنبال

ویرانی است

این کشور اسلامی است و این لشکر، اسلامی و این قوای مسلحه، اسلامی است و آن کسی که می‌کوبد مسلمین را و آواره می‌کند مسلمین عرب را و به تباهی می‌کشد کشور اسلامی را، به جرم اسلامیت، آن کس در سلک مسلمین نیست؛ هر چه هم فریاد بزند که من مسلمم، فریاد بزند که من شهادت می‌دهم، لکن این اسلام نفاق است که بسیاری از شهادت‌ها را می‌دهند و در صدر اسلام هم می‌دادند، لکن منافقینی بودند که بالاتر از سایر کفار بودند. (۵۸)

۶۰/۱/۲۰

\* \* \*

فرق است ما بین ایده شماها و دشمنهای شما؛ آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان، با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای خدا و برای رضای او و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید. شما مدافع از انسانهای مظلوم در طول تاریخ هستید. مدافعات شما از اسلام و پیروزی شما انحصار به پیروزی در میدان ندارد. شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و شما در طول تاریخ پیروز هستید و پیروزی شما پشتوانه پیروزی مستضعفین جهان است در طول تاریخ. شمایی که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاء الله و به طرف شهادت می‌روید پیروز هستید؛ چه در میدان جنگ پیروز بشوید و می‌شوید، و چه - خدای نخواسته - شکست بخورید و نخواهید خورد. شما آن چیزی را که همراه دارید دشمنان شما ضد او را همراه دارند؛ شما رضای خدا را همراه دارید و آنها سخط خدا را، شما ایمان را همراه دارید و آنها طرفداری از کفر را، شما آرامش قلبی دارید و در این جنگ با آرامش، با خاطر آسوده، با این ایده که اگر شهید بشوم پیروزم و اگر پیروز بشوم هم

رضایت  
الهی و شیطانی،  
اهداف جنگها

## جنگهای حق و باطل / ۴۷

پیروزم، شما این را دارید و آنها از مرگ فرار می‌کنند. بین این دو طایفه بسیار فرق است؛ آن که مرگ را در آغوش می‌گیرد برای اینکه شهادت است، برای اینکه از اسلام است، برای اینکه دفاع از حق است و آن که از مرگ فرار می‌کند برای اینکه برای طعمه، جنگ می‌کند. (۵۹)

۶۰/۱۲/۱۸

\* \* \*

آنها که داوطلب برای جنگها هستند، داوطلبیشان برای شیطان است. آنها هم داوطلب می‌شوند، شما هم داوطلب هستید. لکن فرق هست مابین داوطلبی و ایثار شما با داوطلبی و ایثار منحرفین. آنها برای رسیدن به دنیا و برای رسیدن به آمال و شهوات نفسانی وارد می‌شوند در میدانها و شما برای شهادت و برای رسیدن به لقاءالله وارد می‌شوید. (۶۰)

۶۱/۱/۲۸

\* \* \*

صورت اعمال همیشه شبیه به هم است، ظاهر عمل از یک فاجر فاسد ظاهر بشود یا کافر ظاهر بشود و از یک مؤمن موحد یا از یک ولی خدا، ظاهر یکی است. شمشیری که ابن ملجم می‌کشد و بهترین خلق الله را شهید می‌کند با شمشیری که بهترین خلق الله می‌کشد و عدو الله را اعدام می‌کند در صورت یکی است؛ شمشیر است و قدرت عمل است و کشتن آن طرف یا شهید کردن آن طرف. اما آنچه که ممتاز می‌کند این دو عمل را از هم و همه اعمال صادره از بشر به واسطه او ممتاز می‌شود، آن عبارت از غایات اعمال است، انگیزه‌های اعمال است. این شمشیر برای چه کشیده شد و برای چه زده شد؟ این ندا برای چی بلند شد و برای چی ختم شد؟ اگر شمشیر برای خدا بلند بشود و برای خدا به پایین بیاید، این

لقاءالله، هدف

رزمندگان

شباهت در صورت

اعمال و تفاوت در

غایات

انگیزه، انگیزه الهی است، ارزشمند است؛ اگر برای شیطان باشد، این  
ابلیسی است و ارزشمند نیست. (۶۱)

۶۵/۱۱/۲۱

\* \* \*



## فصل دوم

### وجوب دفاع و استقامت

- ضرورت دفاع
- ضرورت آمادگی دفاعی
- استقامت در قرآن
- ضرورت استقامت
- نقش مساجد در جنگ و دفاع



## ضرورت دفاع

اکنون وظیفه عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیهای علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیاتبخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود - که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است - از فرصت استفاده کنند و گفتنیها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین المللی و سایر جوامع بشری برسانند، و بر ارتش و سران آن است که خود را از ننگ اسارت در دست اجانب نجات دهند و مملکت خود را از هلاکت و سقوط برهانند. (۶۲)

۵۶/۸/۲۱

\* \* \*

ملت باید بدانند که آزادیخواهان جهان به آسانی به آزادی دست نیافته‌اند. پیغمبر اسلام (ص) با آن زحمات و رنجهای طاقتفرسا در راه هدف از جهاد با ستمکاران تا آخر عمر دست نکشید، امیرالمؤمنین - علیه السلام - عمر خود را در پیکار با ستمگران که خود را مسلمان معرفی می‌کردند به سر برد. دفاع از حق و اسلام از بزرگترین

دفاع از اسلام،  
وظیفه همگانی

دفاع از اسلام  
مستلزم رنجهاست

عبادات است. (۶۳)

۵۷/۵/۲۲

\* \* \*

اسلام رزمنده می‌خواهد؛ جنگجو می‌خواهد در مقابل کفار، در مقابل آنهایی که هجوم می‌کنند به مملکت ما، اسلام مجاهد می‌خواهد درست کند، نمی‌خواهد یک نفر آدم عیاش درست کند. (۶۴)

تربیت مجاهد در  
مقابل کفار

۵۸/۶/۱۷

\* \* \*

اگر یکوقت خدای نخواست، یک هجومی به مملکت اسلامی بشود، باید همه مردم، یعنی مرد و زن مسأله دفاع دیگر اینطور نیست که تکلیف مال مرد باشد، تکلیف مال یک دسته‌ای باشد، همه باید بروند و دفاع بکنند از مملکت خودشان. (۶۵)

وجوب دفاع  
همگانی در برابر  
هجوم دشمن

۵۸/۱۰/۵

\* \* \*

امریکای جنایتکار و شوروی بدانند که ما با تمام قدرت در مقابل تجاوز هر دولتی به کشور ما ایستاده و از میهن عزیز و اسلام بزرگ تا سر حد جان دفاع می‌کنیم. (۶۶)

دفاع  
تا سر حد جان

۵۸/۱۰/۲۳

\* \* \*

دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف

دفاع، تکلیف  
شرعی و ملی

وجوب دفاع و استقامت / ۵۳

شرعی، الهی و ملی است؛ و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. (۶۷)

۵۸/۱۲/۱

\* \* \*

وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرتها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم. (۶۸)

دفاع، وظیفه همگانی

۵۹/۱/۱

\* \* \*

قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع قضیه دیگر. قضیه جهاد یک شرایطی دارد. برای اشخاص خاصی هست. برای گروه معینی هست با شرایطی. لکن قضیه دفاع، عمومی است. مرد، زن، بزرگ، کوچک، پیر، جوان همان طوری که عقل انسان هم آن حکم می‌کند که اگر کسی هجوم آورد برای منزل یک کسی، اهالی آن منزل، هریک که هست دفاع می‌کنند از خودشان. چنانچه هجوم آورد کسی به شهر یک کسی، اهالی شهر برای حفظ جهات خودشان دفاع می‌کنند. دیگر اینجا هیچ شرطی نیست. همه دفاع باید بکنند. و اگر به کشور ما، کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور، چه زن، چه مرد، کوچک، بزرگ اینجا دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند. و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد. حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد. باید دفاع بکنند. حتی یک پیرمردی هم که خیلی کار از او نمی‌آید باید شرکت کند در دفاع. آنقدر که می‌تواند دفاع کند. (۶۹)

لزوم مهیا شدن برای دفاع

۵۹/۱/۲۸

\* \* \*

وجوب دفاع از اسلام  
امروز جنگ بین اسلام و کفر است، و بر همه مسلمین واجب است که دفاع کنند از اسلام. (۷۰)

۵۹/۷/۴

\* \* \*

تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. کشته بشویم تکلیف را عمل کرده ایم، بکشیم هم تکلیف را عمل کرده ایم. این همان منطقی است که ما در اول هم، که با این رژیم فاسد پهلوی مخالفت می کردیم، منطقی ما همین بود. منطقی این نبود که ما حتماً باید پیش ببریم، منطقی این بود که برای اسلام مشکلات پیدا شده است. احکام اسلام دارد از بین می رود، مظاهر اسلام دارد از بین می رود و ما مکلفیم که به واسطه قدرتی که هر چه قدرت داریم، مکلفیم که با آنها مقابله کنیم. کشته هم بشویم اهمیتی ندارد، بکشیم هم، که ان شاء الله، موفق خواهیم شد، به جنت و به بهشت ان شاء الله.

دفاع بر همه واجب است

شما هیچ وقت از هیچ چیز هراس نداشته باشید. شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می کنید و او<sup>۱</sup> برای نابودی اسلام. الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پایداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید. دفاع یک امر واجبی است بر همه کس. بر هر کس که هر مقدار قدرت دارد، باید دفاع بکند از اسلام. (۷۱)

۵۹/۷/۸

\* \* \*

دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی دفاع واجب است. و ما به حسب امر خدا

---

۱. مراد، صدام حسین رئیس جمهور عراق است.

دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام، نه دفاع از کشور خودمان فقط. (۷۲)

۵۹/۸/۱۶

\* \* \*

همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم که این اسلامی که الآن به ما رسیده حفظش کنیم تا آن فرد آخری هم که -خدای نخواست- کشته می‌شود، موظف برای حفظ اسلام، برای دفاع از ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی تا آن آخر زن و مرد، بچه و بزرگ مکلفانند که دفاع کنند. مسأله دفاع یک امر عمومی است برای همه؛ هر کس قدرت دارد دفاع کند. به هر مقدار که قدرت دارد دفاع کند از کشور اسلام، باید دفاع کند. اسلام و احکام اسلام آن قدر اهمیت دارد که پیغمبرها برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام، از صدر اسلام به بعد، بزرگان اسلام خودشان را فدا کردند برای اسلام. وقتی یک همچو مطلبی است و یک همچو امانتی از جانب خدای تبارک و تعالی، به ما سپرده شده است، ما موظفیم همه‌مان برای حفظش و نباید بترسیم از اینکه چند نفر کشته شدند، چند نفر را با بمب کشتند، چند نفر را انفجار حاصل شد؛ هیچ ابداً این حرفها نیست. اسلام نه وابسته به من است و نه وابسته به تو. اسلام از خداست و همه ما مکلف برای حفظ او هستیم و با قدرت و قوت حفظ می‌کنیم او را... وقتی کشور اسلام مورد تهدید دشمنهای اسلام است، دفاع از کشور اسلام و نوامیس مسلمین بر همه ما، بر تمام ما واجب است؛ با همه کوشش واجب است... ما برای حفظ اسلام دفاع باید بکنیم، برای حفظ مملکت اسلامی دفاع باید بکنیم... ما که اسلام را خواستیم و می‌خواهیم، اسلام اجازه نمی‌دهد که ما تعدی کنیم به یک

دفاع اطاعت امر  
خداست

دفاع از اسلام یک  
امر عمومی

کشوری، لکن فرموده است که اگر به شما تعدی کردند، بزیند تو  
دهنشان! (۷۳)

۶۰/۵/۲۷

\* \* \*

بسیاری از امور است که انسان از آن خوشش نمی‌آید، لکن وقتی که  
تحقق پیدا کرد می‌بیند، خیرش در آن بوده است؛ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ  
هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ<sup>۱</sup>. ما و ملت اسلامی ما جنگجو و هجومگر نبوده‌ایم و نیستیم و  
از این جنگ تحمیلی هم خوشمان نمی‌آمد و کراهت داشتیم که دو  
طایفه از مستضعفان به تحریک مستکبران و تحریک امریکا و اغفال  
حزب بعث، به روی یکدیگر حربه بکشایند و آتش. لکن همه می‌دانید و  
همه هم در جهان می‌دانند که این جرم متوجه به حزب بعث و صدام و  
صدامیان است. در عین حالی که ما از جنگ گریزان هستیم، لکن دفاع،  
که حق هر انسانی است و واجب است بر هر انسانی دفاع از خود و دفاع از  
کشور خود و دفاع از دین خود، ما به عنوان دفاع در مقابل این قدرتها  
ایستاده‌ایم. (۷۴)

دفاع، حق انسانی

۶۰/۹/۱۱

\* \* \*

دفاع که یک مسأله عقلی است. یک مسأله‌ای است که حتی حیوانات هم  
اصلاً وقتی بخواهند حمله کنند، دفاع می‌کنند. دفاع یک مسأله طبیعی  
است. (۷۵)

عقلی بودن دفاع

۶۱/۳/۲۲

\* \* \*

---

۱. «بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما نیکوست»؛ (بقره/۲۱۶).



دفاع را احدی از مسلمین نیست که، احدی از علمای اسلام نیست که بگوید دفاع در اسلام نیست. دفاع هیچ احتیاج به یک ولی‌ای ندارد، هیچ احتیاج به یک امامی ندارد. تمام مسلمین اگر یک وقت بنا شد برشان هجومه بشود، خودشان باید دفاع کنند، مستقل‌اند در این امر. و کشور ایران مستقلاً، ولو اینکه ولی فقیه هم نگوید، ولو این که علما هم نگویند - با اینکه می‌گویند آنها هم - مردم مکلف شرعی هستند به اینکه دفاع کنند و حکم عقلشان این است که از کشور خودشان، از ناموس خودشان، از مال خودشان دفاع کنند. (۷۶)

۶۴/۱/۱۵

\* \* \*

من امیدوارم که شما بپذیرید و شما هم به آن وظایفی که باید عمل کنید که هم در میدان تحصیل که یکی از امور مهمه است مجاهده کنید و هم در میدان دفاع از اسلام، این از مهماتی است که بر هر مردی، بر هر زنی، بر هر کوچک و بزرگی جزء واجبات است. دفاع از اسلام، دفاع از کشور اسلامی، احدی از علمای اسلام، احدی از اشخاصی که در اسلام زندگی کرده‌اند و مسلم هستند، در این جهت خلاف ندارند که این واجب است. آن چیزی که محل حرف است، محل صحبت است، قضیه جهاد اولی است، آن برزن واجب نیست، اما دفاع از حریم خودش، از کشور خودش، از زندگی خودش، از مال خودش و از اسلام، دفاع بر همه واجب است. اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه اینکه ترتیب نظامی بودن، یادگرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهایی که ممکن است. اینطور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم، باید بدانیم چه جور دفاع می‌کنیم. (۷۷)

۶۴/۱۲/۱۱

عدم نیاز به مجوز  
در دفاع

وجوب تعلیم دفاع

از امور مهمه‌ای که بر همه ما واجب است، دفاع از اسلام، دفاع از جمهوری اسلامی است و آن بستگی دارد به وحدت. هر کس در هر لباسی باشد و در هر مکانی باشد و زبانش جریان پیدا کند برای اینکه ولو به واسطه‌هایی بخواهد ایجاد اختلاف بکند بین شما، این از جنود ابلیس است و مطرود است پیش خدا و مسئول است پیش خدا ولو اینکه یک آدمی باشد که نماز شبش ترک نمی‌شود.

این مسأله، مسأله مهمی است، مسأله وحدت بین شما و وحدت همه قشرهای مختلف ایرانی یک امر مهمی است برای حفظ کیان اسلام که واجب است بر همه ما، چنانچه بر همه ما واجب است که به هر طور می‌توانیم دفاع کنیم از اسلام. امروز قضیه، قضیه دفاع است، دفاع از یک قدرتهایی که می‌خواهند حمله کنند، می‌خواهند به هر طوری شده است باز شما را و ما را برگردانند به اسارت اولی و این دفعه اگر آنها خدای نخواسته یک قدرتی پیدا کنند، مثل سابق نیست. آنها اساس اسلام را از بین می‌برند؛ برای اینکه دیدند اسلام است که می‌تواند کار بکند و در مقابل بایستد. و این یک فریضه‌ای است بر همه ما، از اهم فرایض است حفظ اسلام؛ یعنی، حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است؛ اساس اسلام اول است، دنبال او اساس احکام اسلام است. و بر همه ما، بر همه شما به مقداری که قدرت داشته باشیم، به مقداری که توانایی داشته باشیم واجب است که جدیت کنیم در اینکه این دفاع مقدس را ما به طور شایسته عمل بکنیم. (۷۸)

وجوب دفاع از  
اسلام و جمهوری  
اسلامی

۶۵/۴/۲۸

\* \* \*

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا  
وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ

فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ<sup>۱</sup>؛ خطاب به مصلحت‌اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره. و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است. (۷۹)

جهاد در رأس تمام  
احکام اسلام

۶۶/۵/۶

\* \* \*

## ضرورت آمادگی دفاعی

قوای خودتان را مجهز کنید. و یک تعلیمات نظامی خودتان پیدا کنید. به دوستانتان تعلیم بدهید. به اشخاصی که - عرض می‌کنم - که همینطوری دارند راه می‌روند تعلیمات نظامی بدهید. مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد. تعلیمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه، باب «رمی» است، که تیراندازی است. خوب، آن وقت تیراندازی بوده، حالا هم تیراندازی است به یک جور دیگر. در اسلام با اینکه «رهان»<sup>۲</sup> یعنی یک [شرطی] را بگذارند برای چیزی، که نظیر قمار بازی می‌شود حرام است، برای رمی حرام نیست. برای اسبدوانی حرام نیست. «سبق و رمایه»<sup>۳</sup>

۱. توبه / ۲۴.

۲. رهان: شرط‌بندی.

۳. سبق و رمایه: اسبدوانی و تیراندازی که شرط‌بندی به خاطر آن حرام نیست.

یکی از مسائل فقه است. برای اینکه همه برای همه افراد مستحب است که سواری را یاد بگیرند. حالا اتومبیل سواری را، رانندگی را یاد بگیرند. و برای همه مستحب است که تیراندازی را یاد بگیرند. فنون جنگی را یاد بگیرند.

ضرورت  
بیست میلیون  
تفنگدار در کشور

اگر یک ملت که همه جوانهایش مجهز باشند به همین جهازی علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی هم باشند، سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند، همچی نباشند که یک تفنگی دستشان آمدند ندانند با آن چه بکنندش. باید یاد بگیرد و یاد بدهد رفقایان را. جوانها را یادشان بدهید. و همه جا باید اینطور بشود که یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشوری با بیست میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد. و این یک همچی مملکتی آسیب بردار نیست. و الآن هم الحمدلله آسیب بردار نیست. الآن هم ما پشتیبانمان خداست. و ما برای او نهضت کردیم. برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم. و خدا با ماست.

و من امیدوارم که شکست برای شما نباشد. (۸۰)

۵۸/۹/۴

\* \* \*

دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است؛ و بر تمام قشرها و گروهها واجب است در این موقع حساس که ملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرتها خصوصاً امریکاکه با مداخله جنایتکارانه خودش در طول سلطنت غاصبانة محمدرضا پهلوی، ملت ما را از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت، و ذخایر این ملت فقیر را به یغما برد، مواجه است، اگر غفلت شود و با قدرت و پشتکار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکند، و با بسیج عمومی

که به خواست خداوند متعال هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند مهبیای دفاع از کشور اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست خود به تباهی کشانده است. من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تأیید خداوند متعال موفق شوند، و دوره تعلیمات و تمرینهای عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته، و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی بپاخاسته است، به پایان رسانند. بکوشید تا هر چه بیشتر نیرومند شوید در علم و عمل، و با اتکال به خدای قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح؛ که خدای بزرگ با شماست؛ و دست قدرتی که قدرتهای شیطانی را در هم شکست پشتیبان جامعه الهی است. (۸۱)

لزوم تجهیز به  
سلاح و صلاح

۵۸/۱۲/۱

\* \* \*

ما امروز که مواجه هستیم با قدرتهای بزرگ و شیطنتهای بزرگ باید مهبیا بشویم برای دفاع. البته این احتمال بسیار کم است که ما یکوقت محتاج به دفاع نظامی بشویم. کم است احتمال. برای اینکه قدرتهای بزرگ هم می‌دانند که نباید حالا هجوم کنند. لکن هر چه هم احتمال کم است لکن از باب اینکه دفاع از یک مملکتی است، دفاع از اسلام است، این محتمل بزرگ است. از این جهت، ما باید مهبیا بشویم. مهبیا شدن یکی این است که با قوه، چه قوه افرادی و چه قوای دیگر، باید مهبیا بشود. چنانچه قرآن کریم دستور داده. و مهبیاشدندمان هم به طوری باشد که با این مهبیاشدن بترسند آنهايي که بنای، خیال هجمه دارند. دشمنانتان بترسند از قوه شما. اگر بنا شد که در یک کشور سی و چند میلیونی، بیست میلیون قیام کردند برای اینکه مهبیاکنند خودشان را از برای دفاع، ولو آن تتمه هم در

وقتی که مقتضی شد و محتاج به دفاع شد آنها هم باید بکنند. لکن حالا که می‌خواهیم ما مهیا بشویم، باید این بیست میلیون، یعنی همه جوانها همه اشخاصی که از شان کاری برمی‌آید، باید خودشان را مهیا کنند. آن روزی را ملاحظه کنند که یکوقت دشمن رو آورد به طرفشان. هم باید تجهیزات مهیا بشود به قدری که بترساند دشمنها را، و هم باید قوای افراد، قوای نظامی، قوای چریکی، قوای پارتیزانی باید مهیا بشود، و هم قوه ایمان باید زیاد بشود... و من امیدوارم که شما هم آن چیزهایی که در نظام هست و یا در چریکی هست و یا در پارتیزانی هست و در این چیزها که هست، به شایستگی، به خوبی یاد بگیرید. و هم تجهیزات به مقداری که امکان دارد برای یک مملکت، آن تجهیزات را هم دولت فراهم خواهد کرد برای موقعی که لازم است. هم تجهیزات داشته باشید که بحمدالله ایران دارد. تجهیزات مدرن دارد ایران. و از همه اینها بالاتر قدرت ایمان است که خودتان را تربیت کنید، تزکیه کنید. توجه به این نباشد که من با قدرت خودم می‌خواهم کی را بزنم زمین، و فرض کنید غلبه کنم. توجه این باشد که با قوه الهی پیش بروید. یعنی دستتان را، چشمتان را، نفستان را، همه چیزهایی که در اختیار شماست، اینها را تبدیل کنید از قوای شیطانی به قوای الهی. انسان اگر غفلت کند قوایش قوای شیطانی است. چشمش هم شیطانی است. دستش هم شیطانی است. دیگر آنطوری که هست. لکن اگر تربیت کند خودش را همه الهی می‌شود. همه قوای شما قوه الهی می‌شود و قوه الهی غلبه خواهد کرد. (۸۲)

ترس دشمن از  
آمادگی رزمی ما

۵۹/۱/۲۸

\* \* \*

ملت شریف و رزمنده ما باید به امر خدای تبارک و تعالی با تمام توان خود و با اتکال به قدرت خدای متعال مهیا شود و آماده نبرد با دشمنان خود

گردد. نیروهای انتظامی، ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به حال آماده باش باشند، و سپاه بیست میلیونی که خود را مجهز نموده‌اند امروز برای فداکاری اسلام مهیا باشند که در موقع لزوم از کشور اسلامی خود دفاع کنند. (۸۳)

آمادگی همگانی

۵۹/۲/۵

\* \* \*

ان شاء الله، یک نظام بیست میلیونی شما داشته باشید تا بتوانید از این توطئه‌ها که الآن برای مملکت ما در کار است جلوگیری بکنید. (۸۴)

نظام بیست میلیونی  
بازدارنده توطئه‌ها

۵۹/۶/۱۱

\* \* \*

ارتش میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می‌شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است. (۸۵)

بسیج عمومی آماده  
فداکاری برای  
اسلام و کشور

۵۹/۶/۲۱

\* \* \*

رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که بحق پشتوانه انقلاب اسلامی است و به کوشش ارزنده خود ادامه داده [اند] و بحمد الله تعالی با همت جوانان برومند و داوطلبان، گروه میلیونی رزمنده تربیت [کرده‌اند]، و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شغفی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود «ارتش بیست میلیونی» که نگهبان جمهوری اسلامی و کشور عزیز از شر جهانخواران متجاوز است، تحقق یابد. (۸۶)

تربیت رزمنده برای  
نگهبانی جمهوری  
اسلامی

۶۰/۹/۴

با تشکر و تقدیر از اقدامات خداپسندانه بسیج مستضعفین در راه هدف مقدس اسلام و استقلال کشور و آزادی ملت دربند و با تشکر از کوششهای آنان در کوتاه کردن دست چپاولگران، امید است با تحصیل اخلاص در همه امور، چه تعلیم و تعلم و تقویت فرهنگ اسلامی و آموزش کافی فنون مختلف نظامی، و چه در راه بسیج توده‌های مظلوم و مستضعف جهان بر ضد استکبار جهانخوار تا قطع طمع آنان نه تنها از کشورهای اسلامی که از همه ممالک تحت ستم جهان و چه در راه تقویت هر چه بیشتر بسیج برای حراست از اسلام بزرگ و ایران عزیز و با صبر و شکیبایی در این مقاصد بزرگ، این خدمت گرانقدر را رنگ الهی داده و از عبادات بزرگ قرار دهند. (۸۷)

۶۳/۸/۳۰

\* \* \*

باید هر جوانی یک نیرو باشد برای دفاع از اسلام. (۸۸)

۶۴/۱/۲۵

\* \* \*

در بعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد؛ و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند؛ و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند. (۸۹)

۶۴/۵/۲۵

\* \* \*

تشکر از بسیج  
مستضعفین و لزوم  
آموزشهای گوناگون

لزوم تفکر دفاعی  
برای جوانان

ضرورت تعلیمات  
نظامی



امروز یکی از ضروریترین تشکلهای بسیج دانشجویی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمی و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاریهای شماست و مسئولین تنها با پشتوانه شماست که می توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کنند که بدون امریکا و شوروی می شود به زندگی مسالمت آمیز توأم با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه ها موجب می شود که ریشه ضد انقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد.

من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می بوسم و می دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تأکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت. (۹۰)

ضرورت دفاع از  
انقلاب اسلامی در  
دو مرکز علمی

## استقامت در قرآن

در قرآن کریم یک آیه در دو سوره وارد شده است، که در یک سوره یک ذیل کوچکی دارد، در یک سوره بدون آن ذیل است. در یک سوره وارد شده است **وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ**<sup>۱</sup> امر به رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرماید که استقامت داشته باش در آن اموری که مأموری. در یک سوره دیگری که سوره «هود» است وارد شده است که **فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ**<sup>۲</sup> که هم به خود رسول اکرم امر می فرماید که استقامت [داشته باش] و پایدار باش در آن مأموریتی که داری، و کسانی هم که ایمان به تو آوردند و برگشتند به خدا با تو، آنها هم استقامت کنند. در این دنیا کسانی که برای شرافت خودشان، برای شرافت اهل ملتشان، برای شرافت اسلام، اموری را انجام می دهند، کارهایی را انجام می دهند، اگر در دنبالش استقامت داشته باشند، پابرجا باشند، آنها را حوادث نلرزاند، اینها به مقاصد می رسند، برای اینکه استقامت، یک امر مهمی است و مشکلی. در سوره دومی که سوره «هود» است که دارای آن ذیل است که همه ما مأموریم به استقامت و در رأس، رسول اکرم است، ایشان در این سوره و در این آیه از ایشان وارد شده است که فرموده اند: **شَيْئِي سُوْرَةُ هُوْدٍ** **يُمْكِنُ هَذِهِ الْآيَةَ** به حسب این روایت از ایشان نقل شده است که فرموده اند: سوره هود من را پیر کرد، برای این آیه. برای اینکه همه مأمورین را، همه ملت‌های اسلامی را، همه افراد مسلم را امر فرموده است به اینکه در مأموریتی که دارید استقامت کنید. پابرجا باشید. متزلزل نشوید. چه بسا افرادی که ابتدائاً در یک امری وارد می شوند، لکن بعضی مشکلات وقتی پیش آمد نمی توانند خوددار باشند، نمی توانند

رسول اکرم (ص)  
بالاترین موجود در  
استقامت

۱. شوری / ۱۵.

۲. هود / ۱۱۲.

استقامت کنند. و چه بسا اشخاصی که مستقیم‌اند، استقامت می‌کنند، پایداری می‌کنند تا آخر. تعلیمی که خدای تبارک و تعالی به مسلمین داده است این است که باید در مأموریت‌های خودتان استقامت داشته باشید، پایداری داشته باشید... رسول اکرم در عین حالی که بالاترین موجود بود در استقامت، و حضرت امیر - سلام الله علیه - در روایتی وارد شده است که ما در جنگ‌ها هر وقت که فشار بر ایمان می‌آمد به رسول خدا پناه می‌بردیم، در عین حال خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که: **فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ**، امر می‌کند که پایدار باش! نلغزاند تو را چیزی. آنجایی که می‌رسد به اینکه تو و امت، پایدار باشید، پیغمبر می‌فرماید که: «من به واسطه این آیه پیر شدم» برای اینکه استقامت، مشکل است و من گرچه توانم استقامت کنم و افرادی هم می‌توانند، ولی همه ملت اطمینان نیست که بتواند مستقل باشد، مستقیم باشد، استقامت در امر از خود امر مشکلتر است. چه بسا پیروزی‌هایی که برای یک ملتی پیش می‌آید برای اینکه استقامت در آن امر که موجود شده است ندارد، سستی می‌کنند، آن پیروزی از دست‌شان می‌رود. (۹۱)

۵۹/۱۰/۸

\* \* \*

شارع مطهر فرموده‌اند در قرآن کریم که «اگر یک طایفه‌ای بر طایفه دیگر از مسلمین بخواهند طغیان کنند و تجاوز، بر همه مسلمین واجب است که این جنایتکار و طاغی و یاغی را با او جنگ بکنند و اگر برگشت به اطاعت خدا، آن وقت بنشینند با او صحبت بکنند»...

اگر امروز همه قدرتمندان و همه یاوه‌سرایان تبلیغاتی به ضد شما و به ضد جمهوری اسلامی قلمفرسایی می‌کنند یا سخنرانی یا توطئه، لکن نمی‌توانند روی حق پرده پوشی کنند. شما بحقید، همان طوری

وجوب مقابله با

طاغی

که امام سیدالشهداء بحق بود و با عدهٔ قلیلی مقابله کرد و در عین حالی که به شهادت رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لکن اسلام را زنده کرد و یزید و بنی‌امیه را رسوا کرد. شما هم شیعیان همان حضرت هستید. شما هم در این نبردهای بزرگی مثل نبرد آبادان و مثل تنگه چزابه و مثل بستان کاری کردید که اعجاز بود؛ اعجاز بود از باب اینکه یک جمعیت کم با عده و عدهٔ کم و با ایمان بزرگ این اعجاز را آفریدند و صدام که این کار غلط را به تخیلاتی که کرده بود انجام داد، پشیمان شده است و به همهٔ دولتها برای کمک دست دراز کرده است و از همهٔ کشورها کمک خواسته است و همه هم، تقریباً اکثر قریب به اتفاق هم به او کمک می‌کنند و همهٔ کمک‌هایی را که آنها کرده‌اند نتوانسته‌اند یک ایمانی برای او بفرستند، برای اینکه در خودشان هم نبود.

اشتباهشان در همین است که خیال می‌کنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه کار انجام می‌دهد و نمی‌دانند که آن چیزی که کار را انجام می‌دهد بازوی قوی افراد است. افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاءالله، اینهاست که پیروزی می‌آورد. پیروزی را شمشیر نمی‌آورد، پیروزی را خون می‌آورد. پیروزی را افراد و جمعیت‌های زیاد نمی‌آورد، پیروزی را قدرت ایمان می‌آورد. **مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجِ وَأَقَلَّ الْحَجِيجِ**<sup>۱</sup> حاجی خیلی می‌رود به مکه، لکن آن که حج الهی را بجا می‌آورد، آن کم است. و سپاه پاسداران و بسیج و همهٔ اینها، ارتشی و اینها، آن اقلیتی هستند در جنگ و آن اقلیتی هستند در نبرد که **كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ**.<sup>۲</sup> (۹۲)

۶۰/۱۲/۱۸

۱. بحار الأنوار؛ ج ۲۷، ص ۱۸۱.

۲. «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند»؛ (بقره/ ۲۴۹).

این نهضت یک امر الهی است. و خدا فرموده است فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ هَمَان طوری که پیغمبر اکرم از هیچ آمد و فتح کرد و نورش همه جا را گرفت، شما ملت هم بعد از آن رژیم فاسد، از هیچ شروع کردید. یعنی، هر چه بود خرابی بود و شما شروع کردید برای درست کردن آن. اما رفیق نیمه راه نباشید. اینطور نباشد که ما تا اینجا رفته ایم حالا از اینجا دیگر برویم سراغ کارهای دیگرمان. در رأس امور این است که ما این امر الهی را که فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ این امر الهی را ما اجرا کنیم. (۹۳)

استقامت در رأس  
امور

۶۱/۶/۲۸

\* \* \*

پیغمبر در یکی از فرمایشاتشان می فرمایند که شَيْئِي سوره هود آیه ای که در سوره «هود» وارد شده است در سوره شوری هم به استثنای یک کلمه وارد شده است، لکن سوره هود را ایشان می فرمایند که «شَيْئِي»؛ برای اینکه، در آنجا امر به استقامت خود رسول خدا و کسانی که با او هستند هست، تابعین او. این است که استقامت ملت را هم پیغمبر سنگینی اش را در دوش خودش می دید، و نگرانی ای که پیغمبر داشت نسبت به اینکه استقامت نکند ملت، نکند امت، این بود که - به حسب احتمال قوی - این بود که ایشان را وادار کرد به اینکه این کلمه را بفرمایند. استقامت در هر امر، و این دنبال این است که انسان توجه به خدای تبارک و تعالی داشته باشد و به پیامبران خدا و خصوصاً پیغمبر خاتم که اینها چه نحو زندگی کردند و با چه مصیبت هایی استقامت کردند، و در این بیست و چند سال که پیغمبر اکرم در بین این مردم بود چه مصیبت هایی از همین مردم دید، و چه مصیبت هایی را پیش بینی کرد، و توجه به اینکه او ولی امر این ملت است و استقامت این ملت هم از او خواسته شده است، و فَاسْتَقِمْ

نگرانی پیامبر از  
عدم استقامت امت

كَمَا أَمُرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ إِنَّهُ يَنْتَظِرُ إِسْرَارًا. فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمُرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ

۶۲/۳/۲۱

\* \* \*

ما باید امروز تحمل کنیم، صبر باید بکنیم. فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمُرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ این چیزی بود که پیغمبر اکرم گفت، شَبَّانِی سُوْرَةُ هُوْدُ به واسطه این، آن هم به خاطر اینکه وَمَنْ تَابَ مَعَكَ بود، برای اینکه می‌دید نمی‌تواند استقامت کند، ما باید استقامت کنیم، باید حفظ کنیم، باید صبر کنیم. (۹۵)

توصیه به استقامت  
در دفاع

۶۲/۹/۲۶

\* \* \*

«جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم»؛ یعنی، باید کسانی که تبعیت از قرآن می‌کنند، در نظر داشته باشند که باید تا آن جایی که قدرت دارند ادامه به بردشان بدهند تا این که فتنه از عالم برداشته بشود. این، یک رحمتی است برای عالم و یک رحمتی است برای هر ملتی، در آن محیطی که هست. (۹۶)

استقامت برای رفع  
فتنه از عالم

۶۳/۹/۲۰

\* \* \*

پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نگران بود راجع به این که آیا ملتش استقامت می‌کنند یا نه؟ تا آن حد که در روایت است که فرموده که شَبَّانِی سُوْرَةُ هُوْدُ برای این آیه‌ای که آمده است که فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمُرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ در عین حال که این آیه در سوره دیگری هم - سوره شوری هم - آمده لکن آن ذیل را ندارد، سوره هود که این ذیل را دارد فرموده است.

رسول خدا نگران  
استقامت امت

این به نظر می‌رسد که نگران بوده است از این که ملتش و امتش مبادا  
خدای نخواستہ استقامت نکند. (۹۷)

۶۳/۱۲/۲۹

\* \* \*

## ضرورت استقامت

این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است حفظ کنید.  
استقامت کنید، نگه دارید این تحول انسانی که بالاتر از تحولاتی فعال  
خارجی است. این تحولی که شما را برای رسیدن به آمال مشتاق کرد که  
خون بدهید، این تحول انسانی که شما برای برادرانتان حاضرید جان  
بدهید و حاضرید مال بدهید و حاضرید وقت صرف کنید، این تحول مهم  
بود؛ این تحول بالاتر از اصل مبارزه بود. تحول نفسانی؛ تحول روحی؛  
تحول انسانی؛ این تحول را حفظ کنید؛ مستقیم باشید، استقامت کنید.  
دشمن در توطئه است. دشمن در حال توطئه و نقشه است. اگر استقامت  
نکنید، اگر این تحول را حفظ نکنید، شاید خدای نخواستہ دشمن پیروز  
شود. این تحول روحی، این تحول انسانی، این تحولی که اساس پیروزی  
شما بود، این تحول را حفظ کنید تا پیروز شوید.

خداوند ان شاء الله به شما سلامت و سعادت عنایت کند، و استقامت  
که بالاترین نعمت است. قیام برای خدا، و استقامت در آن قیام. تا اینجا  
قیام کردید و پیروز شدید؛ اگر استقامت کنید پیروز خواهید شد. اگر  
استقامت کنید این عددی که در صدد توطئه هستند ریشه کن خواهند  
شد. (۹۸)

۵۸/۳/۴

\* \* \*

استقامت شرط

پیروزی

استقامت برای حفظ  
نهضت

الآن استقامت ملت با شما روحانیون است؛ یعنی خطابِ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْت. یک نهضت حاصل شده، استقامت لازم دارد. یک جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده، استقامت در مقابل او لازم است، باید نگهش دارید؛ و همه اشخاصی که با شما هستند هم به عهده شماست که استقامتشان را حفظ کنید. (۹۹)

۵۸/۶/۱۸

\* \* \*

استقامت در دفاع  
از اسلام

ملتی که بخواهد شرافت خودش را حفظ کند، اسلام را که مبدأ همه شرافتهاست بخواهد حفظ کند، این ملت باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشد. استقامت معنایش این است که اگر گرفتاریهایی پیدا شد در جهاد، اگر در جنگهایی که پیش می آید برای یک ملتی که می خواهد شرافتمند باشد، می خواهد اسلام را و نهضت اسلامی را به ثمر برساند، از مشکلات هراس نداشته باشد. در مشکلات سستی نکند. این امر خداست. خدای تبارک و تعالی، که دفاع را بر همه ملت و بر همه مسلمین واجب کرده است، و ما هم الآن در آن امر واقع شده ایم که دفاع می کنیم از شرافت خودمان، دفاع می کنیم از اسلام عزیز. همان که امر فرموده است که دفاع کنید، به همه ملتها امر فرموده است که پایدار باشید، استقامت کنید... استقامت در امر از خود امر مشکلتر است. چه بسا پیروزیهایی که برای یک ملتی پیش می آید برای اینکه استقامت در آن امر که موجود شده است ندارند، سستی می کنند، آن پیروزی از دستشان می رود. (۱۰۰)

۵۹/۱۰/۸

\* \* \*



از پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله و سلم- منقول است که فرموده: سوره هود مرا پیر کرد [آنجا] که فرموده است تو و پیروانت استقامت کن.<sup>۱</sup> ما و شما که افتخار پیروی آن حضرت و ادعای آن را داریم باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم. (۱۰۱)

۶۰/۱۱/۲۲

\* \* \*

ما باید آن مقاومت و روح اسلامی را حفظ کنیم... آن سختیهایی که به خود پیغمبر اسلام -صلی الله علیه و آله- گذشته است، آن وقتی که در مکه بودند، و همان وقتی که در مدینه بوده اند... ما باید فکر کنیم که پیغمبر چه کرده است. برای چی این کارها را می کرده است، یک بشر است، اما می بیند وظیفه دارد؛ یعنی، بشری است که خدا برای او وظیفه تعیین کرده است. این اسلام را فرستاده است و به او امر کرده است که باید استقامت کنی: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ. (۱۰۲)

۶۱/۳/۱۶

\* \* \*

استقامت کند ملت ما. استقامت کند دانشگاه ما. استقامت کند حوزه های علمی قدیمه ما. استقامت کنند ارتش و همه چیز ما؛ ملت ما. که استقامت اسباب این می شود که ادامه پیدا کند این نهضت و انقلاب، و به همه جا سرایت کند... مادر این انقلابی که کرده است، تاحالا استقامت کرده است، و بحمد الله تاحالا پیروز شده است. شما پیروزید در دنیا. شما مطرح شده اید

استقامت برای حفظ

دین

تأسی از پیامبر در

استقامت

صدور انقلاب با

استقامت

۱. «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ؛ پس همانگونه که دستور یافته ای، ایستادگی کن و هر که با همراهی تو به خدا رجوع کرد نیز چنین کند.» (هود/۱۱۲).

در دنیا. در همه گوشه‌های دنیا، دولت‌های دنیا از شما یک نحوهراسی دارند که مبادا یک وقت ملت‌هایشان مثل شما بشود. شما تا حالا پیروزید. استقامت کنید تا پیروزی نهایی به دستتان بیاید. (۱۰۳)

۶۱/۶/۲۸

\* \* \*

ما باید محکم بایستیم و خودمان را برای مقابله با مشکلات احتمالی آینده مهیا کنیم. ما نمی‌توانیم شرافت اسلامی - انسانی خود را از دست بدهیم. (۱۰۴)

استقامت برای  
مقابله با مشکلات

\* \* \*

۶۱/۷/۲۱

همان طور که امریکا برای توطئه آماده است، ما هم باید برای مبارزه و مقابله آماده باشیم. مادامی که بخواهیم مستقل باشیم و زیر بار وابستگی نرویم، باید تحمل این مشکلات و قدرت مبارزه با آن را پیدا کنیم. (۱۰۵)

تحمل مشکلات  
برای مقابله با امریکا

۶۱/۱۱/۳

\* \* \*

ما باید در امورمان مستقیم باشیم؛ همان طوری که رسول خدا به حسب روایاتی که وارد شده است فرموده است: که این آیه شریفه‌ای که وارد شده است که: **فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ** یعنی به آن چیزهایی که امر به تو شده است، دستور داده شده است استقامت کن و کسانی هم که همراه تو هستند، مؤمنین به تو هستند، آنها هم استقامت کنند. در روایت است که پیغمبر فرمود: **سَيَبِثُنِي سُورَةُ هُودٍ** - برای این آیه - سوره هود مرا پیر کرد برای این آیه‌ای که وارد شده است که استقامت کن و هر کسی

هم همراهت است استقامت کنند. فتح یک کشوری آسان است نسبتاً، حفظ او مشکل است. شما دست به هم دادید همه تان - خدا همه را تأیید کند - و ظلم را، دست ظالم را، دست ستمکاران را، دست خارجیها را از کشور تان قطع کردید. امروز نه شرق در اینجا دخالتی می تواند بکند و نه غرب؛ در حالی که در رژیم سابق اصل خود کشور به حساب نبود، منافع خارج حساب بود. امروز که شما هستید و خودتان هستید و کشور مال خود شما هست و منافع کشور از خود شما و از برادران شماست، بخواهید که آنها دیگر نتوانند رخنه کنند، استقامت باید بکنید، پایداری باید بکنید؛ پایداری به این است که هر کس در هر شغلی که هست آنجا را خوب عمل بکند. همان طوری که پاسدارها و ارتش ما در جبهه‌ها پایداریشان به این است که جنگ را خوب عمل بکنند و پیش ببرند. پایداری کشاورز این نیست که جنگ بکند، پایداری کشاورز این است که کشاورزی اش خوب باشد. پایداری بانکدارها این است که خوب عمل بکنند، و پایداری افرادی که پرسنل اداره مالی هستند، آنها این است که خوب عمل بکنند، ناراضی درست نکنند... ما باید دنبال این باشیم که این آیه شریفه را که فرموده است که **فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ** پیغمبر که فرمود که من ریشم سفید شد برای این، پیر شدم برای این. خود ایشان که استقامت داشت، برای اینکه «وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ» پهلوش است یعنی پیغمبر مأمور شده است که اشخاصی هم که همراه او هستند، اشخاصی هم که ایمان به او آوردند، آنها هم استقامت کنند و آن شما هستید. باید استقامت کنید و ادامه بدهید به این نبردی که کردید. نبردی که با همه کشورهای مخالف اسلام و با برقدرتها کردید باید ادامه بدهید؛ و ادامه به این است که هر کس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام بدهد. (۱۰۶)

استقامت انجام  
خوب وظایف  
شغلی است

آیا پیغمبر اکرم در مقابل سختی‌ها عقب نشینی کردند؟ آیا حاضر به تسلیم و سازش شدند؟ ما هم که کار انبیا و پیغمبر اکرم را انجام می‌دهیم باید بایستیم، باید مقاومت کنیم تا اسلام استقرار پیدا کند و عدالت برقرار شود و دست ظالم‌ها کوتاه گردد. این را باید دنبال کرد. مردم زمان حضرت رسول و اصحاب او مقاومت کردند و از سختی‌ها نهراسیدند تا پیروز شدند... مردم باید محکم بایستند و از اسلام و کشور دفاع کنند و از توطئه‌ها به خود هراس راه ندهند که اگر کمی عقب بنشینند، باید دست از اسلام بکشیم و تکلیف ما برخلاف این است.

استقامت برای

استقرار اسلام

مردم انقلاب کردند، باید پای زحماتش هم بنشینند. مردم، پیغمبران و پیغمبر اسلام را و ابراهیم را در نظر بگیرند، ببینند که با آنها چه مخالفتها شد، ولی دست از هدفشان نکشیدند. اگر ما مسلمانیم، باید دنباله روی آنها باشیم. دنباله روی از آنان که فقط روزه و نماز و مسجد نیست. دنباله روی از آنان مبارزه برای حفظ اساس اسلام است. باید برای حفظ اساس اسلام تا آخر ایستاد و پیشروی کرد. (۱۰۷)

۶۳/۶/۱۸

\* \* \*

شما هیچ وقت نترسید. و مستقیم و پای برجا بایستید و در مقابل همه قدرتها استقامت کنید. و خداوند با شماست و شماها را ان شاء الله حفظ می‌کند از شرّ اشرار و مملکت شما رانجات می‌دهد، و مهم این است که از شما راضی باشد حق تعالی. (۱۰۸)

استقامت در برابر

همه قدرتها

۶۴/۹/۹

\* \* \*

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - وائمه هدی - علیهم سلام الله - در

چه غربت‌هایی برای دین حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمت‌ها و اهانت‌ها و زخم‌زبان‌های «ابولهب» و «ابوجهل»‌ها و «ابوسفیان»‌ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابیطالب، به راه خود ادامه داده‌اند و تسلیم‌نشدند و سپس با تحمل هجرت‌ها و مرارت‌ها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ‌های پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کار شکنی‌ها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگ‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و کوه‌ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامهٔ پیام‌رسالت آنان. (۱۰۹)

۶۶/۵/۶

\* \* \*

## نقش مساجد در جنگ و دفاع

مسیحیون خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم، مثل کلیساست. مسجد وقتی نماز در آن بر پامی شده است تکلیف معین می‌کرده‌اند؛ جنگ‌ها از آنجا شالوده‌اش ریخته می‌شده است؛ تدبیر ممالک از آنجا، از مسجدشالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست. کلیسا یک رابطهٔ فردی مابین افراد و خدای تبارک و تعالی - عَلَی زَعْمِهِم - هست لکن مسجد مسلمین در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - و در زمان خلفایی که بودند - هر جور بودند - مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبهٔ جمعه مطالب سیاسی است - مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در مسجد درست می‌شده است؛ شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است در زمان رسول خدا و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر - سلام الله علیه. (۱۱۰)

۴۴/۸/۲۳

ایستادگی برای  
امحای باطل

مساجد پایگاه  
سیاست و دفاع

مسجدها محلی بوده است که از همان مسجد ارتش راه می‌افتاد برای جنگ با کفار و با قلدرها؛ از همان توی مسجد. آنجا خطبه خوانده می‌شد، دعوت می‌شدند مردم به اینکه فلان - مثلاً - آدم متعدی در فلان جا قیام کرده بر ضد مسلمین یا مال مردم را چپاول می‌کند، قلدری می‌کند، انحرافات دارد، و از همان مسجد راه می‌افتادند و می‌رفتند طرف دشمن. از همان جا قراردادهای حاصل می‌شد. (۱۱۱)

۵۷/۸/۲۰

\* \* \*

مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبشها بوده است. (۱۱۲)

۵۸/۱/۳۱

\* \* \*

جنگ‌هایی که در اسلام می‌شده است بسیاری از آن از مسجد طرحش ریخته می‌شد یا از منبر حضرت امیر - سلام‌الله علیه - به حسب بعضی خطبه‌هایی که در نهج‌البلاغه جمع شده است، خطیب بزرگ و فخر خطباست، با آن خطبه‌های بزرگ مردم را تجهیز می‌کردند برای دفاع از اسلام. و همین طور دستورهای اخلاقی، دستورهای عقیدتی، و همه چیز، در این کتاب مقدس هست. (۱۱۳)

۵۸/۳/۲۷

\* \* \*

مسجد محل اجتماع  
و دعوت به جنگ با  
کفار

مسجد مرکز گسیل  
نیرو برای سرکوبی  
کفار

مسجد مرکز طراحی  
عملیات جنگی

در صدر اسلام همان مسجدی که عالم در آن بود، همان مسجد هم ارتشی بود؛ و سردارهای سپاه هم همان جا بودند و با هم نماز می خواندند و با هم اطاعت می کردند، و با هم، هم جنگ می رفتند، یک همچنین وضعی داشت. (۱۱۴)

۵۸/۴/۲۴

\* \* \*

همان طوری که پیغمبر در مسجد زندگی می کرد و در همان مسجد با مردم معاشرت می کرد و از همان مسجد هم تجهیز می کرد جیوش را برای کوبیدن قدرتها، از همین جمعیت پیغمبر را انتخاب فرمود بر ضد آنهايي که می خواستند چه بکنند. (۱۱۵)

۵۸/۴/۳۰

\* \* \*

در صدر اسلام از همین مسجدها جیشها، ارتشها، راه می افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده مسجد. هر وقت یک گرفتاری پیدا می شد، صدا می کردند که «الصلوة بالجماعة»، اجتماع می کردند؛ آن گرفتاری را طرح می کردند، این صحبتها را می کردند. مسجد، مرکز اجتماع سیاسی است. و از این یک قدری وسعتش زیادتر، می شود نماز جمعه. (۱۱۶)

۵۸/۶/۲۵

\* \* \*

ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهای اسلام هر جا گذاشتند، همان جایی که گذاشتند اول مسجد درست کردند. وقتی به قاهره

مسجد محل عبادت  
خدا و جنگ با کفار

مسجد مرکز تجهیز  
سپاهیان

مسجد مرکز اجتماع  
سیاسی و نظامی

نظامیان اسلام  
آبادکننده مساجد

رسیدند اول خط کشیدند برای مسجد و همه جا اینطور بود؛ مسجد مطرح بود، معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد و محرابها کوشش می کردند. (۱۱۷)

۵۹/۴/۱۵

\* \* \*

نماز جمعه و مساجد در صدر اول اسلام، یک وضعی داشت... من امیدوارم که این نماز جمعه در ایران، آن محتوای اصیل خودش را، که در صدر اسلام داشته است، احیا کند. و قهراً می رود به سایر جاها؛ قهری است مسأله. وقتی مسلمین دیدند که این مسأله صحیحی است که از آن غافل بوده اند، آنها هم کم کم - ولو دولتهایشان هم نخواهند - می کنند این کار را... در صدر اسلام، امام جمعه و مسجد، این دو ابزار در دست مسلمانها بوده است و هر وقت می خواستند جنگ بروند از مسجد تجهیز می کردند، هر وقت می خواستند یک کار مهمی بکنند در مسجد طرح می کردند... و مسائل سیاسیشان را [هم] می گفتند. (۱۱۸)

مساجد مرکز  
تصمیم گیری دفاعی

۶۱/۷/۲۲

\* \* \*

اسلام مساجد را سنگر قرار داد و وسیله شد از باب اینکه از همین مساجد، از همین جمعیتها، از همین جماعات، از همین جمعه ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می برد و قیام را به پیش می برد، مهیا باشد. (۱۱۹)

مساجد سنگر دفاع  
از اسلام

۶۱/۷/۲۵

\* \* \*



در صدر اسلام مسائل سیاسی در مسجد و به وسیله آنهايي که امام جمعه بودند حل و فصل می شد، و نقشه های جنگ در آنجا کشیده می شد، و مع الأسف ما رارساندند به آنجا که در خطبه های جمعه جز چند کلمه موعظه و تحذیر از اینکه نبادا در امور دخالت کنید چیزی نبوده است. (۱۲۰)

مساجد محل  
طراحی جنگها

۶۱/۱۰/۱۲

\* \* \*

مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم مرکز جنگها و مرکز سیاستها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر - صلی الله علیه و آله - همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتر بوده. هر وقت می خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگها، از مسجد شروع می کردند این امور را. (۱۲۱)

مساجد مرکز بسیج  
نظامی و سیاسی و  
اجتماعی

۶۲/۵/۲۵

\* \* \*

در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می شد. (۱۲۲)

مساجد مرکز  
طراحی مسائل  
سیاسی و دفاعی

۶۳/۲/۲۳

\* \* \*



## فصل سوم

# ویژگیهای رزمندگان صدر اسلام

□ فداکاری

□ عقیده و ایمان

□ شهادت طلبی



## فداکاری

ما سوگمندان و مفتخرانه عزیزانی را در راه هدف که واژگونی رژیم طاغوتی و برپاداشتن پرچم پرافتخار اسلام است، فدا کردیم؛ و این درست راه اسلام و برنامه مسلمین راستین در صدر اسلام بوده و در طول تاریخ خواهد بود و: **لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**. پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد؛ و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند. (۱۲۳)

۵۷/۳/۲۰

\* \* \*

ایشان وقتی مسجد را درست کرد - آن هم نه یک مسجد مجلل، یک مسجد خیلی محقر درست کرد - روی صُفَه آن مسجد، که یک صفحه‌ای بود که هیچی هم نداشت، آنجا بسیاری از اصحاب حضرت، از آنهایی که یاران او بودند آنجا می‌خوابیدند چون منزل نداشتند. (۱۲۴)

۵۷/۱۲/۷

\* \* \*

پیامبر (ص) الگوی  
فداکاری

فداکاری یاران  
پیامبر

بانوان از صدر اسلام - در صدر اسلام - با مردان در جنگها هم شرکت داشته‌اند. مقام زن مقام والاست؛ عالیرتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند. ما می‌بینیم و دیدیم که زنها، بانوان محترمان هم‌دوش مردان بلکه جلو مردان در صف قتال ایستادند. بچه‌های خودشان را از دست دادند، جوانان خودشان را از دست دادند، و شجاعانه مقاومت کردند. (۱۲۵)

فداکاری زنان در  
جنگهای صدر  
اسلام

۵۷/۱۲/۱۳

\* \* \*

خود رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - ایشان خودشان در جنگها، خودشان وارد میدان نمی‌شدند که آدم بکشند؛ وضع اینطور بوده است که نبی رحمت بودند. حتی یک نفر کشته نشده است به دست ایشان. لکن حضرت امیر با آن وضعی که در جنگ داشته است، از ایشان نقل کرده‌اند که ما در شاید پناه می‌بردیم به ایشان! یک همچو... سردار بزرگ که در دنیا نظیر ندارد - به حسب نقلی که از ایشان می‌شد - می‌فرماید که ما در شیداید، وقتی جنگ شدید می‌شد، ما پناه می‌بردیم به رسول الله. یک همچو قوه‌ای بوده او؛ قدرت الهی بوده. این یک دستور کلی است که در آن زمان آنها کرده‌اند و به سعادت رسیدند و به سعادت رسانده‌اند. (۱۲۶)

پیامبر در جنگها نبی  
رحمت بود

۵۸/۱/۹

\* \* \*

صدر اسلام سربازهای اسلامی برای اسلام جانشان را به خطر می‌انداختند یعنی خطر نمی‌دیدند، خطر برای خودشان نمی‌دیدند برای اینکه مردن را خطر نمی‌دانستند. جوانهای ما اینطور شده بودند، و

خطرپذیری برای  
اسلام

الآن هم هستند. (۱۲۷)

۵۸/۵/۳

\* \* \*

اگر بخواهید پیشرفت بکنید و همه چیزتان ان شاء الله اسلامی بشود و پیروزی نظیر پیروزیهای صدر اسلام بشود، کاری بکنید که خودتان هم ساخته بشوید. همان طور که سربازهای صدر اسلام در عین حالی که سربازی می‌کردند، وظایف صوریة اسلام را هم به تمام معنا به جا می‌آوردند، همان طوری که شمشیر می‌کشیدند و می‌کشتند دشمنهای اسلام را، با خودشان به طور رأفت، به طور دوستی، برادری رفتار می‌کردند. همین دستور قرآن کریم است که از اوصاف مؤمنین صدر اسلام و اینها نقل می‌فرماید که اینها رحیم هستند بین خودشان: رُحَمَاءٌ بَيْنَهُمْ خودشان با هم با رحمت رفتار می‌کنند؛ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وقتی به کفار می‌رسند، شدت. حضرت امیر وقتی که مواجه می‌شود با لشکر معاویه که از کفار هم بدتر بودند، با خوارج که آنها هم به همان طور بودند، با کمال شدت [برخورد می‌کرد]. بعد از اینکه می‌دید هدایت نمی‌شوند، سفارش می‌کرد که شماها ابتدا به جنگ نکنید؛ به لشکر خودش فرمود شماها ابتدا به جنگ نکنید، ولو حق با شماست؛ بگذارید آنها ابتدا کنند؛ وقتی آنها ابتدا می‌کردند، گاهی هم یکی دو تا کشته می‌شدند، آن وقت اجازه می‌داد و با کمال قدرت تا آخر می‌کوبید. خوارج را همچو سرکوب کرد که از آنها چند نفری توانستند فرار کنند؛ و خوارج هم همانها بودند که بعد هم توطئه کردند و حضرت امیر را به شهادت رساندند. (۱۲۸)

رحیم و شدید بودن  
سربازان اسلام

۵۸/۶/۱۱

\* \* \*

صدر اسلام با یک همچو روحیه‌ای که شهادت را می‌خواستند. آنطور پیشرفت کردند در نیم قرن تقریباً معموره دنیا را، دنیای متمدن آن وقت را، فتح کردند. و الا عددشان، یک عده‌ای بودند حجازی و نه فنون جنگی به آن معنای مدرنش را که روم و ایران می‌دانستند، می‌دانستند؛ نه ابزارش را داشتند. ابزار که هیچ نداشتند؛ یعنی هر چند نفرشان یک شتر؛ هر چند نفرشان یک شمشیر، یک بندی از لیف خرما درست کرده بودند، شمشیر را با آن بند بسته بودند اینجا! لکن روح، روح الهی بزرگ بود. آن روحی بود که وقتی نیزه را - آن در یک جنگی بود - آن مخالف گذاشت به شکم آن و فشار داد؛ این دید که خواهد مرد، با این فشار داد خودش را از توی نیزه، یک نیزه توی شکمش رساند؛ خودش را، او را هم کشت، خودش هم مرد! یک همچو روحیه، یک همچو روحی، یا مثلاً به قلعه‌های بزرگ وقتی که می‌رسیدند، کشته می‌دادند برای بالا رفتن، نیزه‌ها را زیر یک سپر می‌گذاشتند، سپر رویش، یکی رویش می‌نشست می‌رفت بالا؛ اگر کشته هم می‌شد - که می‌شد - تا در را باز می‌کرد [ند]. این روحیه، یک روحیه‌ای است که روحیه الهی است. (۱۲۹)

۵۸/۶/۱۳

\* \* \*

روزی که پیغمبر اکرم هجرت کردند به مدینه، این روز **یوم الله** است. روزی که مکه را فتح کردند **یوم الله** است. یوم قدرت نمایی خداست که یک یتیم را که همه رَفَضَش کرده بودند، نمی‌توانست زندگی بکند تو وطن خودش، تو خانه خودش، بعد از چندی فتح مکه به دست او شد؛ و آن قُلُدْرها و آن ثروتمندها و آن قدرتمندها همه در تحت سیطره او واقع شد، و فرمود: **أَنْتُمْ الْبَطْلَاءُ** دیگر آزادتان کردم، بروید؛ این **یوم الله** است. یوم خوارج، روزی که امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - شمشیر را کشید و این فاسدها را، این

روحیه قوی،  
فداکاری و  
شهادت طلبی

یوم الله، روز  
فداکاری



غده‌های سرطانی را درو کرد، این هم یوم‌الله بود. این مقدسهایی که پینه‌بسته بود پیشانی‌شان، لکن خدا را نمی‌شناختند، همینها بودند که کشتند امیرالمؤمنین را! قیام کردند در مقابل امیرالمؤمنین - سلام‌الله علیه - از لشکر خودش بودند، قیام کردند در مقابل او. برای خاطر آن قضایایی که در صفین واقع شد و امام - علیه‌السلام - دید که اگر اینها باقی باشند فاسد می‌کنند ملت را، تمامشان را کشت، الا بعضی که فرار کردند؛ این یوم‌الله بود. روزهایی که خدای تبارک و تعالی برای تنبیه ملتها یک چیزهایی را وارد می‌کند، یک زلزله‌ای وارد می‌کند، یک سیلی وارد می‌کند، یک طوفانی وارد می‌کند، که شلاق بزند به این مردم که آدم بشوید، اینها هم یوم‌الله است. چیزهایی است که به خدامربوط است. (۱۳۰)

۵۸/۶/۱۷

\* \* \*

دو شرط در پیش بردن هست. یک شرط این است که برای خدا باشد. اگر یک قیامی برای خدا باشد خدای تبارک و تعالی کمک می‌کند. از کمی جمعیت نترسید. ولی بحمدالله جمعیتها تان زیاد است. در صدر اسلام یک جمعیت سی هزاری به دو تا امپراتوری که به همهٔ جهازهای سلاحی مجهز بودند و یکیشان هفتصد هزار نفر یا هشتصد هزار نفر نظامی مجهز به جنگ آورده بود. اینها با سی هزار نفر غلبه کردند. یکی از سردارهای اسلام آن وقت گفت که شصت هزار نفر جلو آمدند، پیشاهنگند از دشمن. و دنبال آنها هم هشتصد یا هفتصد هزار نفر [سرباز] دشمن هست. ما اگر یک ضربه‌ای به اینها نزیم اینها جری می‌شوند. این سردار گفت که سی نفر همراه من بیاید، شب می‌رویم و به این شصت هزار نفر شبیخون می‌زنیم، سی عدد. تمام لشکرشان سی هزار نفر بود. گفتند که آخر سی نفر با شصت هزار نفر. هر آدمی مقابل دو هزار نفر نمی‌شود. بالاخره

روح فداکاری  
سربازان صدر  
اسلام

راضی‌اش کردند این را که شصت نفر بروند؛ هر آدمی مقابل هزار نفر. شب، شبیخون زدند و تار و مارشان کردند. شکستشان دادند؛ شکستی که بعد منتهی شد به اینکه آن لشکر بعد را هم اینها شکست دادند. چه بود که شصت نفر آدم، شصت هزار نفر آدم را؛ شصت نفر آدمی که مجهز به آن جهازها نبودند، با شصت هزار نفر آدمی که با آن جهازها بودند شکست دادند. برای این بود که اینها یافته بودند این مطلب را که ما اگر کشته هم بشویم به سعادت می‌رسیم. با این روحیه قوی، که ما بکشیم سعادت‌مندیم، کشته بشویم هم سعادت‌مندیم، با یک همچو روحیه‌ای پیش رفتند و شکست دادند. در عین حالی که لشکر اسلام در آن وقت یک لشکر بسیار ضعیفی از حیث قوای مادی [بودند]، و تجهیزات جنگی نداشتند. هر چند نفرشان گاهی یک شمشیر، یک شتر، اسب کم و گاهی وقتها یک روز، یک شبانه روز را با یک خرما یک نفر آدم زندگی می‌کرد. و، در یک نقلی هست که، در یک جنگی یک خرما را این می‌گذاشت دهن خودش، یک قدری شیرینی‌اش را درک می‌کرد، می‌داد به رفیقش. او می‌گذاشت [به] آن می‌داد. [به] آن می‌داد تا آخر. اما روحیه قوی بود. قدرت روحی [فوق‌العاده بود] آن قدرت است که انسان را پیروز می‌کند. هر چه تجهیزاتشان زیاد باشد و هر چی عیش و نوش داشته باشند، روحیه‌شان ضعیف است. (۱۳۱)

۵۸/۹/۲۹

\* \* \*

جوانمردی ارتش و سایر قوای مسلحه - مثل سپاه پاسداران و دیگران - ما را به یاد جوانمردیهای صدر اسلام انداخت. در صدر اسلام با اینکه قوای دشمن با قوای اسلام قابل مقایسه نبودند، در جنگ روم، هفتصد یا هشتصد هزار آنها بودند و سی هزار هم لشکر اسلام، و آن طلیعه لشکر

جوانمردی قوای  
مسلح مثل صدر  
اسلام

- که پیشروها هستند - شصت هزار نفر بودند، دو مقابل تمام لشکر اسلام، خالد بن ولید - که یکی از سردارهای اسلام بود - گفت: ما باید یک ضربه‌ای به اینها بزنیم تا اینکه روحیه‌شان را از دست بدهند - حالا به این تعبیر که من می‌گویم - و ما سی نفر می‌رویم با این طلعه که شصت هزار نفرند، سی نفرمان می‌رویم با آنها جنگ می‌کنیم. بالاخره عده‌ای قبول نمی‌کردند. بالاخره بنا شد شصت نفرشان بروند و جنگ کنند، شبیخون بزنند. شصت نفر رفتند و شب شبیخون زدند، و آن شصت هزار نفر را تار و مار کردند، از بین بردند. (۱۳۲)

۵۹/۷/۴

\* \* \*

شماها همان سربازهای صدر اسلام هستید. همانها که با مشرکین مقابل بودند، و با آنهايي که می‌خواستند اسلام تحقق پیدا نکند [و] توطئه می‌کردند [مقابل می‌کردند] امثال ابوسفیان و دوستان ابوسفیان. آنها هم می‌خواستند که پیغمبر اسلام موفق نشود به اینکه اسلام را در جزیره‌العرب تحقق بدهد. تمام همشان این بود که اسلام تحقق پیدا نکند. برای اینکه، اسلام را با همه منافع خودشان مخالف می‌دیدند. اینطور می‌دیدند که اگر پیغمبر اسلام غلبه کند، آنها دیگر آن ظلمها را، آن غارتگریها را نمی‌توانند بکنند. از این جهت، مجهز شدند و همه قشرها را تجهیز کردند بر ضد رسول خدا، و بحمدالله موفق نشدند. و امروز همان معنی است. همان معنایی که در صدر اسلام بود و مواجهه اسلام بود با کفر. و پیغمبر اکرم تجهیزاتی نداشتند. اینها عددشان کم، تجهیزاتشان کم و آن طرف دارای ثروتهای زیاد، تجهیزات زیاد. مع ذلك چون خدا می‌خواست، چون اتکالشان به خدا بود، از این جهت غلبه کردند. افراد کم بر افراد زیاد غلبه کردند. و افرادی که هیچ تجهیزاتی

مواجهه اسلام با  
کفر

صحیحی نداشتند، بر افرادی که قشرهای مختلفی که از اطراف جزیره العرب جمع شده بودند که نگذارند اسلام محقق بشود، افراد کم و تجهیزات کم، بر افراد زیاد و تجهیزات زیاد غلبه کردند. برای اینکه، اتکالشان به خدا بود. یک نفر از اینهایی که با اراده تابع اراده خدا می رفت، عده ای از آنها را از بین می برد. (۱۳۳)

۵۸/۹/۳۰

\* \* \*

در صدر اسلام در رکاب رسول الله و امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - عده کثیری از فرزندان اسلام از دست رفتند، لکن اسلام را حفظ کردند. (۱۳۴)

۵۸/۱۰/۱۱

فدای اسلام شدن  
فرزندان اسلام

\* \* \*

## عقیده و ایمان

پیغمبر اکرم که ایمان به قدرت مطلق خدای تبارک و تعالی داشت، در صورتی که عددشان کم بود و چیزی نبود و فقیر هم بودند، از همین فقیرهای بیچاره بودند، لکن قدرت ایمان داشتند و قیام کردند و قدرتها را یکی بعد از دیگری شکستند و همه را دعوت به توحید کردند، توحید را در جامعه رشد دادند، و در یک زمان کمی، مسلمینی که در جنگ وقتی که می رفتند چند نفرشان یک شتر داشتند، در یک جنگ - مثلاً - مهمی شاید ده تا اسب داشتند، نداشتند چیزی، ده تا شمشیر داشتند، چند نفرشان یک شتر داشتند، معذک چون قوت ایمان داشتند دو تا امپراتوری را در یک ظرف کمی، یک امپراتوری روم را که آن وقت مهم بود، یکی هم ایران که مهم بودند - این دو تا امپراتوری آن وقت در دنیا

شکست قدرتها در  
برابر قدرت ایمان

مقدم بر همه بودند - آنها را شکستند و غلبه بر آنها کردند و اسلام را بردند تا روم و تا - عرض بکنم که - اروپا هم رساندند. عمده همان روح ایمان است که بر انسان باید چه باشد. (۱۳۵)

۵۷/۸/۲۸

\* \* \*

ماها باید خودمان را بسازیم یعنی توجه کنیم به اینکه بزرگهای ما - پیشواهای ما - چه کرده‌اند، برای اسلام چه کرده‌اند، برای مسلمین چه کرده‌اند، چه می‌خواستند بکنند. پیغمبر اکرم که سیزده سال در مکه رنج کشید، حبس بود، زجر کشید، توهین شد، هزار جور بساط بود، در آنجا صبر کرد؛ صبر کرد و دعوت کرد اشخاصی را. بعد هم که ملاحظه فرمود که نمی‌شود در اینجا کار را پیش برد، هجرت کردند به مدینه. در آنجا خوب، اشخاصی به آنها مُنْضَم شدند. ده سال هم که در آنجا بودند تمام همشان در این بود که با این قلدرها جنگ بکنند و اینهایی که ظالم بودند، اینهایی که می‌خواستند مردم را بخورند، اینهایی که منافع ملتها را می‌خواستند بخورند. با اینها جنگ کرد تا اینها را آن مقداری که شد ساقط کرد؛ ولی صبر می‌کرد. این مسلمین که در آن وقت جنگ می‌کردند، جنگهایشان جنگهایی بود که وقتی انسان تاریخ را می‌بیند تعجب می‌کند که چطور اینها با این عدد کم اینطور شهامت داشتند... پیغمبر در بعضی جنگها شکست می‌خورد؛ شکست خورد در بعضی جنگها. حضرت امیر در جنگ با معاویه شکست خورد؛ حضرت سیدالشهداء را کشتند؛ اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود؛ از این جهت، از این جهت هیچ شکستی در کار نبود. اطاعت کرد، تمام شد؛ با اینکه خوب شکست هم داد همه را - همه سلطنت معاویه و اینها را - به هم زد همه اوضاع را؛ تا حالا هم الآن

جنگ با زحمت  
برای اطاعت خدا

هست. (۱۳۶)

۵۷/۹/۱۱

\* \* \*

من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که ماها را بیدار کند و ما را به صورت صدر اول اسلام درآورد و ملت‌های ما را مثل ملت صدر اول اسلام کند که خالص ایمان بود و خالص قدرت ایمانی بود و قدرت اسلامی بود؛ که غلبه کردند یک جمعیت چند هزار نفری بر یک امپراتوری که بیشتر از تمام جمعیت این مسلمینی که می‌خواستند جنگ بروند [بود]. دو مقابلی این جمعیت پیشقدم‌هایشان بودند، و در عقب ... زاید بر این داشتند! این پیشقدم‌هایشان دو مقابلی تمام جمعیت اسلام بود و مع‌ذلک اینها بر آنها غلبه کردند! و این نبود جز اینکه ایمان بود که غلبه پیدا می‌کرد. و در ایران هم این معنا پیدا شد. (۱۳۷)

ایمان عامل غلبه بر  
امپراتوری

۵۸/۱/۱۷

\* \* \*

ارتش اسلام در صدر اسلام، با آنکه ارتشی ضعیف بود به حسب ساز و برگ، شاید هر چند نفر یک شمشیر داشتند، هر چند نفر یک اسب داشتند لکن چون قوت ایمان داشتند، در ظرف کمتر از نیم قرن بر تمام قدرتهایی که در آن وقت بود غلبه کردند؛ تمام قدرتها را خاضع کردند. (۱۳۸)

قدرت ایمان  
شاخصه ارتش  
اسلام

۵۸/۱/۲۲

\* \* \*

رمز پیروزی لشکر اسلام در صدر اسلام - با آنکه هیچ ابزار جنگی می‌شد

بگویی نداشتند - قیام لله بود. نهضت برای خدا، ایمان به خدا، پیروز کرد پیغمبر اکرم را. مأیوس نشدن و استقامت کردن در راه خدا، پیروزی را نصیب پیغمبر کرد. اصحاب رسول اکرم در صدر اسلام قدرت ایمان داشتند، و با قدرت ایمان به پیش رفتند؛ به طوری که با جمعیت بسیار کم و با نداشتن ابزار جنگ، بر دو امپراتوری بزرگ آن روز دنیا - روم و ایران - غلبه کردند. نهضت کردند، و برای خدا نهضت کردند، و استقامت کردند. (۱۳۹)

ایمان به خدا رمز  
پیروزی ارتش  
اسلام

۵۸/۲/۲۱

\* \* \*

در جنگ روم طلیعه جنگجویان روم شصت هزار بودند، و تمام جمعیت مسلمین سی هزار نفر بودند، و پشت سر آن طلیعه هفتصد هزار نفر رومی بودند. یکی از سرداران اسلام گفت سی نفر با من بیاید تا من شب بروم و با این شصت هزار جمعیت جنگ کنم؛ بعد از اینکه اصرار کردند به او - به حسب تاریخ - شصت نفر رفتند. شصت نفر مسلم با شصت هزار نفر جنگجوی رومی که تادندان مسلح بودند، رفتند و شکست دادند آنها را! و هفتصد هزار نفر جمعیت رومی دنبال آن شکست خورد و رفت. ایمان بود. قدرت ایمان بود که این کار را کرد. و شما دیدید که قدرت ایمان هم در ایران همین کار را کرد. (۱۴۰)

قدرت ایمان  
رزمندگان عامل  
شکست دشمن

۵۸/۳/۲۵

\* \* \*

عقیده و ایمان است که در صدر اسلام هم بوده است. در آن وقت مسلمانان ده تا پانزده نفرشان یک شتر داشتند؛ لشکرهای رسول الله و لشکر مسلمین هر چند نفرشان یک شمشیر داشتند؛ آن هم یک

امداد الهی پشتیبان  
ارتش اسلام

شمشیر کهنه اما با این حال بر امپراتوری ایران و روم غلبه کردند. عدّه پیشقراول روم شصت هزار نفر و دنبال آن هفتصد [یا] هشتصدوسی هزار نفر بودند. یکی از سرداران اسلام گفت که سی نفر با من بیایند تا با این شصت هزار نفر مقابله نمایم! ولی - بر حسب تاریخ - بنا بر این شد که شصت نفر باشند که یک نفر مقابل هزار نفر برود! و بعد هم رفتند و پیروز شدند. و این به این خاطر بود که ملائکه پشت سرشان بودند، و خداوند به آنها توجه کرد. خداوند شما را موفق کند. (۱۴۱)

۵۸/۳/۳۰

\* \* \*

در صدر اسلام همین قرآن بود که مردم را تجهیز کرد، و دو امپراتوری بزرگ را با یک عدّه معدود عربی که اسلحه نداشتند هر چند تایشان یک شتر داشتند. هر چند تایشان یک شمشیر. آن هم آن شمشیرهای آن وقت. در مقابل یک قدرتهایی که در آن وقت روم داشت؛ و آن قدرتهایی که در آن وقت ایران داشت ... اصحاب حضرت هم یک دسته‌شان، که اصحاب صُفّه بودند، آنهایی بودند که منزل هم نداشتند می‌آمدند روی یک سگویی در آنجا می‌خوابیدند. و زندگیشان همین بود. اینها را برداشت برد و آنها را از بین برد. این فقرا را، این مستضعفین را، اینهایی که درجه سه بودند و حتی خانه نداشتند، حتی در جنگ یکیشان یک خرما وقتی پیدا می‌کرد دهن خودش می‌گذاشت و در می‌آورد به دهن رفیقش می‌گذاشت و او در می‌آورد و به دهن رفیقش و او، یک خرما را اینطوری دور می‌زدند، اینها بودند که پیغمبر تجهیز کرد [در] جنگهای با قریش. آنها با همه بساطی که داشتند و اینها با همه فقر و فلاکتی که داشتند، لکن ایمان داشتند. (۱۴۲)

ایمان قرآنی  
غلبه‌دهنده بر  
ابرقدرتها

۵۸/۴/۱۴



آن هم که در صدر اول است و بالاتر از همه به حسب نظامش هست با سایرین در یک طبقه نشسته‌اند؛ با هم دوست‌اند، رفیق‌اند، صحبت می‌کنند و تفاهم دارند با هم. و لهذا یک لشکر و یک ارتش، آن وقتی که اسمش را هم نمی‌شد ارتش بگذارید - یک عده عرب بودند که اینها چند تا شان یک شمشیر داشتند، چند تا شان یک اسب داشتند - اینها غلبه کردند بر این دو امپراتوری بزرگ که امپراتوری روم بود و ایران - که بزرگترین امپراتوریهای آن وقت اینها بودند. این یک مثنی عرب از باب اینکه قوی بودند؛ ایمان داشتند و از ملت بودند و این طور نبود که بخواهند برای استفاده یک کاری بکنند، اینها می‌خواستند خدمت بکنند، اینها در مقابل آنها ایستادند. و از آن طرف با اینکه عدد زیاد بود و تجهیزات زیاد بود، - و عرض بکنم که - اسبها کذا و زین اسبها طلا و اینها، لکن روحیه نداشتند، اینها را در یکی از جنگها می‌بستندشان! در «ذوالسلاسل» می‌بستند اینها را که مبادا فرار کنند! با زنجیر می‌آوردند که جنگ بکنند. عربها شمشیر را کشیده بودند و ریختند همه اینها را از بین بردند. یک عدد کمی با تجهیزات ناقص؛ یعنی ناقص که اصلاً «تجهیزات» اسم آن را نمی‌شد بگذاری، یک چند تا شمشیر و چند تا اسب و یک چند تا شتر. و اینها برای اینکه روحیه اینها روحیه مادی بود و ضعیف؛ روحیه آنها روحیه معنوی بود و قوی. (۱۴۳)

غلبه روحیه معنوی  
بر امکانات مادی

۵۸/۵/۱

\* \* \*

صدر اسلام هم یک دسته از اعرابی که نه نظامی داشتند و نه پرورش نظامی شده بودند و نه ساز و برگی داشتند [و] آنها از شما، دست تھی تر بودند. هر چند تا ایشان یک شمشیری، با یک چیز، خرما بند، بندشان بود

لیفهای خرما. هر چند تایشان هم یک اسبی یا یک شتری. وضع اینطوری بود، عدد هم بسیار کم... شصت هزار جمعیت را شصت نفر مؤمن، شصت نفر که برای خدا داشت کار می‌کرد، این طلیعه را شکست دادند. اسباب این شد که این سی هزار جمعیت بر روم غلبه کرد؛ بر ایران هم که غلبه کرد. در صورتی که آنها همه چیز داشتند. آنها یراقهای اسبهایشان هم، از قراری که گفتند، طلا بوده است! لکن ایمان نداشتند؛ میانشان تهی بود؛ هر چه بود یک صورت بود؛ هر چه بود یک ساز و برگ بود؛ اما میان تهی بود. این روحیه در آنها نبود که ما اگر بکشیم هم بهشت می‌رویم؛ اگر کشته بشویم هم بهشت می‌رویم، این روحیه در آنها نبود، در اینها بود. و این روحیه غلبه کرد. (۱۴۴)

۵۸/۶/۲۶

\* \* \*

در تاریخ دیدید، که مسلمین صدر اسلام با یک عده کم اما مجتمع و با ایمان غلبه کردند، در ظرف کمتر از نیم قرن، بر تقریباً معموره آن وقت، غلبه کردند برای اینکه با هم بودند و اسلحه ایمان دست آنها بود. کی ما می‌خواهیم این اسلحه ایمان را، که کنار گذاشته شده است، به دست بگیریم، و با این قدرتها با اسلحه ایمان مقابله کنیم؟ شما دیدید که یک ملتی که عددش کم و هیچ اسلحه نداشت و هیچ ابزار جنگی نداشت و هیچ نظامیگری نداشت [ولی] ابزار ایمان داشت، با ابزار ایمان غلبه کرد بر یک قدرت شیطانی که همه قدرتها دنبال او بودند. نه همان ابرقدرتها، همه قدرتها دنبال او بودند. این قدرت ایمان بود که یک مشت مردم را که هیچ نداشتند غلبه داد. این همان قدرتی بود که در صدر اسلام با یک ابزار کم و یک عدد کم غلبه کردند بر روم با آن بساط و بر امپراتوری ایران با آن همه ابزار. آنها تهی بودند از ایمان؛ و اینها دست پر بودند در ایمان،

روحیه ایمانی  
مسلمانان عامل  
غلبه بر کفر

ایمان ابزار غلبه بر  
قدرت شیطانی

غلبه کردند. (۱۴۵)

۵۸/۸/۱۰

\* \* \*

در این جنگهایی که در اسلام؛ در صدر اسلام واقع شده است یک امور آموزنده است. خیلی امور آموزنده برای ماهاست. در یکی از افرادی که به حسب تاریخ، یک فردی که با یک فرد دیگری مقابل شده بود، آن طرف که دشمن بود و کافر بود، نیزه را زد به سینه یا شکم این مسلمان از آن طرف بیرون رفت. و او توی این نیزه دوید و او را کشت. یعنی نیزه تو شکمش بود فشار داد، و همان تو نیزه آمد اینجارسید و او را کشتش. در یک جنگ قلعه‌ای - که قلعه داشتند آنها - مسلمین بیرون قلعه بودند و آنها در داخل قلعه. می‌خواستند اینها فتح کنند آن قلعه را. راه نبود، درها بسته و دیوارها بلند. یکیشان داوطلب شد که من روی سپر می‌نشینم. سپر را نیزه‌ها را بگذارید زیرش و بلند کنید تا من برسم به دیوار. من می‌روم تو این قلعه و راه را باز می‌کنم. همین کار را کردند. رفت آن طرف و در عین حالی که اهل قلعه هم، خوب، افرادی بودند، و چه بودند، لکن این یک نفر آدم به واسطه آن قدرت ایمان که داشت جنگ کرد، و در قلعه را باز کرد. روحیه وقتی روحیه قوی باشد، اعتماد به خدا داشته باشد، وقتی یک جمعیتی اعتماد به خدا داشته باشد، این جمعیت پشتوانه‌اش خداست. و جمعیتی که پشتوانه‌اش خداست شکست ندارد. (۱۴۶)

۵۸/۹/۲۹

\* \* \*

این قوه ایمان است. یعنی یک مؤمنی که اگر بگردد، بهشت می‌رود و از اینجا بهتر است، و اگر کشته بشود، بهشت می‌رود و از اینجا بهتر است، با

شکست‌ناپذیری  
ارتش مؤمن

یک همچو حربه‌ای که حربه‌ایمان است، این دیگر ترس از این ندارد که کشته بشود. این شهادت را برای خودش یک سعادت می‌داند. آنهایی که مقابل شما هست، برای دنیا می‌زنند. آنهایی که اعتقاد به ماورای طبیعت ندارند، اعتقاد به قیامت ندارند، اعتقاد به بهشت و جهنم ندارند، آنها برای همین دنیاست. می‌خواهند دنیایشان درست بشود. خوب، کسی که می‌خواهد دنیایش درست بشود، اگر بمیرد، هیچ این نمی‌تواند بزند تا آنجایی که بمیرد. این می‌خواهد هی خودش را حفظ کند که غلبه کند و دنیایش چه باشد.

اعتقاد به معاد  
مثلاً پیروزی

اما این آدمی که برای خدا، این آدمی که برای مقصد الهی قدم برمی‌دارد و وارد میدان می‌شود، این آدم برای دنیا نیست تا اینکه لرزه‌ای در قلبش بیاید. این برای خداست. شما الآن که مهیا هستید و رفقای شما، دوستان شما و آنهایی که تربیت می‌خواهند بشوند به این تربیت اسلامی، به این تربیت نظامی، اینها این حربه‌ی اسلام که، سلاح اسلام که عبارت از ایمان است، باید به این هم مجهز بشوند. و اگر به این مجهز شدند، این، طرفشان را می‌ترساند. (۱۴۷)

۵۹/۱/۲۸

\* \* \*

سر پیشرفتی که در صدر اسلام است این است که، سربازان اسلام با تعداد کمی که داشتند در مقابل تعداد زیادی از سربازان دشمن، که یکی ایران و یکی روم بود و بسیار هم مجهز بودند، ایستادند و پیروز شدند، زیرا سلاح معنوی داشتند. یعنی اعتقادشان بر این بود که اگر ما برویم و کشته شویم، باز هم سعادت‌تمند هستیم، و اگر بکشیم هم ما سعادت‌تمندیم. (۱۴۸)

سلاح معنوی  
رمز پیروزی

۵۹/۲/۲۶

\* \* \*

ویژگیهای رزمندگان صدر اسلام / ۱۰۱

لشکر روم و ایران را عده‌ای از اهل ایمان با سلاحهای شکسته و با تجهیزات کمشان و تعداد قلیلشان شکست داده‌اند. (۱۴۹)

۵۹/۲/۲۸

\* \* \*

در صدر اسلام هم یک عده قلیل را بر عده‌های کثیر پیروز کرد، و همچو رعبی در قلبها انداخت که نتوانستند مقاومت کنند در مقابل سی هزار جمعیت عرب، که هر چند تایشان یک شمشیر داشت، و هر چند تایشان یک شتر داشت، و آنها هفتصد هزار جمعیت بودند که شصت هزارشان طلّیعه بود و غلبه کردند اینها بر آنها، چه بود؟ این جز این بود که یک دست غیبی در کار است؟! نباید بیدار بشوند آنهايي که توجه به معنویات ندارند و به این غیب ایمان نیاورده‌اند؟ نباید بیدار بشوند؟ (۱۵۰)

۵۹/۳/۱۴

\* \* \*

اسلام را اگر بشناسند و بفهمند این اسلام چی هست و یک قدری تاریخ اسلام و قضایایی که در صدر اسلام واقع شده شما ببینید در یک جنگی که واقع شده است، وقتی که یک قلعه‌ای را بسته بودند و کفار در آن نشسته بودند و خوب، آن وقت هم که وسایلی نبود که بروند بالا و بمباران کنند، باید این قلعه فتح بشود، خوب، دیوارهای بلند و کذا. یکی از سردارهای اسلام گفت که نیزه‌ها را زیر سپر بگذارید من می‌نشینم روی سپر، من را بالا کنید تا بروم به دیوار برسم، می‌روم آنجا با آنها در داخل جنگ می‌کنم، در را باز می‌کنم. یک نفر برای یک جمعیتی که یک قلعه را داشتند همین کار را کردند. این نیزه‌ها را زیر سپر گذاشتند او نشست روی سپر با این نیزه‌ها بلند کردند تا به برج رسید، به دیوار رسید. آن

پیروزی ایمان بر  
تجهیزات

امداد غیبی در  
لشکر اسلام

جانبازی به خاطر  
ایمان

شخص رفت در آنجا و جنگ کرد و در راباز کرد. این اسلام است که این کار را می‌کند، این ایمان است که این کار را می‌کند. (۱۵۱)

۵۹/۴/۲۱

\* \* \*

صدر اسلام؛ اسلحه و مهمات غلبه نکرد بر دو تا امپراتوری به آن عرض و طول، برای اینکه اسلحه نداشتند مسلمین. هر چند تایشان یک شتر داشتند، چند تایشان یک اسب، شاید در همه لشکرشان چندتا اسب بود، شمشیر کندی یا تیزی. آن طرف - چه امپراتوری ایران و چه امپراتوری روم - دارای همه چیز بودند. تمام ساز و برگهای جنگی که در آن وقت [بود] در اختیار آنها بود. مجهز به همهٔ جهازهای جنگی بودند. لکن فقط یک چیز نداشتند و آن ایمان. چون ایمان نداشتند باید در بعضی از جنگها آنها را امر می‌کردند که ببندند به هم این ارتش خودشان را که فرار نکنند. بازنجیر اینها را به هم می‌بستند - از قراری که در تاریخ هست - و می‌آوردند در جبههٔ جنگ. امروز هم برادرها، شما بدانید این را که مخالفین ما همه چیز دارند الا ایمان. و شما ایمان دارید که فوق همه چیز است و بحمدالله همه چیز هم دارید. (۱۵۲)

ایمان و وحدت رمز  
پیروزی

۵۹/۱۰/۲۲

\* \* \*

در صدر اسلام جناح مؤمنین با ساز و برگ اندک و ایمان و تعهد بسیار بر جناحهای کفر مجهز به همه نوع ساز و برگ فراوان روز و قدرتهای شیطانی پیروز گردیدند. (۱۵۳)

ایمان و تعهد  
مؤمنین عامل  
پیروزی

۶۰/۴/۱۸

\* \* \*

فرق است ما بین یک جمعیتی که در شبی که فردا برای او خطر است و می‌خواهد به لشکر کفر هجوم ببرد به مناجات خدا می‌ایستد، با آن کسانی که وقتی که می‌خواهند به جنگ بیایند اول با فشار است و بعد هم که محال آنها را می‌بینند، آلات لهو و لعب در آنجا هست. فرق است ما بین آنهايي که برای خدا قیام کرده‌اند و آنهايي که برای طاغوت. شما در راه خدا دارید جنگ می‌کنید؛ این علامت ایمان شماست و آنها در راه طاغوت دارند جنگ می‌کنند و این علامت کفر آنهاست. مادامی که این مطلب در بین شما باقی است - توجه به خدا و یاری خواستن از مبدأ قدرت - شما قدرتمند هستید.

شما را این وحدت کلمه در زیر سایه توحید و در زیر پرچم اسلام به این فتحها و پیروزیها می‌رساند. این تکبیرهایی که در شبی که برای شهادت کمر بستید می‌گویید، اینها پشتیبان شماست. جنود غیبیه همان طور که در صدر اسلام پشتیبان لشکر اسلام بود و آن لشکر کوچک اسلام بر لشکر روم با آن بساط و بر لشکر ایران آن وقت با آن بساط غلبه کرد، به واسطه آن تأییدات غیبی و ملائکه الهی بود، شما امروز همان وضعیت را دارید. برای خدا قیام کردید و مقابل مستکبرین و مقابل کفار و مطمئن باشید که جنود غیبیه با شماست و هر یک شما در مقابل چندین نفر از آنها می‌تواند عرض اندام کند. شما می‌دانید که تمام کشورها تقریباً پشتیبان صدام‌اند و به او، هم پول می‌رسانند و هم اسلحه می‌رسانند و هم نفرت می‌فرستند بسیاری شان و ما بحمدالله، نه احتیاج به پول دیگران داریم و نه احتیاجی به پرسنل دیگران داریم و نه احتیاج به تأیید دیگران. ما که اتکائمان به خداست، از کی تأیید بخواهیم؟ ما که اتکائمان به مبدأ غنی مطلق است، از کی خواستار جهات مادی بشویم؟ ما که با تکبیر این جبهه‌ها را فتح می‌کنیم، از کی بخواهیم که با ما همراهی کند؟ ما

فتح جبهه‌ها با تکبیر  
اهل ایمان

از خدا می‌خواهیم؛ ما از خدا می‌خواهیم که با آن جنود غیبیه که دارد و با آن ملائکه‌الله که هست، به ما کمک بفرماید و می‌فرماید. لکن شرط این است ما به عهد خود باقی باشیم؛ عهدی که با اسلام داریم؛ حفظ اسلام، حفظ کشور اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی. ما باید این توجه را هیچ وقت از خود بیرون نکنیم، از مغز خود بیرون نکنیم که ما بندگان خدا هستیم و در راه او و در سبیل او حرکت می‌کنیم و پیشروی می‌کنیم. اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است. (۱۵۴)

۶۰/۹/۱۱

\* \* \*

خود شمشیر - فی نفسه - چیزی نیست.

شمشیر حضرت علی بن ابی‌طالب با شمشیر ابن ملجم یک شمشیر، یک جور بودند. شاید شمشیر او تیزتر هم بود. لکن او که این شمشیر را به کار می‌برد، آن میزان است. آنکه یک ضربت را با عبادت ثقلین مساوی می‌داند و افضل، با آن ضربتی که همین موجودی [را] که یک ضربتش افضل از عبادت ثقلین است به خاک و خون می‌کشد، این میزان است؛ آن که ضربتها را وارد می‌کند میزان است. (۱۵۵)

میزان بودن نیت در  
نبرد

۶۱/۱/۱۴

\* \* \*

در صدر اسلام خدا یک قسم از چیزهایی که پیروز می‌کرد کشور اسلامی را همین بود که رعب در دل مقابلین آنها القا می‌فرمود. (۱۵۶)

رعب خداوند در  
دل دشمنان

۶۱/۲/۲۲

\* \* \*



فرق ما بین یک دولت اسلامی و یک ارتش اسلامی، با یک دولت غیر اسلامی و ارتش غیر اسلامی این است که اینها اگر چنانچه - خدای نخواستہ - شکست هم بخورند، دستشان را پیش دیگری دراز نمی‌کنند. اینها عار این را که به دیگران بگویند بیاوید و به ما کمک کنید، تحمل نمی‌کنند. اینها مسلم‌اند. اینها پیش خدا و به درگاه خدا دست دراز می‌کنند و کسی که به پیشگاه خدا دست خودش را دراز کرد، همه را پشت سر می‌گذارد. (۱۵۷)

نگ درخواست از  
غیر خدا

۶۱/۷/۱۱

\* \* \*

اینهایی که پیش می‌برند برای اینکه اینها دنبال حضرت ابراهیم - سلام الله علیه - هستند، اینها لبیک گفتند به حضرت ابراهیم - سلام الله علیه - آنها که می‌خواهند پیش ببرند چی می‌گویند؟ آنها به عفلق<sup>۱</sup> گفتند، خوب، نمی‌شود یک کسی که به عفلق لبیک می‌گوید، یا به کسی که به ابراهیم خلیل الله لبیک می‌گوید، اینها یک جور باشند. این است که آنها فراری هستند و اینها چنانچه یک وقت اقتضا بکند تا هر جایی که صلاح باشد خواهند رفت. (۱۵۸)

رزمندگان پیروان  
حضرت ابراهیم (ع)

۶۲/۶/۲۷

\* \* \*

اینان آیاندیده‌اند که در ظرف مدت کوتاهی جوانان غیور ایران در سایه معنویت اسلام از پر تگاه‌هایی که قدرت‌های نفت‌خوار و مفت‌خوار برای سقوط آنان ایجاد کرده بودند به صورتی معجزه‌آسانجات یافته، و به قله بلند ایمان و تعهد به اسلام صعود نموده‌اند؛ و باشجاعت و شهامت کم‌نظیر بر کفر

صعود به قله ایمان

۱. اشاره به حزب عراق که پایه‌گذار آن میشل عفلق بوده است.

جهانی و عفلقیان تاخته و آنان را از کشور عزیز خود بیرون رانده‌اند. (۱۵۹)

۶۲/۶/۳۱

\* \* \*

### شهادت طلبی

زمان پیغمبر هم اینطور بود. پیغمبر هم وقتی که یک حکومتی را می‌خواست کنار بزند، این کفار قریش را می‌خواست کنار بزند، خوب جنگها کرد و در یک جنگهایی موفق شد و در یک جنگهایی شکست خورد و آدم کشته شد؛ و اشخاص بزرگ مثل عموی پیغمبر<sup>۱</sup> - مثلاً کشته شد. در جنگ [صفین] «عمار یاسر» کشته شد؛ آن مرد بزرگوار. آنقدر کشته دادند. در این اصل هیچ اشکالی برای ما نیست که ما کشته می‌دهیم. (۱۶۰)

۵۷/۸/۲۷

\* \* \*

اسلام عزیزتر از آن است که ما خوف داشته باشیم که خونمان یا جوانانمان در راه او شهید شود. اسلام شهیدان زیاد داشته است. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - شهید اسلام است و برای اسلام شهادت پیدا کرد. حسین بن علی در راه اسلام شهید شد. ما باکی از شهادت نداریم، ما باکی از کشته دادن نداریم. (۱۶۱)

۵۷/۱۲/۱۰

\* \* \*

آنی که ما پیش بردیم همین بود. اینطور رو حیات بود که برای شهادت

شهادت اولیا در  
جنگها

شهادت راه انبیا و  
اولیاست

۱. حمزه سیدالشهدا عموی بزرگوار پیامبر اکرم که در جنگ احد به شهادت رسید.

داوطلب بودند یعنی از مرگ نمی ترسیدند. همان طوری که صدر اسلام هم پیشرفت مسلمین همین بود. ما بسیار اشخاص ارزنده را از دست دادیم لکن چون برای اسلام بود ان شاء الله روح همه آنها شاد است و همه آنها در سعادت و تحت لوای خدای تبارک و تعالی هستند. (۱۶۲)

۵۷/۱۲/۲۹

\* \* \*

این معنایی که در صدر اسلام هم بوده است، که اصحاب پیغمبر ... استقبال شهادت می کردند، برای شهادت از هم پیشی می گرفتند، اصحاب حضرت امیر، حضرت سیدالشهداء از شهادت استقبال می کردند، پیشی می گرفتند، این روی همین ایمان راسخ به این بوده است که شهادت یک مطلبی نیست که انسان بکلی از بین برود تا دیگر غیر از این خبری نباشد. (۱۶۳)

۵۸/۲/۲۳

\* \* \*

همان طوری که در صدر اسلام جنگجویان اسلام می گفتند ما اگر بکشیم بهشت است و اگر کشته بشویم بهشت است، شهادت را برای خودشان فوز می دانستند، در ملت ما پیدا شده؛ به دست کی؟ به دست خدا. مگر امکان دارد که یک بشری، یک انسانی، افرادی، بتوانند این کارها را بکنند. این تحول امکان ندارد. خدا کرد این کار را. مسلمانها چه وقت می خواهند که یک همچو روحیه ای پیدا بکنند که شهادت را برای خودشان فوز بدانند و بایستند مقابل اشخاص خائن و خیانتکار را سر جای خود بنشانند. (۱۶۴)

۵۸/۲/۳۰

داوطلبی برای شهادت

استقبال از شهادت

فوز دانستن شهادت

ایران متحول شده بود به یک ملت صدر اسلامی؛ یک جوانهایی مثل جوانهای صدر اسلام که شهادت را برای خودشان فوز می دانستند، می گفتند شهید هم بشویم سعادت مندیم. مسأله این بود؛ و مسأله این هست. (۱۶۵)

تحول ملت ایران به شهادت طلبی

۵۸/۳/۱۶

\* \* \*

سربازهای صدر اسلام، که می گفتند که ما جنگ می کنیم کشته بشویم هم نفع با ماست، و بکشیم هم نفع با ماست، اینها را اینجوری کرده بودند. (۱۶۶)

اعتقاد به کشتن و کشته شدن

۵۸/۴/۱۳

\* \* \*

در کشتن حضرت سیدالشهدا هیچ اشکال نبود برای اینکه مکتب را داشتند آنها از بین می بردند، و شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد، مکتب اسلام زنده شد؛ و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد ... و سیدالشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می کنند، با اسم خلافت اسلام خلافتی می کنند و ظلم می کنند و این منعکس می شود در دنیا که خلیفه رسول الله دارد این کارها را می کند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند؛ و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. پس کشتن، شهادت سیدالشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد؛ نفع داشت برای اسلام؛ اسلام را زنده کرد. (۱۶۷)

سیدالشهدا (ع)  
احیاگر اسلام

۵۸/۴/۱۳

\* \* \*

اسلام در صدر اول با یک جمعیت کمی و با یک دست خالی، که هیچ ساز و برگ جنگی نداشتند، قریب نیم قرن گذشت و معموره را فتح کردند، و چه شد که مسلمین بعدها با اینکه جمعیت‌هایشان خیلی زیاد و ساز و برگ جنگی هم دارند و از حیث ذخایر هم غنی هستند و مع‌ذلک همه چیزشان را از دست داده‌اند. این چه شد که آنها آنطور، و ما اینطور؟ علت این است که در صدر اسلام افرادی که با رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بیعت کرده‌اند و افراد کمی بوده‌اند، لکن متعهد به مسلک خودشان و معتقد به اسلام و برای آنها مطرح نبود اینکه زندگی بکنند، ولو با هر ذلت و زحمت، اینها شهادت را برای خودشان سعادت می‌دانستند، و این روحیه که در آنها بود آنها را غلبه داد بر روم و ایران، دو امپراتوری بسیار بزرگ - که آن دو امپراتوری روم و ایران هر دو قویتر از حالای این دو معموره است. و بعدها مسلمین کم‌کم آن قدرت ایمان را از دست دادند، و وارد شدند در شئون دنیا و دلبستگی به همین مادیات ... همان روحیه که در صدر اسلام بود - مسلمین دنبال شهادت می‌رفتند، جنگ می‌رفتند - این تا یک حدودی در ایران پیدا شد، به طوری که جوانهای برومندی که اول جوانیشان بود و هست، چه در آن وقت که من نجف بودم و چه حالا که ایران هستم، و چه قبل از این پیروزی و چه بعد، اینها از من می‌خواهند که دعا کنم شهید بشوند، و جداً دعا می‌خواهند، و بعضیها اظهار تأسف می‌کنند که ما نشدیم. (۱۶۸)

۵۸/۴/۱۹

\* \* \*

در صدر اسلام، سی هزار تاشان یک روم و یک ایران را به هم کوبید و - عرض می‌کنم که - فتح کرد. آنها هم برای همین بود که اسلام را سعادت

تعهد اسلامی سبب

پیروزی

شهادت برای حفظ

اسلام

می دانستند؛ چه زنده باشند چه نباشند. شهادت را برای خودشان  
زندگی ابدی می دانستند. (۱۶۹)

۵۸/۴/۲۴

\* \* \*

صدر اسلام با یک همچور و حیه ای که شهادت رامی خواستند. آنطور  
پیشرفت کردند در نیم قرن تقریباً معموره دنیا را، دنیای متمدن آن وقت را،  
فتح کردند. و الاعددشان، یک عده ای بودند حجازی و نه فنون جنگی به آن  
معنای مدرنش را که روم و ایران می دانستند، می دانستند؛ نه ابزارش را  
داشتند. ابزار که هیچ نداشتند؛ یعنی هر چند نفرشان یک شتر؛ هر چند  
نفرشان یک شمشیر، یک بندی از لیف خرما درست کرده بودند، شمشیر را  
با آن بند بسته بودند اینجا! لکن روح، روح الهی بزرگ بود. (۱۷۰)

۵۸/۶/۱۳

\* \* \*

صدر اسلام، پیغمبر اکرم شاهد شهدای بسیار بزرگ بوده است. و بعد  
ایشان هم حضرت امیر - سلام الله علیه - هم شهید شد، و هم شاهد  
شهدای بزرگ بود. بعد از او هم حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - هم  
شهید شد و هم شاهد شهدای بزرگ بود. اسلام همیشه از این فداییها  
داشته است. و قرآن کریم، که به همه ما و به همه بشر حق دارد، سزاوار  
است که ما در راه او فداکاری کنیم. (۱۷۱)

۵۸/۶/۱۵

\* \* \*

اسلام از این شهدا و بالاترین شهدا را در راه هدف تقدیم کرده است.

فتح و پیروزی با  
شهادت طلبی

فداکاری در راه  
قرآن

اسلام مثل خود رسول اکرم را و مثل امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - وائمه معصومین و علمای بزرگ در طول تاریخ را فدای این راه و هدف نموده. چه باک از اینکه این فرزندان اسلام، که شهادت برای آنها افتخار و برای ملت ما افتخار آفرین است، از دست بروند؟ اگر میزان هدف است و اگر میزان اسلام است و پیاده کردن احکام قرآن است، این هدف به جای خودش هست و هر یک از اینها که شهید بشوند، با آنکه بر ماناگوار است، لکن برای هدف مفید است. (۱۷۲)

۶۰/۷/۷

\* \* \*

قوای مسلح پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می رسیدند، رخسار مبارکش افروخته تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می گردید، و یادگار شجاعان صدر اسلام هستند که پرچم از دست هر یک از فرماندهان می افتاد دیگری پرچم را می گرفت و به رزم در راه هدف ادامه می داد. (۱۷۳)

۶۰/۷/۸

\* \* \*

اشتباهشان در همین است که خیال می کنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه کار انجام می دهد و نمی دانند که آن چیزی که کار را انجام می دهد بازوی قوی افراد است. افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله، اینهاست که پیروزی می آورد. پیروزی را شمشیر نمی آورد، پیروزی را خون می آورد. پیروزی را افراد و جمعیتهای زیاد نمی آورد، پیروزی را

تقدیم شهدای  
بزرگ

رزمندگان پیروان  
سیدالشهدا

پیروزی خون بر  
شمشیر

قدرت ایمان می آورد. مَا أَكْثَرَ الضَّحِيجِ وَأَقَلَّ الْحَجِيجِ؛<sup>۱</sup> حاجی خیلی می رود  
به مکه، لکن آن که حج الهی را به جا می آورد، آن کم است. (۱۷۴)

۶۰/۱۲/۱۸

\* \* \*



## فصل چهارم

### احکام فقهی جنگ و دفاع

- دفاع فردی
- دفاع جمعی
- شرایط دفاع
- وجوب آموزش و آمادگی دفاعی
- وجوب کفایی حضور در جبهه
- اذن والدین
- دفاع و زمین
- دفاع و دولت
- اطاعت از فرماندهان جنگ
- سربازی در زمان جنگ
- احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات جنگ
- سپر قرار دادن مردم در جنگ
- همکاری با دشمن
- پشتیبانی از جنگ
- احکام مربوط به اسرا
- احکام مربوط به غنایم جنگی
- احکام متفرقه مربوط به جنگ



## دفاع فردی

**مسئله ۱-** اشکالی نیست که انسان حق دارد محارب و مهاجم و دزد و مانند اینها را از خود و حریم و مالش هر اندازه که می‌تواند، دفع نماید. (۱۷۵)

دفع تجاوز به اندازه  
توان

\* \* \*

**مسئله ۲-** اگر دزد یا غیر دزد بر شخصی در خانه‌اش یا غیر خانه‌اش، هجوم آورد تا ظالمانه او را بکشد، بر او واجب است به هر وسیله ممکن (از خود) دفاع نماید، ولو اینکه به قتل مهاجم، منجر شود و تسلیم شدن و پذیرفتن ظالم برایش جایز نیست. (۱۷۶)

دفاع به هر وسیله  
ممکن

\* \* \*

**مسئله ۳-** اگر به متعلقین کسی از قبیل پسر یا دختر یا پدر یا برادر یا بقیه کسانی که به او تعلق دارند حتی خدمتگزار مرد و زن او، هجوم آورد که ظالمانه او را بکشد جایز بلکه واجب است از او دفاع کند ولو اینکه به کشته شدن مهاجم منجر شود. (۱۷۷)

مقابله تا حد  
کشته شدن مهاجم

\* \* \*

**مسئله ۴-** اگر به حریم او - زوجه‌اش باشد یا غیر او - هجوم برد که تجاوز نماید دفع او با هر وسیله‌ای که ممکن است واجب می‌باشد ولو به کشته شدن مهاجم منتهی شود، بلکه اگر به عرض حریم به کمتر از تجاوز، هجوم آورد، ظاهراً وظیفه همین است. (۱۷۸)

دفع مهاجم ولو به  
کشته شدن او

\* \* \*

**مسئله ۵-** اگر به مال او یا مال عیالش هجوم آورد، دفع او به هر وسیله‌ای ممکن برایش جایز است ولو اینکه به قتل مهاجم، منتهی شود. (۱۷۹)

دفاع از مال ولو به  
قتل مهاجم

\* \* \*

**مسئله ۶-** در تمام آنچه ذکر شد بنا بر احتیاط واجب است که از مرتبه پایین‌تر اقدام به دفاع کند و به مرتبه شدیدتر از آن برسد، الا سهل فالاسهل؛ پس اگر با آگاه نمودن و یک نوع خطاری، مانند احاح نمودن مثلاً، دفع می‌شود باید همان را انجام دهد، و اگر جز با داد زدن و تهدید ترس آور، دفع نمی‌شود باید همین کار را انجام داده و به آن اکتفا نماید. و اگر به جز با دست دفع نمی‌شود باید به آن اکتفا نماید. و یا با عصا دفع می‌شود به آن اکتفا نماید. و یا به شمشیر دفع می‌شود، در صورتی که دفع او، با ایجاد جراحت در او ممکن باشد باید به همان اکتفا نماید. و اگر دفع او جز با کشتن ممکن نیست به هر وسیله‌ی کشنده، (قتل او) جایز است و البته مراعات ترتیب در صورتی واجب است که ممکن باشد و فرصت داشته باشد و ترسی از غلبه مهاجم نباشد، بلکه اگر با رعایت ترتیب، ترس فوت وقت و غلبه دزد داشته باشد، (رعایت ترتیب) واجب نیست. و وسیله قرار دادن چیزی که قطعاً او را دفع می‌نماید جایز است. (۱۸۰)

دفاع و رعایت  
مراتب

\* \* \*

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۱۷

**مسئله ۷-** اگر از حدّ لازم تجاوز نکند و بر مهاجم نقص مالی یا بدنی یا قتل واقع شود، هدر می‌باشد و ضمانی بر فاعل نیست. (۱۸۱)

نقص مالی و بدنی  
بر مهاجم

\* \* \*

**مسئله ۸-** اگر از آن حدّی که به نظر خودش، و واقعاً در دفع او کافی است تجاوز کند، بنا بر احتیاط ضامن می‌باشد. (۱۸۲)

اقدام اضافه‌تر از  
حد دفاع

\* \* \*

**مسئله ۹-** اگر بی‌واسطه یا با واسطه از طرف مهاجم نقصی بر مدافع، واقع شود، (مهاجم) ضامن جرح یا قتل یا مال و مانند آن می‌باشد. (۱۸۳)

نقص عضو مدافع

\* \* \*

**مسئله ۱۰-** اگر بر او هجوم آورد که او را به قتل برساند، یا بر حریمش هجوم کند واجب است دفاع نماید ولو اینکه بداند که کشته می‌شود، چه رسد به اینکه کمتر از کشته شدن باشد، و چه رسد به اینکه گمان یا احتمال (کشته شدن را) بدهد. و اما (دفاع در رابطه با) مال واجب نمی‌باشد؛ بلکه احوط آن است که در صورت احتمال قتل - چه رسد به اینکه آن را بداند - تسلیم شود. (۱۸۴)

دفاع در برابر هجوم  
منجر به قتل

\* \* \*

**مسئله ۱۱-** اگر با فرار و مانند آن خلاصی از کشتار ممکن باشد احتیاط آن است که با فرار تخلص پیدا کند.

بنابراین اگر به حریم او هجوم آورد و به یک نحوی غیر از کشتار، خلاصی ممکن باشد، احتیاط تخلص به همان نحو است. (۱۸۵)

فرار برای دوری از  
کشتار

\* \* \*

**مسئله ۱۲-** اگر به هدف قتل او یا حریمش هجوم بیاورد مقاتله با او واجب است ولو اینکه بداند که مقاتله در دفع او فایده‌ای ندارد؛ و برای شخص، تسلیم او شدن جایز نیست چه رسد به اینکه گمان یا احتمال دفع او را بدهد. و اما در رابطه با مال واجب نیست بلکه احوط ترک آن است. (۱۸۶)

وجوب مقاتله در برابر هجوم

\* \* \*

**مسئله ۱۳-** بعد از آنکه ولو با قرآینی که موجب اطمینان باشد، محقق شد که مهاجم قصد هجوم به او را دارد، بدون اشکال برایش جایز است دفاع نماید، و آیا با گمان یا احتمالی که موجب خوف است، (دفاع) جایز است (یا نه)؟ ظاهر آن است که هرگاه بر فرض قصد او به خاطر شجاعت و قدرتی که دارد و یا به خاطر آنکه (تمام راههای دفاع بسته نیست و) به یک نحوی دفاع برایش ممکن است، ایمن از ضرر او باشد، (با صرف گمان و احتمال، دفاع) جایز نیست، و اگر ایمن از ضرر او نیست، دفاع دارای اشکال می‌باشد. (۱۸۷)

شک در قصد هجوم مهاجم

\* \* \*

**مسئله ۱۴-** اگر احراز کند که مهاجم قصد خود این شخص یا عرض یا مالش را نموده و دفاع کند و ضرری به او برساند یا جنایتی بر او وارد کند سپس معلوم شود اشتباه کرده، ضامن می‌باشد اگر چه گناهکار نیست. (۱۸۸)

اشتباه در قصد مهاجم

\* \* \*

**مسئله ۱۵-** اگر دزد یا محاربی قصد هجوم به او نماید و این شخص به خلاف آن معتقد باشد. سپس بر او حمله کند نه به خاطر دفاع بلکه برای غرض دیگری، ظاهر این است که ضامن نمی‌باشد ولو اینکه او را بکشد،

دفاع ولو به غرض دیگری

اگر چه تجزی کرده است. (۱۸۹)

\* \* \*

**مسأله ۱۶-** چنانچه دو نفر دزد یا مانند آنها بر همدیگر حمله نمایند، پس اگر یکی از آنها ابتدا هجوم آورد و دیگری مدافع باشد، شخصی که ابتدا هجوم آورده است ضامن می باشد و مدافع ضامن نیست گرچه چنان باشد که اگر او شروع نمی کرد این شروع می نمود. و اگر هر دو هجوم بیاورند ظاهر آن است که اگر هر کدام جنایتی بر طرفش وارد کند، ضامن است و اگر یکی از آنها خودداری کند و دیگری هجوم بیاورد و جنایتی بر او وارد سازد ضامن می باشد. (۱۹۰)

مهاجم، ضامن  
خسارت وارده

\* \* \*

**مسأله ۱۷-** اگر دزد و مانند او بر او هجوم آورد لیکن بداند که او به خاطر مانعی - مانند نهر یا دیوار - نمی تواند آنچه را که قصد کرده، اجرا نماید، باید از او خودداری کند و ضرر رساندن به او به صورت جراحت یا جان (و کشتن) و یا غیر آنها جایز نیست، و اگر به او ضرر برساند ضامن است. و همچنین است اگر نتوانستن مهاجم به خاطر ضعفش باشد. (۱۹۱)

ضرر رساندن به  
مهاجم

\* \* \*

**مسأله ۱۸-** اگر به او هجوم آورد و قبل از رسیدن به او پشیمان شود و اظهار ندامت کند هیچ گونه ضرر رساندن به او جایز نیست، و اگر ضرر برساند ضامن است ولی اگر بترسد که این اظهار ندامت، حیل باشد و بترسد که اگر او را مهلت دهد فرصت از دست برود، بعید نیست که جایز باشد؛ لیکن اگر مهاجم راست گفته باشد، مدافع ضامن می باشد. (۱۹۲)

اگر هجوم کننده  
پشیمان گردد

\* \* \*

**مسئله ۱۹-** اگر محارب و مانند او، رو به این شخص باشد در صورت امکان با مراعات ترتیب کما اینکه گذشت، دفاع جایز می باشد و اگر پشت به او کرده، روگردان است ضرر وارد کردن به او جایز نیست و واجب است که از او خودداری نماید؛ پس اگر به او ضرر برساند ضامن می باشد. (۱۹۳)

دفاع از روبه رو و  
پشت سر

\* \* \*

**مسئله ۲۰-** اگر پشت کردن به او به خاطر آماده کردن نیرو است در صورتی که آن را بداند یا اطمینان داشته باشد، دفع او جایز است. و اگر معلوم شود اشتباه کرده، آنچه را که ضرر رسانده است ضامن می باشد. (۱۹۴)

دفاع در نیرنگ  
مهاجم

\* \* \*

**مسئله ۲۱-** اگر گمان کند یا احتمال عقلایی بدهد که پشت کردن او به خاطر آماده کردن نیرو است، و به همین جهت بر خود یا عرضش بترسد؛ و همچنین بترسد که اگر او را مهلت دهد وقت دفاع (و فرصت) از دست برود مهاجم در صورت تجهیز نیرو، بر او غلبه می کند، ظاهر این است که - به شرط اینکه در صورت امکان ترتیب را رعایت کند - دفع او جایز است، و اگر معلوم شود اشتباه کرده است در صورتی که موجب ضمان را انجام داده باشد، ضامن می باشد. و در مورد مال، مخصوصاً در مانند جرح و قتل، احتیاط ترک آن است. (۱۹۵)

احراز هجوم مهاجم

\* \* \*

**مسئله ۲۲-** اگر دزد یا محارب را بگیرد و او را ببندد یا او را بزند و از قصدش معطلش کند، اضرار به او بازدن یا قتل یا جرح، جایز نیست و اگر چنین کرد ضامن است. (۱۹۶)

قتل و جرح دزد  
دستگیر شده



**مسئله ۲۳-** اگر دفع مهاجم برایش ممکن نباشد در مورد ترس بر جان یا عرض واجب است از دیگری کمک بخواهد ولو اینکه ظالم بلکه کافر باشد؛ و در مورد مال (کمک خواستن) جایز است. (۱۹۷)

\* \* \*

**مسئله ۲۴-** اگر بداند آن شخص ظالمی که از او جهت دفاع از خود یا عرضش کمک می‌خواهد، از حدّ لازم دفاع تجاوز می‌کند، کمک خواستن از او جایز بلکه واجب است؛ و در صورت جمع بودن شرایط، (نهی از منکر) باید او را از تعدی نهی کند. پس اگر از آن حدّ تجاوز کرد، خود ظالم ضامن می‌باشد. ولی اگر دفع مهاجم، به غیر کمک خواستن از ظالم ممکن باشد، توّسل به او جایز نیست. (۱۹۸)

\* \* \*

**مسئله ۲۵-** اگر مدافع در حالی که دزد به او رو آورده، او را بزند و عضوی از او را قطع نماید و دفاع متوقف بر آن باشد، ضمانی در آن بر او نیست و نه در سرایت آن گرچه به مرگ منتهی شود (ضامن نمی‌باشد). و اگر دزد بعد از کتک خوردن به منظور خلاص شدن و فرار پشت به او کند. واجب است که از او خودداری شود، پس اگر او را بزند و مجروح سازد یا عضوی از او را قطع نماید یا او را به قتل برساند، ضامن می‌باشد. (۱۹۹)

\* \* \*

**مسئله ۲۶-** اگر مدافع یک دست مهاجم را در وقتی که رو به او است قطع کند و دست دیگرش را در حال پشت کردن (و فرار) قطع نماید و جراحت هر دو دست بهبود پیدا کنند، در مورد دست دوم قصاص ثابت است، و اگر جراحت دست دوم خوب شود ولی جراحت دست اولی سرایت کند،

کمک‌گیری برای  
دفع مهاجم

کمک خواستن از  
ظالم در دفاع

ضمانی بر قطع  
عضو مهاجم

نقص عضو مهاجم  
در حال فرار

سرایت آن ضمان نمی‌آورد، و اگر دست اول خوب شود و دومی سرایت کند و بمیرد، قصاص در جان ثابت است. (۲۰۰)

\* \* \*

## دفاع جمعی

**مسئله ۱-** اگر دشمنی که از او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس باشد، بلاد مسلمین و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد، بر مسلمانها واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل مال و جان، دفاع نمایند. (۲۰۱)

دفاع با بذل مال و  
جان

\* \* \*

**مسئله ۲-** این دفاع مشروط به حضور امام - علیه السلام - و اذن او و اذن نایب خاص یا عام او نیست، پس بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی واجب است به هر وسیله‌ای که باشد، دفاع نمایند. (۲۰۲)

اذن در دفاع

\* \* \*

**مسئله ۳-** اگر ترس تسلط بیشتری بر بلاد مسلمین و توسعه استیلا و گرفتن بلاد آنها یا اسیر نمودن آنها باشد دفاع به هر وسیله‌ای که ممکن است واجب می‌باشد. (۲۰۳)

دفاع از بلاد  
مسلمین

\* \* \*

**مسئله ۴-** اگر بر قلمرو اسلام از استیلا سیاسی و اقتصادی که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین و موهون شدن اسلام و مسلمین و ضعیف شدن آنها می‌شود، ترس باشد، با وسیله‌های مشابه و مقاومتهای

وجوب دفاع منفی  
در برابر دشمن

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۲۳

منفی، دفاع واجب است؛ مانند نخریدن کالاهای آنان، و ترک استفاده از آن، و ترک رابطه و معامله با آنان مطلقاً. (۲۰۴)

\* \* \*

**مسئله ۵-** اگر در روابط اقتصادی و غیر آن بر قلمرو اسلام و بلاد مسلمین، ترس باشد که بیگانگان بر آن تسلط سیاسی یا غیر آن که موجب استعمار آنان یا استعمار بلادشان ولو از حیث فرهنگی می شود، پیدا کنند، بر همه مسلمین واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند، و اینگونه روابط، حرام می باشد. (۲۰۵)

\* \* \*

**مسئله ۶-** اگر روابط سیاسی دول اسلامی با بیگانگان موجب استیلای آنان بر بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد، بر رؤسای دولتها حرام است که چنین روابط و مناسباتی داشته باشند؛ و پیمانهایشان باطل است. و بر مسلمین واجب است آنها را ارشاد کنند و آنان را ولو با مقاومت منفی، و ترک اینگونه روابط ملزم نمایند. (۲۰۶)

\* \* \*

**مسئله ۷-** اگر ترس آن باشد که بیگانگان به یکی از دول اسلامی، هجوم برند بر تمام دول اسلامی واجب است به هر وسیله ممکن از آن دفاع کنند کما اینکه بر سایر مسلمین (نیز) واجب است. (۲۰۷)

\* \* \*

**مسئله ۸-** اگر یکی از دول اسلامی، پیمانی بست که با مصلحت اسلام و

وجوب قطع روابط  
با دشمن

ترس از استیلای  
سیاسی دشمن

دفاع دول اسلامی  
از هجوم بیگانگان

مسلمین مخالف است، بر سایر دول (اسلامی) واجب است که با وسایل سیاسی یا اقتصادی، مانند قطع رابطه سیاسی و بازرگانی با آن دولت کوشش کنند تا آن پیمان را به هم بزنند. و بر سایر مسلمین واجب است که با هرگونه مقاومت منفی که در امکانشان است در این کار، اهتمام بورزند، و چنین معاملاتی در شرع مقدس اسلام حرام و باطل می‌باشد. (۲۰۸)

\* \* \*

حرام بودن پیمان  
دول اسلامی با  
بیگانه

**مسئله ۹-** اگر بعضی از رؤسای دول اسلامی یا بعضی از نمایندگان دو مجلس موجب نفوذ سیاسی یا اقتصادی بیگانگان بر مملکت اسلامی گردند، به طوری که از این نفوذ بر اساس اسلام یا بر استقلال مملکت ولو در آینده ترس باشد، (این رئیس مملکت یا نماینده) خائن است. و فرضاً هم که متصدی شدن آن مقام برایش حق باشد از مقامش - هر مقامی باشد - معزول است.

و بر امت اسلامی است که ولو با مقاومت منفی مانند ترک معاشرت و ترک معامله با او و روگردان شدن از او به هر وجهی که ممکن است او را مجازات نمایند، و در اخراج او از تمام شئون سیاسی و محروم نمودن و از حقوق اجتماعی، اهتمام ورزند. (۲۰۹)

\* \* \*

ترک روابط با دول  
اسلامی حامی  
دشمن

- [راجع به پیکار اوج گیرنده و مسلحانه‌ای که در سرزمین مقدس فلسطین جریان دارد و اعمال وحشیانه صهیونیستی که بر ضد امت عربی و اسلامی به کار می‌رود نظر حضرتتان را بیان کنید تا خلق مسلمان ما در همه کشورها کلیه نیروهای مادی و معنوی خود را بسیج کرده و در این جهاد مقدس شرکت نمایند.]

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم. همان طور که قبلاً خاطر نشان کردم در اوضاع و شرایط کنونی پس از گردن نهادن به قوانین مقدسه اسلام هیچ امری واجبتر از دفاع با جان و مال در راه سربلندی اسلام نمی باشد. هنگامی که می بینید خونهای برادران و خواهران بیگناه شما در سرزمینهای مقدس فلسطین جاریست و هنگامی که مشاهده می کنید که سرزمینهای ما اشغال شده و خانه هایمان به دست صهیونیستهای تبهکار ویران گشته است در این شرایط جز ادامه جهاد راهی نیست و بر همه مسلمانان واجب است که کمکهای مادی و معنوی خود را در این پیکار مقدس بنمایند. و خداوند پشتیبان این اراده است. والله من وراء القصد» (۲۱۰)

۴۷/۷/۱۹

\* \* \*

شما جوانان تحصیل کرده در هر جاهستید وظایف خطیری دارید: وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلم است؛ وظیفه دفاع از میهن و استقلال آن که از وظایف حتمیه اسلامی است. (۲۱۱)

مرداد ۱۳۴۹

\* \* \*

دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است؛ و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. (۲۱۲)

۵۸/۱۲/۱

\* \* \*

دفاع از مملکت اسلامی، دفاع از نوامیس مسلمین از واجبات شرعیه

دفاع از فلسطین با  
کمکهای مادی و  
معنوی

دفاع از میهن،  
وظیفه ای اسلامی

دفاع، تکلیف  
شرعی

دفاع، واجب  
شرعی الهی

الهیهای است که بر همه ما واجب است. (۲۱۳)

۵۹/۶/۱۱

\* \* \*

مسأله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفایی است. و همه ما، به حسب امکاناتی که در اختیار داریم، لازم است احتیاجات جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را، که آن نیز کمک به دفاع است، برآورده نماییم. (۲۱۴)

دفاع، واجب کفایی

۶۲/۱۱/۲۲

\* \* \*

دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم. (۲۱۵)

لزوم دفاع از مسلمین

۶۶/۱۲/۹

\* \* \*

**سؤال:** آیا برای دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی اجازه امام یا مرجع تقلید لازم است یا خیر؟

اذن در دفاع

**جواب:** دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به هر نحو ممکن بر تمام مکلفین واجب است و مشروط به اجازه نیست. (۲۱۶)

\* \* \*

**سؤال:** آیا نبرد با دشمن متجاوز بر مردم همان شهر یا کشور واجب است یا بر همه مسلمین؟

دفع دشمن، واجب کفایی

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۲۷

**جواب:** دفع دشمن متجاوز بر تمام مسلمین واجب کفایی است. (۲۱۷)

\* \* \*

**سؤال:** در چه صورت حرمت ماههای حرام شکسته و مسلمین می توانند جنگ کنند؟

**جواب:** در جنگ دفاعی هر موقع که دفاع واجب باشد باید بر آن اقدام شود اگر چه در ماه حرام باشد. (۲۱۸)

\* \* \*

**سؤال:** وظیفه زنان مسلمان در امر جهاد حق علیه باطل چیست؟  
**جواب:** جهاد بر زنها واجب نیست ولی گذشت که دفاع بر هر شخصی در حدود توانایی و امکانات واجب است. (۲۱۹)

\* \* \*

**سؤال:** اگر دشمن کافر صهیونیستی، منطقه‌ای از کشور اسلامی را اشغال نظامی کند و مسلمانان ساکن آن منطقه با علم بر اینکه اگر مقاومت کنند، زیانهایی برای آنان از قبیل زندان و بازرسی خانه‌ها و امثال آنها را خواهد داشت، آیا بر آنان واجب است که به دفاع از خود قیام کنند؟ و حتی در صورتی که یقین داشته باشند که دفاعشان منجر به شهادت خواهد شد آیا بر آنان واجب است که مجاهدین اسلامی را که عملیات نظامی انجام می دهند، از جهت مادی و معنوی کمک کنند یا خیر؟

**جواب:** دفاع واجب است و بر مسلمانان لازم است آنها را کمک کنند. (۲۲۰)

\* \* \*

لزوم دفاع حتی در  
ماه حرام

دفاع بر همه واجب  
است

کمک و دفاع  
مسلمانان لازم  
است

## شرایط دفاع

**سؤال:** آیا پسری که هنوز به سن بلوغ نرسیده، می‌تواند در جبهه‌ها شرکت نماید؟ و آیا اجازه پدر و مادر شرط است؟ اجازه والدین در مورد افراد بالغ چگونه است؟

جبهه بر بالغین  
واجب است

**جواب:** مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد، رفتن به جبهه بر بالغین واجب است و رضایت والدین شرط نیست و بر غیر بالغ واجب نیست ولو با اجازه ولی شرعی اقدام نماید. (۲۲۱)

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب جوانی هفده ساله هستم و مدت ده سال است که مبتلا به مرض صرع می‌باشم، با توجه به فتوای امام که شرکت در جنگ تحمیلی واجب کفایی است، آیا شرکت اینجانب در جبهه الزامی است؟ لازم به تذکر است که پدرم مرا به خاطر این بیماری از رفتن به جبهه باز می‌دارد.

عدم الزام حضور  
بیماران در جبهه‌ها

**جواب:** اگر از جهت مرض، از شرکت در جبهه معذور هستید، الزامی ندارید. (۲۲۲)

\* \* \*

**سؤال:** وظیفه کسانی که قدرت نظامی ندارند در شرایط جنگ چیست؟  
**جواب:** می‌توانند در پشت جبهه خدماتی را که توان آن را دارند عهده‌دار شوند. (۲۲۳)

خدمت پشت جبهه  
برای ناتوانان

\* \* \*

**سؤال:** جوانی هستم ۲۲ ساله علاقه زیادی به جبهه رفتن دارم ولی پدری دارم ۸۰ سال سن دارد و ۱۲ سال است سکنه نموده و یک طرف



بدنش فلج است و نمی تواند راه برود و تمام کارهای وی با من است چون تنها اولاد پسر وی می باشم، و اگر یک روز نباشم کسی نیست کارهای وی را انجام دهد، لطفاً تکلیف اینجانب را در رفتن به جبهه یا ماندن در خانه و کمک کردن به پدر روشن فرمایید.

**جواب:** اگر از نظر مقررات رفتن به جبهه بر شما لازم نشده به پدر خود کمک کنید. (۲۲۴)

نرفتن به جبهه تابع مقررات

\* \* \*

## وجوب آموزش و آمادگی دفاعی

**سؤال:** آیا یادگیری فنون نظامی واجب است؟

**جواب:** بر همه واجب کفایی است و با اقدام عدد کافی، از دیگران ساقط می شود. (۲۲۵)

وجوب یادگیری فنون نظامی

\* \* \*

اگر یک ملت که همه جوانهایش مجهز باشند به همین جهازی علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی هم باشند، سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند، همچی نباشند که یک تفنگی دستشان آمدند ندانند با آن چه بکنندش. باید یاد بگیرد و یاد بدهد رفقایان را. جوانها را یادشان بدهید. (۲۲۶)

تجهیز جوانان

۵۸/۹/۴

\* \* \*

ملت ما باید مجهز باشند. جوانهای ما باید تدریب<sup>۱</sup> کنند، مجهز باشند؛

---

۱. تدریب: آموزش نظامی.

برای اینکه ما ممکن است در آتیه یک جنگهای طولانی تری داشته باشیم و برای اسلام باید جنگ بکنیم، برای اسلام باید فداکاری بکنیم. (۲۲۷)

آمادگی ملت

۵۹/۷/۸

\* \* \*

شما عزیزان و جوانان بزرگواری باید بدانید که حفظ و حراست اسلام و کشور اسلامی و دین حق از بزرگترین طاعاتی است که از صدر عالم تاکنون انبیای معظم و اولیای بزرگ - صلوات الله علیهم اجمعین - در راه آن کوشش جانفرسا نموده و از هیچ فداکاری دریغ ننموده‌اند و تربیت و تعلیم و تعلم فنون نظامی در راه این هدف ارزنده‌ترین ارزشهاست، و تا شما جوانان بیدار و سایر قشرهای ملت بزرگ با این شور و شعور در صحنه حاضرید به کشور و جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد رسید. (۲۲۸)

تعلیم فنون نظامی  
بالاترین ارزش

۶۰/۹/۴

\* \* \*

اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه اینکه ترتیب نظامی بودن، یادگرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهایی که ممکن است. اینطور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم، باید بدانیم چه جور دفاع می‌کنیم. (۲۲۹)

وجوب مقدمات  
دفاع

۶۴/۱۲/۱۱

\* \* \*

ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - و مخالف با

احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۳۱

استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چراکه در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. (۲۳۰)

بسیجی شدن ملت

۶۷/۹/۲

\* \* \*

### وجوب کفایی حضور در جبهه

اشخاص اگر چنانچه، یک وقت احتیاج به آنها شد باز بروند به جبهه‌ها؛ اگر احتیاج باشد واجب است بروند، اگر احتیاج نباشد، نه، لازم نیست. گاهی وقتها هم آنها می‌گویند نباید بیایند و کمک کنند. (۲۳۱)

لزوم حضور در  
جبهه

۶۱/۱۱/۴

\* \* \*

وقتی اعراض و نفوس مسلمین در معرض خطر است، برای همه ما واجب است که اگر به اندازه کافی ندارند آنها جمعیت، پاشیم برویم؛ آن که می‌تواند باید پا بشود برود. برای همه واجب است. (۲۳۲)

وجوب کفایی  
حضور در جبهه‌ها

۶۱/۱۱/۱۰

\* \* \*

سؤال: با توجه به نیاز مبرم جبهه‌ها به طلاب علوم دینی عزیمت ایشان به جبهه یا ادامه درس کدامیک ارجحیت دارد؟  
جواب: رفع نیازمندیهای جبهه در حال حاضر مقدم است. (۲۳۳)

ارجحیت حضور  
در جبهه‌ها

\* \* \*

**سؤال:** در چه صورت شرکت در جبهه اسلام بر همگان واجب است؟  
**جواب:** در موقعی که اسلام یا بلد اسلامی مورد هجوم واقع شود و به قدر کفایت نیروی مدافع در جبهه حاضر نشده باشد. (۲۳۴)

حضور در جبهه‌ها  
واجب کفایتی

\* \* \*

**سؤال:** اگر انسان شک کند که مجاهدین حق به حد کافی هستند یا نه، آیا شرکت در جبهه بر او واجب است یا نه؟  
**جواب:** تا اطمینان به وجود نیروی کافی در جبهه حاصل نشود شرکت واجب است. (۲۳۵)

اطمینان از کفایت  
نیرو در جبهه

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب در کارگاهی مشغول فعالیت‌های صنعتی هستم و هدفم ابتکار و کمک به صنایع کشور است و قبلاً هم طرحی در زمینه استفاده از انرژی خورشیدی هم داشته‌ام که فعلاً ناتمام مانده، آیا مصلحت اقتضا می‌کند که کارم را رها کرده و به جبهه‌ها بروم؟  
**جواب:** تا وقتی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد، شرکت در جبهه واجب است. (۲۳۶)

رفع نیاز جبهه اولی  
است

\* \* \*

**سؤال:** من در دادگاه ویژه اراضی کار می‌کنم و خیلی مشتاقم که به جبهه بروم ولی از طرف دادگاه انقلاب از من جلوگیری می‌شود البته به خاطر حساس بودن کار و اینکه شخص وارد دیگری نیست، وظیفه‌ام چیست؟ حرف آنها را قبول کنم و بمانم یا به جبهه بروم، به نظر آن حضرت اولویت با کدام است؟

عدم حضور در  
جبهه تابع مقررات

**جواب:** اگر از نظر مقررات، رفتن به جبهه بر شما لازم نشده وظیفه

استخدام را انجام بدهید. (۲۳۷)

\* \* \*

**سؤال:** طلبه‌ای هستم که در جبهه به سر می‌برم، آیا واجب است که بمانم در حالی که ایام درسی شروع شده و اغلب محصلین به مدرسه‌ها برمی‌گردند؟

عمل بر طبق  
مقررات جبهه

**جواب:** با فرض اینکه در جبهه هستید باید طبق مقررات جبهه عمل کنید. (۲۳۸)

\* \* \*

**سؤال:** طبق فرمان وجوب کفایی نسبت به شتاب جوانان به جبهه جنگ، آیا تحصیل علوم دینی ارجح است یا قتال با کفار در جبهه؟ در صورت ارجحیت رفتن به جبهه آیا اذیت پدر و مادر جایز است یا نه؟  
**جواب:** مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیروی مادی یا معنوی دارد و از جانب مسئولین اعلان کفایت نشده شرکت در جبهه دفاع، واجب و مقدم است و رضایت والدین شرط نیست و طلاب محترم علوم دینی باید در صورت توانایی نیاز معنوی و ارشادی جبهه‌ها را رفع نمایند. (۲۳۹)

لزوم رفع کفایت  
نیرو در جبهه

\* \* \*

**سؤال:** نحن من لبنان، هاجرنا الى طلب العلم في مدينة قم المقدسه و قد شرفنا الله بتقليدكم و الرجوع اليكم، فهل الوجوب الكفائي بالذهاب الى جبهة الحرب في ايران ضدّ البعث الكافر، يشملنا ام لا؟  
**جواب:** مادامت الجبهات بحاجة الى المدافعين عن الاسلام و اهله و بلادهم يجب الحضور فيها على من يقدر على القيام بهذا الواجب الدّيني

وجوب حضور در  
جبهه تا حد کفایت

من غیر فرق فی ذلک بین مسلم و مسلم.\* (۲۴۰)

\* \* \*

**سؤال:** برای کسانی که به تحصیل علوم اسلامی یا علوم جدید اشتغال دارند یا به انجام وظایف دیگر برای خدمت به جمهوری اسلامی مشغولند آیا رفتن به جبهه جنگ مقدم است یا آنکه به کار خود ادامه دهند لطفاً وظیفه شرعی را بیان نمایید.

وجوب رفتن به  
جبهه با تشخیص

مسئولان

**جواب:** در حال حاضر تمام افرادی که قدرت دارند به جبهه بروند باید به مقامات مسئول مراجعه نمایند و چنانچه تشخیص دادند که جبهه به آنها نیاز دارد واجب است به جبهه بروند و بر هر کار دیگری مقدم است. (۲۴۱)

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب کارمند یکی از ادارات شیراز دارای همسری هستم که در حال حاضر حامله می‌باشد و به دنبال پیام مهم جنابعالی در مورد عملیات رمضان، همسرم را راضی نمودم که به جبهه اعزام شوم و پس از گذشت سه روز همسرم اعلام نارضایتی نموده و اعلام می‌دارد که اگر به جبهه بروی بکلی دست از خوردن و آشامیدن کشیده و خوراکم را گریه خواهم کرد و حال اینکه دکتر هم گفته است که باید خود را تقویت کند. چون اینجانب مقلد جنابعالی هستم می‌خواستم کسب تکلیف نمایم

اجازه همسر برای  
جبهه

---

\* سؤال: ما از لبنان برای تحصیل علم به شهر مقدس قم آمده‌ایم و خداوند ما را به تقلید از شما و رجوع به شما مشرف نمود، آیا حکم وجوب کفایی رفتن به جبهه‌های جنگ در ایران بر علیه حزب بعث کافر، شامل ما می‌شود یا خیر؟  
جواب: تا مادامی که جبهه‌ها، برای دفاع از اسلام و مسلمین و مملکت آنها نیاز به نیرو دارد، به اندازه‌ی توان، قیام به این واجب دینی و حضور در جبهه‌ها واجب است، و در این امر فرقی بین مسلمانی با مسلمان دیگر نیست.

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۳۵

که می‌توانم بدون رضایت همسرم به جبهه جنگ حق علیه باطل اعزام شوم؟ و خودم بیش از اندازه مایل هستم که به جبهه بروم.

**جواب:** بستگی به نیاز جبهه دارد، و در صورت نیاز باید به مراکز اعزام نیرو مراجعه نمایید و رضایت همسر معتبر نیست. (۲۴۲)

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب پدر یک شهید و دارای همسر و سه پسر زیر پانزده سال می‌باشم و مخارج زندگی خانواده‌ام را از طریق مغازه‌ای که دارم تأمین می‌کنم؛ از آنجایی که حاضر نشدم اسلحه فرزند شهیدم بر زمین بماند، در بسیج سپاه پاسداران جهت اعزام به جبهه نام‌نویسی کرده‌ام، ولی بعضی از بزرگان می‌گویند: «تو با این وضع نباید به جبهه بروی و خانواده خود را بدون سرپرست بگذاری» ضمناً از نظر نیروی بدنی به طور کامل سلامت نبوده و ناراحتی قلبی دارم. تقاضایم این است که تکلیف شرعی مرا مرقوم فرمایید!

**جواب:** بستگی به نیاز جبهه‌ها دارد و تشخیص آن با مسئولین است. (۲۴۳)

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب کارگر معدن هستم که مایلم به جبهه جنگ حق علیه باطل بروم، اما موانعی از این قبیل بر سر راهم هست: پدر و مادرم به غیر از من فرزند دیگری ندارند و هر کدام حدود شصت سال سن دارند و خودم پنج فرزند خردسال دارم که بزرگترین آنها هفت ساله و کوچکترین آنها یکساله است که من این هشت نفر را باید از راه کارگری نان بدهم. لازم شد که از آن رهبر عزیز سؤال کنم که آیا با این شرایط می‌توانم به جبهه بروم یا خیر؟

**جواب:** مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد، شرکت در جبهه دفاع واجب

تشخیص مسئولین  
برای حضور در  
جبهه

اولویت در نیاز  
جبهه‌ها

است. (۲۴۴)

\* \* \*

**سؤال:** آیا وجوب دفاع از عهده افرادی که یک بار مدت سه ماه یا پنج ماه شرکت کرده و مراجعت کرده‌اند ساقط می‌شود یا نه؟  
**جواب:** ساقط نیست و در صورت نیاز جبهه‌ها بر همه لازم است بروند و تشخیص آن با مسئولین مربوطه است و وجوب به نحو واجب کفایی است. (۲۴۵)

حضور در جبهه  
واجب کفایی

\* \* \*

**سؤال:** در چه صورتی شرکت در جهاد بر زیارت بیت‌الله مقدم است؟  
**جواب:** در مواقعی که اسلام یا بلاد مسلمین در معرض خطر هجوم دشمنان اسلام قرار گیرد و دفاع از آن متوقف بر تأخیر زیارت بیت‌الله الحرام باشد. (۲۴۶)

وجوب دفاع از بلاد  
مسلمین

\* \* \*

## اذن والدین

**سؤال:** آیا داوطلب شدن جهت اعزام به ارسال جبهه‌ها موکول به اذن پدر یا مادر یا هر دوی آنها هست یا خیر؟  
**جواب:** اگر رفتن شما به جبهه متعین نشده رضایت والدین را تحصیل نمایند. (۲۴۷)

رضایت والدین  
برای حضور در  
جبهه‌ها

\* \* \*

**سؤال:** اساساً در این موقعیتی که برای بازپس گرفتن شهرها از دست



متجاوزان، نیروی انسانی زیادی لازم است به طوری که هر کس برای ثبت نام برود او را اعزام می‌کنند آیا اذن پدر و مادر شرط است؟  
**جواب:** اذن شرط نیست ولی اگر اذیت می‌شوند تحصیل رضایت آنها را بکنند. (۲۴۸)

اعزام به جبهه و اذن والدین

\* \* \*

**سؤال:** در شرایط حاضر رضایت والدین برای رفتن به جبهه لازم است یا خیر؟  
**جواب:** تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد رفتن به جبهه واجب است و اجازه والدین شرط نیست. (۲۴۹)

لزوم و وجوب حضور در جبهه‌ها

\* \* \*

**سؤال:** اگر کسی از والدین خود برای جبهه اذن بخواهد، و آنان در جواب چنین بگویند: اگر به ما باشد رضایت نمی‌دهیم ولی اگر می‌خواهی بروی برو، آیا این اذن کافی است یا نه؟  
**جواب:** اگر اذیت نمی‌شوند اشکال ندارد. (۲۵۰)

عدم اذیت والدین

\* \* \*

**سؤال:** اگر شخصی پدر و مادری دارد که آنها از آغاز با این انقلاب و موضعگیریهای آن در قبال هر موضوع مخالف بوده و یکسره غیبت سران مملکت اسلامی را می‌کنند و به ایشان افترا می‌بندند و هر حرکت حزب الله را محکوم به خیانت می‌کنند، و اسلام را بدون روحانیت می‌خواهند و نیز آن جوان را از همکاری با بسیج و سپاه پاسداران یا به جبهه رفتن منع می‌کنند و حتی آن اسلام به اصطلاح صحیح خودشان را نیز انجام نمی‌دهند، مثلاً پدر ریش خود را با تیغ می‌تراشد، اما ظاهراً

به فرزند خود علاقه مندند و آن هم در صورتی است که مطابق میل ایشان رفتار نمایند با تمام این صفاتی که این مادر و پدر دارند تکلیف شرعی این فرزند در قبال اطاعت یا غیر آن در مورد والدین خودش چیست؟ آیا جایز است که در خانه بماند یا بدون اجازه ایشان به جبهه رفته و احیاناً شهید شد آیا این شهادت مقبول می باشد یا خیر؟ خواهشمند است مرا در این مسأله راهنمایی نمایید مسألت مرا اجابت بفرمایید.

**جواب:** رضایت ایشان در کارهای فرزند اعتبار ندارد ولی فرزند کاری که موجب اذیت والدین است انجام ندهد، و در هر صورت شهید می باشند. (۲۵۱)

پرهیز از اذیت  
والدین

\* \* \*

**سؤال:** هل ان الذی یرید الجهاد فی سبیل الله او الدفاع عن دیار الاسلام مع الکفایة یرجب علیه ان یرتأذن والدیه ولو مع بعدهم وعدم علمهم؟ و علی فرض ان الشرع لایجوز الذهاب من دون اذنهم، فهل سماحتکم تعطون الاذن فی الذهاب فیحق لنا الذهاب الی الجبهات؟

**جواب:** الدفاع عن الاسلام والمسلمین و بلادهم واجب کفائی و لایجب فی مثله الاستیذان من الابوین. \* (۲۵۲)

دفاع از اسلام اذن  
نمی خواهد

\* \* \*

**سؤال:** دانش آموز سال سوم راهنمایی هستیم؛ برای شرکت در مبارزه

---

\* سؤال: آیا کسی که می خواهد جهاد فی سبیل الله و دفاع از دیار اسلام نماید با توجه به کفایی بودن آن، واجب است که از والدین کسب اجازه کند با وجودی که آنها از وی دورند و اطلاع ندارند؟ و بر فرض اینکه شرع اجازه رفتن بدون اذن آنان را نمی دهد، آیا حضرت تعالی اجازه رفتن به جبهه را می دهد تا رفتن به جبهه ها بر ما لازم شود؟

جواب: دفاع از اسلام و مسلمین و کشور آنها واجب کفایی است و در چنین شرایطی اجازه از پدر و مادر شرط نیست.

حق علیه باطل در بسیج ثبت نام کرده‌ام ولی پدر و مادرم می‌گویند که: «تو زود است به جبهه بروی!» و بدین طریق مانع رفتن من به جبهه شده و مرتب در خانه دعوا داریم و مرا از خانه بیرون می‌کنند و باعث آزار من می‌شوند، خواهشمند است بفرمایید تکلیفم چیست؟  
جواب: مراعات حال والدین خود را بنمایید. (۲۵۳)

\* \* \*

سؤال: قبل از فرمان صریح حضرت تعالی در مورد رفتن به جبهه‌ها در یک مجله فرموده بودید که جوانان در این مورد با بی‌اعتنایی به فرمان پدر و مادر موجب اذیت ایشان نشوند، آیا حالا که این نیاز (رفتن به جبهه) بیشتر شده، باز هم همین فرمایش مورد نظر است؟ و آیا بعضی جوانان این حق را دارند که طبق فرمان آن حضرت در باب دفاع، بدون اعتنا به نظر پدر و مادرشان اقدام به جبهه رفتن نمایند یا خیر؟  
جواب: بستگی به نیاز جبهه‌ها دارد و تشخیص، موکول به نظر مسئولین است. (۲۵۴)

\* \* \*

سؤال: اینجانب جوانی ۲۷ ساله هستم و دارای زن و دو فرزند می‌باشم و به تدریس دینی و قرآن در دوره راهنمایی مشغولم، از آنجا که اشتیاق فراوانی به جبهه دارم و مادرم به جز من سرپرستی ندارد و با رفتن من به جبهه راضی نمی‌شود آیا تکلیف شرعی من چیست؟ باعث تشویش و نگرانی من شده و بر دین خود ترسانم.  
جواب: اگر مادر از رفتن شما اذیت می‌شود و رفتن به جبهه بر شما لازم و متعین نشده مراعات حال او را بنمایید. و بستگی به نیاز جبهه دارد. (۲۵۵)

\* \* \*

رعایت حال والدین

حضور در جبهه

موکول به نظر

مسئولین

حضور در جبهه

با مراعات حال

والدین

**سؤال:** اینجانب تنها پسر خانواده هستم، اکنون که تکلیف شرعی شده که به جبهه بروم، والدینم مخالفت می‌کنند، البته ایشان معتقد به اسلام و انقلابند، ولی چون مادرم دچار ناراحتی قلبی است مرا از رفتن منع می‌کنند، آیا مجاز هستم که بدون توجه آنان به جبهه بروم؟  
**جواب:** تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، شرکت در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست. (۲۵۶)

ضرورت رفع نیاز  
جبهه‌ها

\* \* \*

**سؤال:** جوانی هستم بیست ساله، علاقه زیادی به شرکت در جنگ داشته و دارم ولی پدر و مادرم به علت اینکه من تنها فرزند خانواده هستم، با رفتن من به جبهه مخالفت می‌کنند، البته من می‌توانم بدون اجازه آنها و به زور بروم ولی فکر کردم رفتن من از نظر شرعی اشکال داشته باشد و در قیامت مورد بازخواست قرار گیرم! لطفاً تکلیف مرا روشن کنید!  
**جواب:** تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، اجازه والدین شرط نیست. (۲۵۷)

حضور در جنگ  
نیاز به اذن والدین  
ندارد

\* \* \*

**سؤال:** آیا افرادی که در وضع کنونی جامعه مسئولیتهای تثبیت شده مانند مسئولیتهای فرهنگی در مساجد و یا انجمنهای اسلامی و یا بسیج مستضعفین و به طور کلی لیاقت و کارایی خوبی برای تقبل مسئولیتهای در آینده دارند نسبت به صدور حکم امام مبنی بر اهمیت دادن به جبهه چه وظیفه‌ای دارند و آیا اگر این عمل موجب وارد آمدن ضرر جانی به والدین و یا ضرر به امرار معاش و اقتصاد خانواده محسوب شود باز هم به قوت خود باقی است؟

حضور در جبهه‌ها  
واجبتر است

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۴۱

**جواب:** مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد حضور در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست. (۲۵۸)

\* \* \*

**سؤال:** در کدام صورت برای شرکت در جبهه باید رضایت پدر و مادر را جلب کرد؟

**جواب:** در مواقعی که شرکت در جبهه بر مکلف واجب نباشد و رفتن او موجب اذیت والدین گردد. (۲۵۹)

\* \* \*

**سؤال:** جوانی که تحت تکفل پدر و مادر است می‌تواند بدون رضایت آنها به جبهه برود یا نه؟ و در صورت راضی نبودن والدین اگر رفت و شهید شد مورد پذیرش خداوند است یا نه؟

**جواب:** اگر داوطلب می‌رود و از نظر مقررات رفتن آنها لازم نیست، تحصیل رضایت والدین را بکنند و در هر صورت شهید هستند. (۲۶۰)

\* \* \*

**سؤال:** چندی قبل از طرف اداره متبوعه خواستار اعزام داوطلب برای بازسازی مناطق جنگی شده‌اند، مورد سؤال این است اگر فردی علاقه‌مند باشد جهت امور بازسازی یا خدمت در جبهه شرکت جوید از طرفی می‌داند که اگر پدر یا مادر مطلع شوند قطعاً مخالفت خواهند کرد با عنایت به واجب کفایی بودن موضوع بدون اطلاع پدر و مادر و یا هر دوی آنها می‌توان شرکت جست و یا وقتی به مخالفت آنان نگذاشت؟

**جواب:** به مسئولین مراجعه نمایید اگر نیاز باشد رضایت والدین معتبر نیست. (۲۶۱)

وجوب اذن والدین  
در عدم نیاز جبهه‌ها

نیاز به اذن والدین  
در عدم احتیاج  
جبهه‌ها

حضور در بازسازی  
موکول به تشخیص  
مسئولین

**سؤال:** رفتن دختران امدادگر که وجودشان در جبهه جنگ مفید است اگر پدر و مادر راضی نباشند چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اگر موجب اذیت پدر و مادر است رضایت ایشان را تحصیل کنند. (۲۶۲)

کسب رضایت  
والدین برای  
حضور دختران

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب دارای زن و سه فرزند می‌باشم و پدر و مادرم که از کار افتاده‌اند تحت تکفل اینجانب هستند و تصمیم دارم ان شاءالله به جبهه بروم آیا رضایت پدر و مادرم برای اعزام به جبهه از نظر شرعی لازم است یا خیر؟  
**جواب:** اگر موجب اذیت پدر و مادر می‌شود رضایتشان تحصیل شود. مگر در صورت نیاز جبهه‌ها با تشخیص مسئولین ذی ربط. (۲۶۳)

تحصیل رضایت  
والدین

\* \* \*

**سؤال:** پدر اینجانب به جبهه رفته و مرا تا بازگشت خود از رفتن به جبهه منع نموده است وظیفه اینجانب را طبق فتوای امام در شرایط فعلی مرقوم فرمایید؟  
**جواب:** اگر با مراجعه به مسئولین محرز شود حضور شما در جبهه لازم است منع پدر مانع نیست. (۲۶۴)

اذن مسئولین برای  
حضور در جبهه

\* \* \*

**سؤال:** شخصی (بالغ) عضو جهاد سازندگی کردستان است ولی پدر و مادرش راضی نباشند که او در کردستان باشد چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اگر موجب اذیت پدر و مادر نیست مانع ندارد. و همچنین در صورت نیاز جبهه با تشخیص مسئولین ذی ربط. (۲۶۵)

حضور در کردستان  
با نظر مسئولین

## احکام دفاع و زمین

**سؤال:** برای کسی که می‌تواند در جبهه حق شرکت کند آیا نبرد در جبهه‌های ایران از جبهه‌های دیگر کشورهای اسلامی ارجحیت دارد؟  
**جواب:** در حال حاضر جبهه ایران مقدم است. (۲۶۶)

\* \* \*

**سؤال:** برای نبرد با سربازان باطل ورود به زمین آنان جایز است یا نه؟  
**جواب:** دفاع از اسلام و بلاد مسلمین تا هر کجا که لازم باشد واجب است تعقیب شود. (۲۶۷)

\* \* \*

**سؤال:** گرفتن زمینهای شخصی مردم عراق که در مسیر پیروزی اسلام و نابودی رژیم کافر و متجاوز عراق و کوتاه کردن دست آن جنایتکاران از سرزمینهای اسلامی به طور موقت در تصرف رزمندگان اسلام قرار می‌گیرد از نظر شرعی چه حکمی دارد؟  
**جواب:** هر مقدار که دفاع از اسلام و مسلمین توقف بر آن دارد، نه تنها جایز است بلکه واجب و موجب قرب و رضای خداوند است. (۲۶۸)

\* \* \*

**سؤال:** برای دفاع از حق، استفاده کردن از منازل خالی اشخاص جایز است یا نه؟  
**جواب:** اگر ضرورت دفاع واجب، اقتضا کند، اجازه مالک شرط نیست. (۲۶۹)

\* \* \*

تقدم جبهه‌های  
ایران

وجوب تعقیب  
دشمن

تصرف به خاطر  
اسلام جایز است

حذف اذن مالک در  
ضرورت دفاع  
واجب

**سؤال:** از آنجا که در مناطق جنگی یا به طور کلی در تمام کشور بعضی از مراکز ارگانها و ادارات دولتی از منازل صادره شده استفاده می‌کنند و با توجه به اینکه خود مسئولین می‌گویند بعضی از احکام صادره از دادگاهها درست نبوده است آیا خوابیدن و توقف و نماز خواندن و... در آنجا اشکال ندارد؟

توقف در منازل  
مصادره شرعی  
بلامانع است

**جواب:** اگر احتمال داده شود که مصادره بر وجه شرعی بوده اشکال ندارد. (۲۷۰)

\* \* \*

**سؤال:** آیا معرکه، میدان منطقه در شب حمله است یا اینکه خط مقدم جبهه که دو طرف به سوی یکدیگر مبادله آتش دارند معرکه نبرد به حساب می‌آید؟

معرکه همان  
محدوده تیررس  
دشمن است

**جواب:** منظور از معرکه، محدوده تیر رس دشمن است در حدودی که جنگ است نه مثل شهرهای دور، مگر آنکه محدوده جنگ باشند. (۲۷۱)

\* \* \*

**سؤال:** شرکت رنگ زیراکس ایران برای انجام کارهای خود ملکی را در خر مشهر در اجاره داشت از روزی که جنگ شروع شد این ملک از تصرف شرکت خارج گردید و عملاً با توجه به موقعیت منطقه از آن تاریخ بلااستفاده ماند، صاحب ملک بعد از مدتی و اخیراً مراجعه نموده و طلب اجاره‌های خود می‌نماید. آیا طبق فتوای حضرت امام خمینی - دام ظلّه العالی - می‌بایست مبلغ مورد ادعا را به صاحب ملک پرداخت نمود یا نه؟ در صورت مثبت بودن جواب فوق، سؤال این است: که این شرکت دارای دستگاههایی است که به ارگانها و مؤسسات و سازمانهای مختلف در اغلب نقاط مملکت اجاره می‌دهد و مستأجر تعهد می‌نماید که

اجاره  
مکان سلب شده  
منفسخ است



اجاره‌های فوق را هر ماهه پرداخت نمایند (چه دستگاه کارکرد داشته باشد و چه نداشته باشد) حال با توجه به اینکه تعدادی از این دستگاهها در مناطق جنگ تحمیلی (خرمشهر...) قرار دارند آیا شرکت مجاز است و می‌تواند ادعایی دال بر طلب این اجاره‌ها بنماید؟  
**جواب:** در فرض مرقوم که امکان استفاده از ملک به واسطه هجوم لشکر کفر از همه سلب شد اجاره منفسخ است و مالک حق مطالبه اجرت نسبت به مدت باقی مانده ندارد. د. (۲۷۲)

\* \* \*

## دفاع و دولت

باید دولت محترم توجه نماید که علاوه بر تکلیف الهی که متوجه همه ملت است، دولت از ویژگی خاصی برخوردار است و تکلیف الهی، بیشتر و متوجه آن و سایر دست‌اندرکاران است، و برای نظم امور در جمیع ابعاد کوشش خواهد کرد. و مسأله جنگ دفاعی که در رأس امور است و ملت متعهد کمک به آن را برای خود یک امر لازم می‌داند و دولت در رابطه با آن حقیقتاً تمام کوشش را می‌کند، لکن تذکر و تکرار در امور مهم، لازم است، و باید هر روز ابعاد کمک به جبهه‌ها را بیشتر گسترش دهد و تافتح‌نهایی ان شاء الله تعالی برنامه دفاع را در رأس همه برنامه‌ها قرار دهد. (۲۷۳)

۶۱/۱۱/۲۲

\* \* \*

همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت، پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت بویژه قشرهای محروم می‌باشند، و جلب رضای خداوند را در

تکلیف بیشتر دولت  
در جنگ

این خدمت متقابل، می‌نمایند، هیچ قدرتی توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد، و اگر خدای نخواستہ یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگرچه در درازمدت، حتمی است. بنابراین، ترک این خدمت متقابل که به شکست اسلام و جمهوری اسلامی منتهی می‌شود از بزرگترین گناهان کبیره است که باید از آن اجتناب شود، چنانچه این خدمت از واجبات بزرگ است که باید به آن قیام نمایند. (۲۷۴)

حمایت ملت از  
دولت در جنگ

۶۲/۱/۱۲

\* \* \*

دولت خدمت کند به این کسانی که در راه اسلام آن قدر فداکاری کردند. خدمت کند به این اهالی دزفول و اهالی اندیمشک و خوزستان که همه چیز خودشان را از دست دادند، خدمت کنند. این یک تکلیف شرعی است برای همه ما. (۲۷۵)

خدمات دولت به  
آسیب دیدگان در  
جنگ

۶۲/۷/۱۳

\* \* \*

با توجه به حوادث ناگوار فوق العاده ناشی از حملات وحشیانه موشکی و بمبارانهای مکرر مناطق مسکونی شهرها و روستاها به وسیله عوامل استکبار جهانی و حزب بعث عفرقی عراق، ناچار نیاز به کمکهای فوری و ضربتی احساس می‌شود. در این رابطه لازم است ستادی تشکیل شود که با اختیارات کامل و فوق برنامه نیازهای تدارکاتی و عاطفی مردم محترم مصیبت زده و داغ دیده را بدون وقفه برآورده سازد. لازم به تذکر است که به متصدیان و مأموران این امر اسلامی امر و سفارش اکید شود

رسیدگی به  
خسارت دیدگان در  
جنگ

که با احترامات فایقه با این عزیزان مظلوم بر خورد گردد.  
انتظار دارد که جناب آقای رئیس جمهور محترم و رئیس محترم دولت - آیدهم الله - در اقدام به این مهم تمام سعی و کوشش لازم را مبذول دارند. و تلاش در بهبود وضع این عزیزان محترم را به عنوان یک وظیفه شرعی تلقی فرمایند. لازم است این ستاد با تشکیل گروههای نجات و پشتیبانی و اسکان فوری موقت و تهیه لوازم مورد احتیاج، گوشه‌ای از وظایف انسانی - اسلامی خود را عملی سازد.

کلیه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی، اعم از وزارتخانه‌ها و ادارات تابعه، خصوصاً وزارت صنایع و بازرگانی، موظفاندهمکاریهای لازم را مبذول دارند. امید است مردم معظم و روحانیون و ائمه جمعه و جماعات عظیم الشان در سراسر ایران با یاری و همکاری خود موجب جلب عنایات خاصه خداوند متعال و رضای حضرت بقیه الله الاعظم را و احنافداه گردند.  
لازم است جنابعالی<sup>۱</sup> اینجانب را از جریان امور، و خدای نخواستہ اگر در تحقق اهداف فوق به مانعی برخوردید، مستحضر نمایید. از خداوند متعال توفیق و تأیید همگان را خواستار است. (۲۷۶)

۶۲/۷/۱۴

\* \* \*

## احکام اطاعت از فرماندهان جنگ

**سؤال:** آیا در شرایط سخت جنگی می‌توان بدون توجه به دستور فرماندهی به عقب برگشت؟

**جواب:** عمل به دستور فرمانده، واجب و راه فلاح و پیروزی است ولو ضرر قطعی داشته باشد و تخلف از آن حرام و موجب مجازات طبق مقررات

و جوب اطاعت از  
فرماندهی

۱. منظور، آقای مهدوی کنی است.

دولت اسلامی است، مگر در موارد استثنایی که ضرورت اقتضا کند. (۲۷۷)

\* \* \*

**سؤال:** از بدو شروع به خدمت سربازی طبق دستور فرماندهی در سپاه  
آمل در قسمت اداری کار می‌کنم و توفیق رفتن به جبهه را اگر نیافتم و هر  
باری که تقاضا نمودم ممانعت به عمل آمد آیا ماندن حقیر در اینجا و  
نرفتن به جبهه با این موقعیت فعلی مسئولیتی متوجه من می‌شود و یا  
اینکه به همین منوال مطیع فرماندهی باشم؟  
**جواب:** مراعات مقررات سپاه لازم است. (۲۷۸)

لزوم مراعات  
مقررات سپاه

\* \* \*

**سؤال:** گاهی دیده می‌شود بعضی از برادران رزمنده مقررات تعیین شده  
از سوی فرماندهان را به طور دقیق رعایت نمی‌کنند و وسایل ایمنی و  
حفاظتی مانند کلاهخود یا عینکهای مخصوص و امثال آن را به کار  
نمی‌برند و در اثر همین عدم احتیاط ممکن است باعث شهادت یا زخمی  
شدن خود یا دیگر رزمندگان شوند و تصور می‌کنند که چون این کار  
منجر به شهادت می‌شود کار صحیحی است آیا این عمل جایز است یا  
خیر؟ متمنی است نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

تخلف از مقررات  
جایز نیست

**جواب:** رزمندگان عزیز باید مطابق مقررات جبهه و دستور فرماندهان  
عمل کنند و مسائل ایمنی و حفاظتی را مراعات نمایند و تخلف جایز  
نیست. (۲۷۹)

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب دارای پدری بی‌بضاعت و مادری بیمارم. تاکنون با اصرار با  
اجازه آنها به مدت سه ماه عازم جبهه‌گر دیده‌ام؛ چون تنها سرپرست والدینم

مراعات مقررات  
سپاه لازم است

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۴۹

هستم باعزیمت دوباره به جبهه، والدینم راضی نیستند چنانچه عضو سپاه پاسداران شوم، و سپاه‌مأموریت عزیمت به جبهه دهد. با توجه به توضیح فوق آیا می‌شود بدون رضایت والدین عازم جبهه شوم؟  
**جواب:** اگر عضو سپاه هستید باید مراعات مقررات سپاه را بکنید. (۲۸۰)

\* \* \*

## احکام سربازی در زمان جنگ

**سؤال:** پدر من اجازه نمی‌دهد به خدمت اعزام شوم یعنی به سربازی بروم وظیفه شرعی من چیست و ضمناً پدرم به من تاکنون هیچ‌گونه آزادی نداده است؟  
**جواب:** اگر مشمول نظام وظیفه هستید باید بروید و رضایت پدر در آن اعتبار ندارد. (۲۸۱)

\* \* \*

**سؤال:** نظر امام راجع به سربازی کسانی که مشمول هستند و در این زمان حساس (زمان جنگ) به سربازی نمی‌روند چگونه است؟ و ما می‌توانیم اینها را به شاگردی در مغازه بیاوریم یا نه؟  
**جواب:** باید به سربازی بروند و تخلف از مقررات جایز نیست. (۲۸۲)

\* \* \*

**سؤال:** آیا رفتن به سربازی برای مشمولینی که مشکلاتی دارند از نظر شرعی لازم است؟  
**جواب:** باید به سربازی بروند و یا مطابق مقررات معافی بگیرند و تخلف جایز نیست. (۲۸۳)

اذن والدین در  
سربازی لازم نیست

لزوم خدمت در  
سربازی

وجوب رفتن به  
سربازی

**سؤال:** اگر در مورد خدمت نظام وظیفه و رفتن به سربازی پدر و مادر مخالفت کردند وظیفه چیست؟  
**جواب:** اگر از نظر مقررات باید به سربازی بروید، رفتن لازم است و پدر و مادر نباید مزاحمت کنند. (۲۸۴)

رفتن به سربازی  
لازم است

\* \* \*

### احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات در جنگ

**سؤال:** اسراف و تبذیر در مصرف مهمات و خوراکیها در جبههها به چه صورت است؟

با توجه به این مسأله که گاهی جمع‌آوری دقیق مهمات و مصرف کامل خوراکیها به علت گرما و نقل و انتقالات مشکل می‌باشد.  
**جواب:** اسراف و تبذیر حرام است و از اهم واجبات حفظ و نگهداری مهمات و اشیای مورد نیاز در جبههها است و تحمل هر زحمت و مشکلی در راه انقلاب اسلامی و پیشرفت آن برای کسانی که از هر فداکاری و جانبازی در این راه مضایقه ندارند آسان است البته هر کاری که موجب آسیب و ضربه خوردن از ناحیه دشمن شود ولو جمع‌آوری مهمات و غنائم باشد حرام است. (۲۸۵)

اسراف و تبذیر،  
حرام و رعایت  
مقررات، واجب

\* \* \*

**سؤال:** ما در جبهه خرمشهر مستقر هستیم، چون وسایل استراحت نداشتیم، از منازل مردم مقداری وسایل غذاخوری و پتو آوردیم، در صورتی که نتوانیم این وسایل را به آنها برگردانیم چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اگر یقین به رضایت صاحبان آنها ولو به شاهد حال، داشته باشید، چیزی بر شما نیست. (۲۸۶)

استفاده از اموال  
مردم مناطق جنگی

**سؤال:** آیا رزمندگان اسلام می‌توانند لباسها و وسایل دیگری را که به آنها داده می‌شود، در خارج از منطقه نظامی مورد استفاده قرار دهند (اعم از استفاده شخصی و عمومی - مثلاً بسیج).

رعایت مقررات

**جواب:** بستگی به مقررات دارد. (۲۸۷)

\* \* \*

**سؤال:** آیا استفاده از مواد غذایی رزمندگان اسلام در داخل جبهه و مناطق جنگی که معمولاً از محل هدایای مردم تهیه می‌شود برای گروههایی که از مسئولین و غیره برای بازدید به جبهه می‌روند، مجاز است؟ چون در غیر این صورت امکان تهیه و خرید مواد غذایی برای آنها نیست.

اطعام با اجازه  
متصدیان

**جواب:** اگر از طرف متصدیان مربوطه داده می‌شود، اشکال ندارد. (۲۸۸)

\* \* \*

**سؤال:** رزمندگان جبهه حق تا چه مقدار اجازه استفاده از اموال عمومی دارند؟

استفاده از اموال

**جواب:** در حدودی که مقررات دولت اسلامی اجازه می‌دهد استفاده مانع ندارد. (۲۸۹)

تابع مقررات

\* \* \*

## سپر قرار دادن مردم در جنگ

**سؤال:** اگر نیروهای باطل عده‌ای از مسلمانان از قبیل زنان، کودکان، پیرمردان را سپر قرار دهند برای نبرد با دشمن آیا کشتن مسلمانان مذکور جایز است یا خیر؟

سپر قرار دادن مردم  
در دفاع

**جواب:** اگر دفاع از اسلام و مسلمین و سرکوب کردن مهاجمین متوقف بر

آن باشد جایز است. (۲۹۰)

\* \* \*

**سؤال:** آیا به قتل رساندن سربازانی که مسلمانند اما بالاجبار یا به صورت‌های دیگر به کشور اسلامی و مسلمین حمله کرده‌اند جایز است یا خیر؟

در هجوم دشمن  
دفاع لازم است

**جواب:** اگر حمله نمودند دفاع لازم است. (۲۹۱)

\* \* \*

### احکام همکاری با دشمن

**سؤال:** کشتن زن، پیر مرد، و کودکی که بانیره‌های باطل همکاری می‌کند جایز است یا نه؟

جاسوسان حکم  
مهاجم را دارند

**جواب:** حکم مهاجم را دارند. (۲۹۲)

\* \* \*

**سؤال:** فرار از دشمن در کدام صورت حرام است و در کدام صورت جایز؟

فرار از جبهه جایز  
نیست

**جواب:** فرار از جبهه در هیچ حالی جایز نیست. (۲۹۳)

\* \* \*

**سؤال:** برخی از رزمندگان بر اثر عدم توجه به حکم شرعی و بدون توجه به مسائل امنیتی و خطر استفاده دشمن و ایادی داخلی آنان، اطلاعات گوناگون از جبهه و جنگ را در مکالمات بین یگانهای رزمی و نامه و تلفن به خویشاوندان و امثال آن، با سادگی و صداقت مطرح کرده که در برخی موارد ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر وضعیت جبهه‌ها داشته و باعث تأخیر

پرهیز از افشای  
اطلاعات جنگ



## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۵۳

و کندی عملیات و ریختن خون فرزندان عزیز اسلام شده است، خواهشمند است نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایند تا رزمندگان و فرماندهان عزیز به جان بپذیرند و سرلوحه عمل خویش قرار دهند.

**جواب:** چنین کاری نباید بکنند و چنانچه در اثر بی توجهی آنان اتفاق ناگواری بیفتد در دنیا و آخرت مسئول خواهند بود. (۲۹۴)

\* \* \*

## احکام پشتیبانی از جنگ

**سؤال:** آیا می توان زکات را جهت مخارج جبهه های جنگ و بازسازی مناطق جنگی پرداخت نمود؟

**جواب:** مانع ندارد. (۲۹۵)

پرداخت زکات به  
جنگ

\* \* \*

**سؤال:** حمای احداث نمودم و تعهد نمودم درآمد آن را خرجی در راه حضرت ابوالفضل [سلام الله علیه] بنمایم و مدتی است هر سال ده روز روضه به نام آن حضرت برپا می نمایم، و مبلغی از آن پول در اختیار است آیا می توانم در راه جنگزدگان به امام جمعه شهرمان تقدیم کنم، یا هر نوع اوامر بفرمایید خرج نمایم؟

**جواب:** در عزاداری صرف نمایید و اگر چیزی زیاد می ماند می توانید در خیرات که بهترین آن در زمان حاضر کمک به جبهه و جنگزدگان است مصرف کنید. (۲۹۶)

خیرات برای جنگ

\* \* \*

**سؤال:** آیا از خمس و زکات می توان برای مخارج جبهه استفاده کرد؟

صرف وجوهات  
برای جبهه

**جواب:** صرف زکات در رفع نیازمندیهای جبهه مانع ندارد، و از سهمین شریفین منوط به اجازه مرجع تقلید است. (۲۹۷)

\* \* \*

**سؤال:** اینجانب در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ با توجه به فرمان و دستورهای امام دایر به کمک به پیروزی انقلاب و جنگزدگان و امور خیریه مبالغی را به نیت سهم امام - علیه السلام - پرداختم حال خواهشمندم جواب را مرقوم فرمایید که آیا وجوه پرداختی شرعاً از سهم امام قبول است یا خیر و نیز بعداً هم از این نوع وجوه که می پردازم می توانم کلیه آن را به سهم امام منظور نمایم و یا اینکه فقط قسمتی را که خودم اجازه پرداخت دارم قبول می شود؟

**جواب:** آنچه تاکنون پرداخته اید قبول است و از این به بعد بدون اجازه عمل نکنید. (۲۹۸)

\* \* \*

**سؤال:** اگر شخصی مال یا شیء گمشده ای را پیدا کرد می تواند صرف جبهه کند؟

**جواب:** گمشده باید به صاحبش برگردانده شود و اگر از پیدا کردن او مأیوس است از طرف او به فقرا صدقه بدهد. (۲۹۹)

\* \* \*

**سؤال:** عواید موقوفه ای که برای روضه خوانی وقف شده می توان به جبهه فرستاد یا خیر؟

**جواب:** عواید موقوفه باید در همان جهت وقف صرف شود. (۳۰۰)

\* \* \*

کسب اجازه در  
پرداخت وجوهات

اموال گمشده  
صرف صاحبش  
گردد

عواید موقوفه

**سؤال:** حضرت امام اجازه می‌فرمایند از سهم امام صرف جبهه یا مسجد

محل یا کمک به ایتمام نماییم؟

**جواب:** عجالاً اجازه نمی‌دهم. (۳۰۱)

\* \* \*

خرج سهم امام

### احکام مربوط به اسرا

**سؤال:** گرفتن اموال شخصی اسیران و نیز اموال غیر شخصی آنان صحیح

است یا خیر؟

**جواب:** اموال شخصی اسرا را نباید از آنان بگیرند و ادوات جنگی را باید از

چنگ آنان درآورده و به مسئولین مربوطه تحویل دهند. (۳۰۲)

\* \* \*

گرفتن اموال اسرا

**سؤال:** از اسرای عراقی چیزهایی (از پول و غیره) گرفته می‌شود یا خود

آنها می‌دهند از روی ترس و یا در سنگرها چیزها و اموالی پیدا می‌شود و

یا از مقتولین لشکر عراق، کشندگان آنها یا غیرکشندگان پول یا غیره

برمی‌دارند، این برداشتنها جایز است یا خیر؟ و آیا مالک می‌شوند؟ و در

صورت عدم جواز و عدم مالکیت چه بکنند؟

**جواب:** از اسرا نباید چیزی بگیرند و آنچه از سنگرها و مقتولین به دست

می‌آید در غیر مهمات، رزمندگان می‌توانند برای خود بردارند. (۳۰۳)

\* \* \*

تملك اموال اسرا

**سؤال:** آیا می‌توان از اسرای عراقی اشیائی را گرفت مانند اسلحه و غیر

اسلحه و تکلیف این اشیاء چیست و به چه کسی و یا مقامی تعلق می‌گیرد

و خمس در آن هست یا نیست؟ و اگر بعضی اشیاء از آنجا آورده شده باشد

رسیدگی به اموال

اسرا

و صاحبش فعلاً مجهول باشد تکلیف چیست؟  
**جواب:** اموال اسرا مخصوص خودشان است و از غنائم محسوب نمی‌شود  
و رسیدگی موکول است به دولت اسلامی. (۳۰۴)

\* \* \*

**سؤال:** آیا اهانت نسبت به اسرا جایز است یا خیر؟  
**جواب:** اهانت جایز نیست بلکه نسبت به آنان باید اخلاق اسلامی را  
مراعات نمود. (۳۰۵)

اهانت به اسرا

\* \* \*

**سؤال:** تا چه موقع می‌توان اسیران را کشت؟ آیا تکلیف ما در رابطه با آن  
عراقی‌هایی که گاهی تا آخرین گلوله می‌جنگند و سپس تسلیم می‌شوند  
چیست؟

حکم قتل اسرا

آیا اسیرانی که به پشت خط منتقل می‌کنند به هیچ وجه نمی‌شود  
کشت؟ حتی اگر یقین داشته باشیم که فردی یا افرادی از ما راکشته  
است؟ اگر جایز نیست حکم قاتل این نوع اسرا چیست؟ آیا قاتل نفس  
محترمه است یا نه؟

**جواب:** با اسرا پس از تسلط یافتن باید با اخلاق اسلامی رفتار کنند. (۳۰۶)

\* \* \*

## احکام مربوط به غنائم جنگی

**سؤال:** تصرف و تملک در کدامیک از غنائم و با چه شرایطی برای  
رزمندگان جایز است؟

تصرف در غنائم

**جواب:** در غیر ادوات جنگی برداشتن اشیای مختصر از قبیل لباس و

ساعت و رادیو و امثال آن برای رزمندگان اشکال ندارد. (۳۰۷)

\* \* \*

**سؤال:** اگر سرباز اسلام شخصی از سربازان صدام را به قتل برساند آیا اگر لباس و ساعت و پول و رادیو و امثال اینها را به عنوان غنایم جنگی از او برای خود بردارد و خمس آن را هم بدهد متعلق به خودش می شود یا باید به دولت جمهوری اسلامی تحویل دهد؟

**جواب:** می تواند برای خود بردارد و خمس واجب نیست. (۳۰۸)

\* \* \*

**سؤال:** چه مقدار از غنایم را افرادی که در جبهه هستند می توانند قصد تملک کنند و آیا آن مقدار از مورد تعلق خمس هست یا نه؟

**جواب:** اسلحه را باید تحویل دهند و مختصرات مثل ساعت و لباس را می توانند تملک کنند و خمس ندارد و در زیادتر موقوف به نظر دولت اسلامی است. (۳۰۹)

\* \* \*

**سؤال:** یکی از برادران رزمنده مبلغ نهصد دینار عراقی در یکی از سنگرهای دشمن به دست آورده، تکلیف این وجه را معین فرمایید، مبلغ مزبور حدود سی - چهل هزار تومان ارزش دارد و بر فرض اینکه باید از مقامات مربوطه اجازه بگیرد آیا اجازه می فرمایید که ایشان خودش قصد تملک کند و در آن تصرف کند؟

**جواب:** برای تعیین تکلیف مبلغ مزبور، به مسئولین مربوطه مراجعه شود. (۳۱۰)

تصرف در اموال  
مقتولین

تملك در اموال  
غنیمتی

تصرف در دینار  
غنیمتی

**سؤال:** بعضی از جوانانی که به جبهه جنگ رفته‌اند سؤال می‌کنند برداشتن چیزهایی از قبیل انگشتر، لباس و کفش دشمن، چه صورت دارد آیا استفاده از آنها جایز است یا خیر؟  
**جواب:** برای مقاتلین برداشتن چیزهای مختصر مثل آنچه ذکر شده و تصرف در آن اشکال ندارد. (۳۱۱)

تصرف در اموال  
مقتولین دشمن

\* \* \*

**سؤال:** آیا رزمندگان اسلام می‌توانند در غنائم به دست آمده از دشمن، تصرف شخصی نمایند؟ و ضمناً در صورت تعلق بعضی از غنائم به رزمندگان به کدام رزمنده می‌رسد؟

**جواب:** روشن است که رزمندگان ما که در راه خدا و خدمت به اسلام از جان خود می‌گذرند برای غنیمت نمی‌جنگند و نباید در فکر آن باشند، ولی در غنائم به دست آمده آلات و ادوات جنگی مربوط به دولت اسلامی است، و در غیر آن تصرف برای هر رزمنده‌ای که به دست آورده مانع ندارد مگر مسئولین امر در دولت اسلامی مقررات خاصی وضع نموده باشند. (۳۱۲)

شرایط تصرف در  
غنائم جنگی

\* \* \*

**سؤال:** الاموال والحاجات فی المواضع العراقية فی الجبهة بعد الهجوم، ماهو حکمها و هل يجوز اخذها؟  
**جواب:** يجوز اخذ الغنائم للمقاتلين و يجوز التملك فی الأشياء المختصرة منها و اما الاسلحة فلا بد من تحويلها الى المقامات المسؤولة فی الجمهورية الاسلامية. \* (۳۱۳)

مجوز تصرف در  
غنائم

---

\* سؤال: حکم مالها و لوازم در سنگرهای عراقی در جبهه پس از حمله چیست؟ و آیا برداشتن آنها جایز است؟  
جواب: برای جنگجویان (رزمنده‌گان) گرفتن غنیمت جایز است و تملک (مالک شدن) در اشیاء کوچک و کم جایز است ولی اسلحه را باید به مقامات مسئول جمهوری اسلامی تحویل دهند.

**سؤال:** در عملیات جنگی غنایمی به دست می‌آید مثل رادیو، اورکت و ساعت، بعضی اورکتها مال سپاه ایران است ندانسته برداشته می‌شود آن هم با اجازه فرمانده عملیات، الآن سپاه شهرستان می‌گوید باید اورکتها را تحویل دهید، حکم شرعی را بیان فرمایید.

**جواب:** اگر مربوط به سپاه بوده با مطالبه سپاه باید تحویل دهند. (۳۱۴)

تصرف در اموال  
سپاه

\* \* \*

**سؤال:** وضع نگهداری غنایم جنگی - که متعلق به ارتش عراق است - یا استفاده از آنها برای آموزش چه صورتی دارد؟

**جواب:** موکول به نظر مسئولین مربوطه است. (۳۱۵)

استفاده از غنایم  
جنگی

\* \* \*

**سؤال:** در حمله بیت المقدس که برای آوردن تانکها و اتومبیلهای سانحه دیده به خط مقدم جبهه می‌رفتیم، با سنگرهای پر از تجهیزات سربازان فریب خورده دشمن برخورد نمودیم، من مقداری از اجناس داخل سنگر را با خود آوردم که از آن جمله است: شش عدد پتو، دو عدد چراغ، کوله پشتی و یک عدد سر نیزه، البته سه عدد از پتوها را به سه خانواده مستحق دادم؛ آیا می‌توانم از این اجناس در منزل استفاده کنم؟

**جواب:** سر نیزه را باید به مراکز مربوطه ارتش یا سپاه تحویل دهید و سایر اشیای مذکوره اگر محل حاجت شما است، مجازید از آن استفاده کنید. (۳۱۶)

تملك اموال  
متصرف شده

\* \* \*

**سؤال:** در هنگام گرفتن غنایم، اگر معلوم نشود که این مالها از خود دشمن است یا اینکه آنها را از ما غارت کرده‌اند - مثلاً در فتح خرمشهر،

حکم غنیمت اموال

اموالی به دست رزمندگان آمده که نمی‌دانند، آنها از اموال غارت شده مردم است یا اینکه مال خود عراقی‌هاست - تکلیف چیست؟  
**جواب:** آنچه که تحت ید و استیلای دشمن است، حکم غنیمت دارد، مگر آنکه محرز شود که از سابق غارت کردند. (۳۱۷)

\* \* \*

**سؤال:** رزمنده‌ای که مستقیماً در جبهه شرکت دارد و یک یا چند نفر از مزدوران بعثی را به هلاکت رسانده آیا حق دارد لباس، ساعت، کفش یا سایر لوازم که همراه مقتول است برای خود بردارد و در جبهه یا غیر جبهه استفاده نماید یا نه؟

اگر رزمندگانی در معرکه شرکت داشته و گروهی از آنان دشمن را هلاک نمودند و پیشرفت کردند و گروه بعدی که به دنبال آنها در جنگ شرکت دارند سر رسیدند آیا گروه دوم یا سایر کسانی که کارشان حمل و نقل و تدارکات و رانندگی و غیره هستند می‌توانند از لوازم به جا مانده به عنوان غنیمت بردارند یا نه؟ و آیا در غنایم قسم اول و دوم کسانی که حق استفاده دارند آیا تکلیف خمس هم نسبت به آن دارند یا نه؟

**جواب:** استفاده در چیزهای مختصر برای کلیه مقاتلین اشکال ندارد و خمس واجب نیست. (۳۱۸)

\* \* \*

**سؤال:** افرادی که در جنگ با عراقی‌ها مصادف با اجساد عراقی‌ها می‌شوند بعضی از چیزها را به عنوان غنیمت برای خود برمی‌دارند؛ در این مسأله آیا فرق می‌کند که این افراد مسلحانه بجنگند یا آنکه پشت جبهه مأمور دفن اجساد عراقی‌ها باشند و در حال دفن، لباس و ساعت را

استفاده مختصر از  
غنایم

مراعات احتیاط در  
تملک



همراه خود بردارند و بیاورند؟

**جواب:** مشکل است و احتیاط را مراعات کنند. (۳۱۹)

\* \* \*

**سؤال:** اگر شب به مزار شهدا برویم و روی قبر آنها دعای توسل یا زیارت

عاشورا یا فاتحه و غیره بخوانیم، آیا جایز است؟

**جواب:** جایز است. (۳۲۰)

\* \* \*

**سؤال:** آیا می شود بابت خمس، آن مبلغی که تعلق می گیرد به حساب

دولت جمهوری اسلامی ایران واریز نمود؟ آیا می شود خمس آن مبلغی

که تعلق می گیرد به حساب جنگزدگان واریز نمود؟

**جواب:** باید خمس و سهم امام را به مرجع تقلید یا وکیل مسلم الوکاله او

بدهند یا طبق اجازه ایشان مصرف شود. (۳۲۱)

\* \* \*

**سؤال:** آیا خمس بر سرباز واجب است؟ لازم به تذکر است که اینجانب

مجرد بوده و ماهانه حدود هزار تومان از ارتش حقوق می گیرم که مقداری

از این مبلغ را برای آینده پس انداز می کنم و تا به حال حدود یک سال و

نیم است که در ارتش هستم و خمس هم نداده ام، تکلیف چیست؟

**جواب:** هر مقدار از حقوق که پس انداز شده، خمس دارد. (۳۲۲)

\* \* \*

**سؤال:** در صورت راضی نبودن والدین اگر شخصی به جبهه رفته و شهید

شود آیا اینگونه شهادت مورد پذیرش خداوند می باشد یا نه؟

مراسم دعا در قبور

شهدا

تسلیم خمس و

سهم امام به مراجع

پس انداز حقوق

خمس دارد

قبول شهادت در

نزد خداوند

جواب: بلی شهید هستند. (۳۲۳)

\* \* \*

### احکام متفرقه مربوط به جنگ

سؤال: افرادی که با اذن پدر و مادر خود به جبهه می‌روند ولی آنها در

فراق آنان یا بعد از شهادت آنها ناراحت می‌شوند اشکالی ندارد؟

جواب: اشکال ندارد. (۳۲۴)

فراق والدین

\* \* \*

سؤال: دختری هستم که علاقه دارم به خاطر خدمت به انقلاب در سپاه

پاسداران وارد شوم ولی پدرم موافقت نمی‌کند، خواهشمندم حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: پاسدار شدن خواهران هم با مراعات وظایف شرعیه مانع ندارد،

ولی شما مراعات رضایت پدرتان را بکنید. (۳۲۵)

پاسدار شدن

خواهران

\* \* \*

سؤال: برادرانی که معمم هستند آیا رفتن اینها به سپاه یعنی برای

همیشه ثبت‌نام می‌کنند و در سپاه می‌مانند چطور است؟

جواب: برای ارشاد و تعلیم معارف اسلامی مانع ندارد. (۳۲۶)

ورود معممین به

سپاه

\* \* \*

سؤال: اینجانب مدتی قبل از طریق بسیج به جبهه اعزام شدم و طی

حمله‌ای که نمودیم اورکتی را که همراه داشتم و بسیج سپاه آن را در

اختیار من گذاشته بود مفقود گردید و پس از پایان مدت مأموریت، یکی

رعایت مقررات

بسیج

## احکام فقهی جنگ و دفاع / ۱۶۳

از برادران آن را پیدا نموده و به اینجانب تحویل داد و در حال حاضر این اورکت در اختیار من است، آیا می‌شود آن را برای خودم نگه‌داشته ثمن آن را به بیت‌المال بپردازم و در صورت مثبت بودن بهای آن موقع را یا بهای کنونی را؟

**جواب:** تابع مقررات بسیج است. (۳۲۷)

\* \* \*

**سؤال:** خطاب افراد به برادر یا خواهر قبل از شناسایی خط و مسیر آنها اشکال دارد؟

**جواب:** اشکال ندارد. (۳۲۸)

\* \* \*

خطاب افراد به

برادر و خواهر

**سؤال:** آیا نوشتن وصیتنامه واجب است یا مستحب؟

**جواب:** واجب نیست مگر در مواردی که حق واجبی بر عهده شخص باشد و نتواند ادا نماید که واجب می‌شود وصیت نماید. (۳۲۹)

\* \* \*

نوشتن وصیتنامه

**سؤال:** در بعضی از مکانهای حساس و مقرهای سپاه و بسیج و خانه‌های شخصیت‌های مملکتی، پاسدارها و نیروهای انتظامی مجبور هستند به خانه‌های اطراف و یا به پشت بامها، یا توی خانه‌ها نگاه نکنند، آیا این امر از نظر شرعی صحیح می‌باشد؟

**جواب:** مقررات شرعی را باید مراعات نمایند. (۳۳۰)

\* \* \*

رعایت مقررات

شرعی در پاسداری

**سؤال:** استفاده شخصی از وسایط نقلیه (موتور - ماشین) و وسایل دیگر

سپاه و دیگر ارگانهای انقلابی و دولتی جایز است یا نه؟ و در چه شرایطی استفاده شخصی با رعایت مقررات می توان از آنها استفاده نمود؟  
جواب: بستگی به مقررات دارد، و تا معلوم نباشد که از نظر مقررات استفاده های شخصی بلامانع است نباید استفاده کنند. (۳۳۱)

\* \* \*

سؤال: گاهی پاسدار و یاکارمند اداری دوست خود را که همراه اوست به محل غذاخوری سپاه یا اداره مربوطه می آورد و از غذای سپاه یا اداره می خورد چه صورتی دارد؟  
جواب: اگر میهمان آوردن متعارف باشد اشکال ندارد. (۳۳۲)

\* \* \*

سؤال: راننده دولتی در مسیر مأموریت خود فردی را که به مسیرش می خورد سوار می کند، از نظر شرعی چگونه است؟  
جواب: بدون اجازه مسئولین جایز نیست. (۳۳۳)

\* \* \*

سؤال: گاهی در سپاه پاسداران مقداری غذا اضافه می آید، آیا می توان به فقرا داد؟  
جواب: منوط به اجازه مسئولین است. (۳۳۴)

\* \* \*

سؤال: بر اساس آیین نامه ارتش جمهوری اسلامی ایران فصل ۱۲ ماده ۱۱۰، موی سر نظامیان بویژه اطراف سر و پشت گردن آنها باید همیشه کوتاه بوده و چنانچه مایل به گذاردن ریش باشند بایستی ریش آنها  
تبعیت از مقررات ارتش

بیشتر از نمره چهار نباشد؛ در این رابطه از سوی ارتش بخشنامه‌ای صادر گردیده و در آن قید شده که ماده ۱۱۰ آیین نامه جهت حفظ نظم لازم الاجراست، از آنجا که مسأله حد ریش یک مسأله فقهی است، آیا امر فرماندهان در این مورد قابل اجراست؟

**جواب:** تبعیت از مقررات ارتش لازم است. (۳۳۵)

\* \* \*

**سؤال:** من، مادر و تنها وارث دو فرزند شهیدم، از خداوند متعال خواستارم همین طور که ایثارگرانه جان فرزندان دلبندم را در راه اسلام و انقلاب با آگاهی کامل تقدیم نمودم که ان شاء الله امیدوارم این دو قربانی مورد قبول حق تعالی واقع گردد، حاضر مال ایشان را (که الان به ارث، مال من شده) نیز در همین راه تقدیم نمایم، در این رابطه مبلغ پنجاه هزار تومان به حساب ۱۰۰ امام<sup>۱</sup> به نیت سهمین در بانک مرکزی تهران ریخته‌ام، آیا قبول است یا نه؟

**جواب:** وجه مزبور را اگر بابت ادای سهمین به حساب مذکور ریخته‌اید قبول است، ان شاء الله موفق باشید. (۳۳۶)

\* \* \*

**سؤال:** آیا فروختن سلاح به کسانی که برای حفظ خود و یا دفاع از منطقه خود خرید می‌نمایند جایز است یا خیر؟

**جواب:** بدون مراعات مقررات دولت اسلامی جایز نیست. (۳۳۷)

واریز سهمین شهدا  
به حساب ۱۰۰

فروش اسلحه با  
مقررات دولت  
اسلامی

۱. حساب صد، حساب کمک به محرومین است که با فرمان امام باز شده است.



## فهارس

- فهرست تفصیلی
- فهرست مأخذ
- فهرست منابع





## فهرست تفصیلی

صفحه

عنوان

### فصل اول: جنگهای حق و باطل

۳	جنگ در قرآن
۳	تأدیب زورمندان
۴	جنگهای اسلام با قدرتمندان
۴	تکلیف به جنگ با ظالمین
۵	جنگهای حق طلبانه
۵	رواج اسلام
۵	جنگ برای جذب کفار به دین
۶	جنگ برای معنویت
۶	جنگ برای انتشار دین حق
۷	زحمات پیامبر برای نشر اسلام
۷	جنگ برای نماز
۸	جنگ برای اسلام
۸	جنگ برای مقاتله با کفار

۸	جنگ برای مصلحت اسلام
۹	اصلاح انسانها
۹	جنگهای ائمه، راهنمای ما
۹	هدف اسلام، تربیت انسان
۱۰	جنگ برای موحد ساختن مردم
۱۱	جنگ برای تحقق نظام عادلانه
۱۲	جنگ برای سعادت بشر
۱۲	جنگ برای تربیت جامعه
۱۳	شمشیر اسلام برای اصلاح جامعه
۱۳	جنگ برای خروج از اسارت قدرتها
۱۳	جنگ برای ساختن جامعه انسانی
۱۴	جنگ برای ورود در حصار ایمان
۱۴	جنگ برای کوبیدن مینتها
۱۴	جنگ برای زدودن فاسدها
۱۵	جنگ برای اقامه قسط
۱۹	جنگ برای تهذیب ملتها
۲۰	جنگ برای شکستن امپراتوریا
۲۰	جنگ برای اجرای عدالت
۲۱	جنگ برای رفع فتنه و گسترش معرفت الله
۲۲	تأدیب قدرتمندان
۲۲	جنگ برای تأدیب قدرتمندان
۲۳	جنگ برای شکست استثمار بنی امیه
۲۵	جنگ برای دفاع از فقرا
۲۸	جنگ برای شکست اغنیا
۲۸	جنگ برای ایجاد عدالت اجتماعی

۲۹	جنگ با اشراف قدرتمند
۳۰	<b>جنگهای باطل</b>
۳۰	قدرت طلبی و حب نفس
۳۰	خودخواهی، منشأ نزاعها
۳۱	ابرقدرتها، منشأ جنگها
۳۱	حب نفس، منشأ همه گرفتاریها
۳۳	بی تقوایی، عامل جنگ
۳۳	تخصص بی تعهد، علت جنگ
۳۳	سرکشی نفس، منشأ جنگها
۳۳	<b>جنگهای جهانی اول و دوم</b>
۳۴	تجزیه دولت عثمانی در جنگ جهانی اول
۳۵	تجهیزات مفسدین، علت جنگها
۳۶	جنگ عمومی جهانی، عامل نابودی بشریت
۳۶	وحشت از جنگ عمومی جهانی
۳۷	تجزیه کشورهای اسلامی، توطئه دشمنان
۳۷	تجزیه مسلمین، ثمره جنگ جهانی اول
۳۸	تجربه شکست متجاوزین در جنگ جهانی دوم
۳۹	نفت، عامل تعیین کننده در جنگ جهانی دوم
۳۹	جنگ قدرتها برای غلبه بر دیگری
۴۰	خسارات ایران در جنگهای جهانی
۴۱	طغیان طبقات بالا، سبب بروز جنگ
۴۲	صلح اسلامی و صلح انگلیسی
۴۲	<b>تفاوت جنگها</b>
۴۲	تشابه منطق کارتر و معاویه
۴۳	فرق بین قیام دنیایی و الهی

۴۳	تفاوت ماهیت جنگها
۴۴	تمایز قوای مسلح ایران با قوای مسلح عراق
۴۵	تفاوت ارتش ما با ارتش دشمن
۴۵	دشمن به دنبال ویرانی است
۴۶	رضایت الهی و شیطانی، اهداف جنگها
۴۷	لقاءالله، هدف رزمندگان
۴۷	شباهت در صورت اعمال و تفاوت در غایات

## فصل دوم: وجوب دفاع و استقامت

۵۱	ضرورت دفاع
۵۱	دفاع از اسلام، وظیفه همگانی
۵۱	دفاع از اسلام مستلزم رنجهاست
۵۲	تربیت مجاهد در مقابل کفار
۵۲	وجوب دفاع همگانی در برابر هجوم دشمن
۵۲	دفاع تا سرحد جان
۵۲	دفاع، تکلیف شرعی و ملی
۵۳	دفاع، وظیفه همگانی
۵۳	لزوم مهیا شدن برای دفاع
۵۴	وجوب دفاع از اسلام
۵۴	دفاع بر همه واجب است
۵۵	دفاع اطاعت امر خداست
۵۵	دفاع از اسلام یک امر عمومی
۵۶	دفاع، حق انسانی
۵۶	عقلی بودن دفاع
۵۷	عدم نیاز به مجوز در دفاع

۵۷	وجوب تعلیم دفاع
۵۸	وجوب دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی
۵۹	جهاد در رأس تمام احکام اسلام
۵۹	<b>ضرورت آمادگی دفاعی</b>
۶۰	ضرورت بیست میلیون تفنگدار در کشور
۶۱	لزوم تجهیز به سلاح و صلاح
۶۲	ترس دشمن از آمادگی رزمی ما
۶۳	آمادگی همگانی
۶۳	نظام بیست میلیونی بازدارنده توطئه‌ها
۶۳	بسیج عمومی آماده فداکاری برای اسلام و کشور
۶۳	تربیت رزمنده برای نگهبانی جمهوری اسلامی
۶۴	تشکر از بسیج مستضعفین و لزوم آموزشهای گوناگون
۶۴	لزوم تفکر دفاعی برای جوانان
۶۴	ضرورت تعلیمات نظامی
۶۵	ضرورت دفاع از انقلاب اسلامی در دو مرکز علمی
۶۶	<b>استقامت در قرآن</b>
۶۶	رسول اکرم (ص) بالاترین موجود در استقامت
۶۷	وجوب مقابله با طاغی
۶۹	استقامت در رأس امور
۶۹	نگرانی پیامبر از عدم استقامت امت
۷۰	توصیه به استقامت در دفاع
۷۰	استقامت برای رفع فتنه از عالم
۷۰	رسول خدا نگران استقامت امت
۷۱	<b>ضرورت استقامت</b>
۷۱	استقامت شرط پیروزی

۷۲	استقامت برای حفظ نهضت
۷۲	استقامت در دفاع از اسلام
۷۳	استقامت برای حفظ دین
۷۳	تأسی از پیامبر در استقامت
۷۳	صدور انقلاب با استقامت
۷۴	استقامت برای مقابله با مشکلات
۷۴	تحمل مشکلات برای مقابله با امریکا
۷۵	استقامت انجام خوب وظایف شغلی است
۷۶	استقامت برای استقرار اسلام
۷۶	استقامت در برابر همه قدرتها
۷۷	ایستادگی برای امحای باطل
۷۷	<b>نقش مساجد در جنگ و دفاع</b>
۷۷	مساجد پایگاه سیاست و دفاع
۷۸	مسجد محل اجتماع و دعوت به جنگ با کفار
۷۸	مسجد مرکز گسیل نیرو برای سرکوبی کفار
۷۸	مسجد مرکز طراحی عملیات جنگی
۷۹	مسجد محل عبادت خدا و جنگ با کفار
۷۹	مسجد مرکز تجهیز سپاهیان
۷۹	مسجد مرکز اجتماع سیاسی و نظامی
۷۹	نظامیان اسلام آبادکننده مساجد
۸۰	مساجد مرکز تصمیم‌گیری دفاعی
۸۰	مساجد سنگر دفاع از اسلام
۸۱	مساجد محل طراحی جنگها
۸۱	مساجد مرکز بسیج نظامی و سیاسی و اجتماعی
۸۱	مساجد مرکز طراحی مسائل سیاسی و دفاعی

## فصل سوم: ویژگیهای رزمندگان صدر اسلام

فداکاری	۸۵
پیامبر (ص) الگوی فداکاری	۸۵
فداکاری یاران پیامبر	۸۵
فداکاری زنان در جنگهای صدر اسلام	۸۶
پیامبر در جنگها نبی رحمت بود	۸۶
خطرپذیری برای اسلام	۸۶
رحیم و شدید بودن سربازان اسلام	۸۷
روحیه قوی، فداکاری و شهادت طلبی	۸۸
یوم الله، روز فداکاری	۸۸
روح فداکاری سربازان صدر اسلام	۸۹
جوانمردی قوای مسلح مثل صدر اسلام	۹۰
مواجهه اسلام با کفر	۹۱
فدای اسلام شدن فرزندان اسلام	۹۲
<b>عقیده و ایمان</b>	۹۲
شکست قدرتها در برابر قدرت ایمان	۹۲
جنگ با زحمت برای اطاعت خدا	۹۳
ایمان عامل غلبه بر امپراتوری	۹۴
قدرت ایمان شاخصه ارتش اسلام	۹۴
ایمان به خدا رمز پیروزی ارتش اسلام	۹۵
قدرت ایمان رزمندگان عامل شکست دشمن	۹۵
امداد الهی پشتیبان ارتش اسلام	۹۵
ایمان قرآنی غلبه دهنده بر ابرقدرتها	۹۶
غلبه روحیه معنوی بر امکانات مادی	۹۷
روحیه ایمانی مسلمانان عامل غلبه بر کفر	۹۸

- ایمان ابزار غلبه بر قدرت شیطانی ..... ۹۸
- شکست‌ناپذیری ارتش مؤمن ..... ۹۹
- اعتقاد به معاد منشأ پیروزی ..... ۱۰۰
- سلاح معنوی رمز پیروزی ..... ۱۰۰
- پیروزی ایمان بر تجهیزات ..... ۱۰۱
- امداد غیبی در لشکر اسلام ..... ۱۰۱
- جانبازی به خاطر ایمان ..... ۱۰۱
- ایمان و وحدت رمز پیروزی ..... ۱۰۲
- ایمان و تعهد مؤمنین عامل پیروزی ..... ۱۰۲
- فتح جبهه‌ها با تکبیر اهل ایمان ..... ۱۰۳
- میزان بودن نیت در نبرد ..... ۱۰۴
- رعب خداوند در دل دشمنان ..... ۱۰۴
- ننگ درخواست از غیر خدا ..... ۱۰۵
- رزمندگان پیروان حضرت ابراهیم(ع) ..... ۱۰۵
- صعود به قله ایمان ..... ۱۰۵
- شهادت طلبی** ..... ۱۰۶
- شهادت اولیا در جنگها ..... ۱۰۶
- شهادت راه انبیا و اولیاست ..... ۱۰۶
- داوطلبی برای شهادت ..... ۱۰۷
- استقبال از شهادت ..... ۱۰۷
- فوز دانستن شهادت ..... ۱۰۷
- تحول ملت ایران به شهادت‌طلبی ..... ۱۰۸
- اعتقاد به کشتن و کشته شدن ..... ۱۰۸
- سیدالشهدا(ع) احیاگر اسلام ..... ۱۰۸
- تعهد اسلامی سبب پیروزی ..... ۱۰۹



۱۰۹	شهادت برای حفظ اسلام
۱۱۰	فتح و پیروزی با شهادت طلبی
۱۱۰	فداکاری در راه قرآن
۱۱۱	تقدیم شهدای بزرگ
۱۱۱	رزمندگان پیروان سیدالشهدا
۱۱۱	پیروزی خون بر شمشیر

### فصل چهارم: احکام فقهی جنگ و دفاع

۱۱۵	دفاع فردی
۱۱۵	دفع تجاوز به اندازه توان
۱۱۵	دفاع به هر وسیله ممکن
۱۱۵	مقابله تا حد کشته شدن مهاجم
۱۱۶	دفع مهاجم ولو به کشته شدن او
۱۱۶	دفاع از مال ولو به قتل مهاجم
۱۱۶	دفاع و رعایت مراتب
۱۱۷	نقص مالی و بدنی بر مهاجم
۱۱۷	اقدام اضافه‌تر از حد دفاع
۱۱۷	نقص عضو مدافع
۱۱۷	دفاع در برابر هجوم منجر به قتل
۱۱۷	فرار برای دوری از کشتار
۱۱۸	وجوب مقاتله در برابر هجوم
۱۱۸	شک در قصد هجوم مهاجم
۱۱۸	اشتباه در قصد مهاجم
۱۱۸	دفاع ولو به غرض دیگری
۱۱۹	مهاجم، ضامن خسارت وارده

- ۱۱۹..... ضرر رساندن به مهاجم
- ۱۱۹..... اگر هجوم کننده پشیمان گردد
- ۱۲۰..... دفاع از روبه‌رو و پشت سر
- ۱۲۰..... دفاع در نیرنگ مهاجم
- ۱۲۰..... احراز هجوم مهاجم
- ۱۲۰..... قتل و جرح دزد دستگیر شده
- ۱۲۱..... کمک‌گیری برای دفع مهاجم
- ۱۲۱..... کمک خواستن از ظالم در دفاع
- ۱۲۱..... ضمانتی بر قطع عضو مهاجم
- ۱۲۱..... نقص عضو مهاجم در حال فرار
- ۱۲۲..... **دفاع جمعی**
- ۱۲۲..... دفاع با بذل مال و جان
- ۱۲۲..... اذن در دفاع
- ۱۲۲..... دفاع از بلاد مسلمین
- ۱۲۲..... وجوب دفاع منفی در برابر دشمن
- ۱۲۳..... وجوب قطع روابط با دشمن
- ۱۲۳..... ترس از استیلای سیاسی دشمن
- ۱۲۳..... دفاع دول اسلامی از هجوم بیگانگان
- ۱۲۴..... حرام بودن پیمان دول اسلامی با بیگانه
- ۱۲۴..... ترک روابط با دول اسلامی حامی دشمن
- ۱۲۵..... دفاع از فلسطین با کمکهای مادی و معنوی
- ۱۲۵..... دفاع از میهن، وظیفه‌ای اسلامی
- ۱۲۵..... دفاع، تکلیف شرعی
- ۱۲۵..... دفاع، واجب شرعی الهی
- ۱۲۶..... دفاع، واجب کفایی

۱۲۶	لزوم دفاع از مسلمین
۱۲۶	اذن در دفاع
۱۲۶	دفع دشمن، واجب کفایی
۱۲۷	لزوم دفاع حتی در ماه حرام
۱۲۷	دفاع بر همه واجب است
۱۲۷	کمک و دفاع مسلمانان لازم است
۱۲۸	<b>شرایط دفاع</b>
۱۲۸	جبهه بر بالغین واجب است
۱۲۸	عدم الزام حضور بیماران در جبهه‌ها
۱۲۸	خدمت پشت جبهه برای ناتوانان
۱۲۹	نرفتن به جبهه تابع مقررات
۱۲۹	<b>وجوب آموزش و آمادگی دفاعی</b>
۱۲۹	وجوب یادگیری فنون نظامی
۱۲۹	تجهیز جوانان
۱۳۰	آمادگی ملت
۱۳۰	تعلیم فنون نظامی بالاترین ارزش
۱۳۰	وجوب مقدمات دفاع
۱۳۱	بسیجی شدن ملت
۱۳۱	<b>وجوب کفایی حضور در جبهه</b>
۱۳۱	لزوم حضور در جبهه
۱۳۱	وجوب کفایی حضور در جبهه‌ها
۱۳۱	ارجحیت حضور در جبهه‌ها
۱۳۲	حضور در جبهه‌ها واجب کفایی
۱۳۲	اطمینان از کفایت نیرو در جبهه
۱۳۲	رفع نیاز جبهه اولی است

۱۳۲	عدم حضور در جبهه تابع مقررات
۱۳۳	عمل بر طبق مقررات جبهه
۱۳۳	لزوم رفع کفایت نیرو در جبهه
۱۳۳	وجوب حضور در جبهه تا حد کفایت
۱۳۴	وجوب رفتن به جبهه با تشخیص مسئولان
۱۳۴	اجازه همسر برای جبهه
۱۳۵	تشخیص مسئولین برای حضور در جبهه
۱۳۵	اولویت در نیاز جبهه‌ها
۱۳۶	حضور در جبهه واجب کفایی
۱۳۶	وجوب دفاع از بلاد مسلمین
۱۳۶	<b>اذن والدین</b>
۱۳۶	رضایت والدین برای حضور در جبهه‌ها
۱۳۷	اعزام به جبهه و اذن والدین
۱۳۷	لزوم و وجوب حضور در جبهه‌ها
۱۳۷	عدم اذیت والدین
۱۳۸	پرهیز از اذیت والدین
۱۳۸	دفاع از اسلام اذن نمی‌خواهد
۱۳۹	رعایت حال والدین
۱۳۹	حضور در جبهه موکول به نظر مسئولین
۱۳۹	حضور در جبهه با مراعات حال والدین
۱۴۰	ضرورت رفع نیاز جبهه‌ها
۱۴۰	حضور در جنگ نیاز به اذن والدین ندارد
۱۴۰	حضور در جبهه‌ها واجبتر است
۱۴۱	وجوب اذن والدین در عدم نیاز جبهه‌ها
۱۴۱	نیاز به اذن والدین در عدم احتیاج جبهه‌ها

۱۴۱	حضور در بازسازی مokol به تشخیص مسئولین
۱۴۲	کسب رضایت والدین برای حضور دختران
۱۴۲	تحصیل رضایت والدین
۱۴۲	اذن مسئولین برای حضور در جبهه
۱۴۲	حضور در کردستان با نظر مسئولین
۱۴۳	<b>احکام دفاع و زمین</b>
۱۴۳	تقدم جبهه‌های ایران
۱۴۳	وجوب تعقیب دشمن
۱۴۳	تصرف به خاطر اسلام جایز است
۱۴۳	حذف اذن مالک در ضرورت دفاع واجب
۱۴۴	توقف در منازل مصادره شرعی بلامانع است
۱۴۴	معرکه همان محدوده تیررس دشمن است
۱۴۴	اجاره مکان سلب شده منفسخ است
۱۴۵	<b>دفاع و دولت</b>
۱۴۵	تکلیف بیشتر دولت در جنگ
۱۴۶	حمایت ملت از دولت در جنگ
۱۴۶	خدمات دولت به آسیب‌دیدگان در جنگ
۱۴۶	رسیدگی به خسارت‌دیدگان در جنگ
۱۴۷	<b>احکام اطاعت از فرماندهان جنگ</b>
۱۴۷	وجوب اطاعت از فرماندهی
۱۴۸	لزوم مراعات مقررات سپاه
۱۴۸	تخلف از مقررات جایز نیست
۱۴۸	مراعات مقررات سپاه لازم است
۱۴۹	<b>احکام سربازی در زمان جنگ</b>
۱۴۹	اذن والدین در سربازی لازم نیست

۱۴۹	لزوم خدمت در سربازی
۱۴۹	وجوب رفتن به سربازی
۱۵۰	رفتن به سربازی لازم است
۱۵۰	<b>احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات در جنگ</b>
۱۵۰	اسراف و تبذیر، حرام و رعایت مقررات، واجب
۱۵۰	استفاده از اموال مردم مناطق جنگی
۱۵۱	رعایت مقررات
۱۵۱	اطعام با اجازه متصدیان
۱۵۱	استفاده از اموال تابع مقررات
۱۵۱	<b>سپر قرار دادن مردم در جنگ</b>
۱۵۱	سپر قراردادن مردم در دفاع
۱۵۲	در هجوم دشمن دفاع لازم است
۱۵۲	<b>احکام همکاری با دشمن</b>
۱۵۲	جاسوسان حکم مهاجم را دارند
۱۵۲	فرار از جبهه جایز نیست
۱۵۲	پرهیز از افشای اطلاعات جنگ
۱۵۳	<b>احکام پشتیبانی از جنگ</b>
۱۵۳	پرداخت زکات به جنگ
۱۵۳	خیرات برای جنگ
۱۵۳	صرف وجوهات برای جبهه
۱۵۴	کسب اجازه در پرداخت وجوهات
۱۵۴	اموال گمشده صرف صاحبش گردد
۱۵۴	عواید موقوفه
۱۵۵	خرج سهم امام
۱۵۵	<b>احکام مربوط به اسرا</b>

۱۵۵	گرفتن اموال اسرا
۱۵۵	تملك اموال اسرا
۱۵۵	رسيدگي به اموال اسرا
۱۵۶	اهانت به اسرا
۱۵۶	حكم قتل اسرا
۱۵۶	<b>احكام مربوط به غنايم جنگي</b>
۱۵۶	تصرف در غنايم
۱۵۷	تصرف در اموال مقتولين
۱۵۷	تملك در اموال غنيمي
۱۵۷	تصرف در دينار غنيمي
۱۵۸	تصرف در اموال مقتولين دشمن
۱۵۸	شرائط تصرف در غنايم جنگي
۱۵۸	مجوز تصرف در غنايم
۱۵۹	تصرف در اموال سپاه
۱۵۹	استفاده از غنايم جنگي
۱۵۹	تملك اموال متصرف شده
۱۵۹	حكم غنيمت اموال
۱۶۰	استفاده مختصر از غنايم
۱۶۰	مراعات احتياط در تملك
۱۶۱	مراسم دعا در قبور شهدا
۱۶۱	تسليم خمس و سهم امام به مراجع
۱۶۱	پس انداز حقوق خمس دارد
۱۶۱	قبول شهادت در نزد خداوند
۱۶۲	<b>احكام متفرقه مربوط به جنگ</b>
۱۶۲	فراق والدين

۱۶۲	پاسدار شدن خواهران.....
۱۶۲	ورود معممین به سپاه.....
۱۶۲	رعایت مقررات بسیج.....
۱۶۳	خطاب افراد به برادر و خواهر.....
۱۶۳	نوشتن وصیتنامه.....
۱۶۳	رعایت مقررات شرعی در پاسداری.....
۱۶۴	استفاده شخصی با رعایت مقررات.....
۱۶۴	دعوت میهمانان به غذاخوری سپاه.....
۱۶۴	سوار کردن افراد با اذن مسئولین.....
۱۶۴	تقسیم غذای اضافی بین فقرا.....
۱۶۴	تبعیت از مقررات ارتش.....
۱۶۵	واریز سهمین شهدا به حساب ۱۰۰.....
۱۶۵	فروش اسلحه با مقررات دولت اسلامی.....



## فهرست مآخذ

ردیف	تاریخ	عنوان	عنوان کتاب	جلد	صفحه
۱	۵۷/۸/۸	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	صحیفه امام	۴	۲۱۴
۲	۵۷/۸/۹	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	صحیفه امام	۴	۲۴۰
۳	۵۷/۸/۲۰	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	صحیفه امام	۴	۴۴۸
۴	۵۶/۸/۱۰	سخنرانی در جمع روحانیون	صحیفه امام	۳	۲۴۹-۲۴۸
۵	۵۸/۲/۲۹	سخنرانی در جمع عشایر و ستاد نیروی هوایی	صحیفه امام	۷	۳۶۱-۳۶۰
۶	۵۸/۳/۱۱	سخنرانی در جمع بانوان اهواز، قم و بروجرد	صحیفه امام	۸	۴۱
۷	۵۸/۴/۱۳	سخنرانی در جمع کارکنان بهداری و بهزیستی آذربایجان شرقی	صحیفه امام	۸	۴۳۱
۸	۵۹/۳/۱۴	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران	صحیفه امام	۱۲	۳۹۲
۹	۵۹/۸/۱۲	سخنرانی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام	صحیفه امام	۱۳	۳۰۸
۱۰	۶۰/۴/۸	سخنرانی در جمع اعضای ستاد جهاد سازندگی	صحیفه امام	۱۴	۵۲۷
۱۱	۶۴/۱/۱۵	سخنرانی در جمع پرسنل ارتش و سپاه	صحیفه امام	۱۹	۲۱۵-۲۱۴

۱۸۶ / جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی

۳۲۴	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۴	۱۲
۳۹۵	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۷	۱۳
۴۴۹-۴۴۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۰	۱۴
۱۲-۱۰	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و اهالی شیراز	۵۸/۴/۱۷	۱۵
۳۳	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و نمایندگان تبریز	۵۸/۶/۲۸	۱۶
۱۰۶	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران	۵۸/۷/۲	۱۷
۴۴۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان عربستانی مقیم ایران	۵۸/۸/۱۱	۱۸
۲۱۹	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پیشه‌وران اصفهان	۵۸/۹/۲۱	۱۹
۳۸۶	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان در صدا و سیما	۵۸/۱۰/۲	۲۰
۴۲۵	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مدیران صندوقهای قرض‌الحسنه	۵۹/۳/۲۱	۲۱
۵۰۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع درجه‌داران نیروی دریایی	۵۹/۴/۱۵	۲۲
۲۰	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت و نمایندگان مجلس	۵۹/۱۱/۴	۲۳
۲۱۸-۲۱۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون	۶۰/۶/۱۸	۲۴
۴۹۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان	۶۰/۱۰/۲۳	۲۵
۲۲۸	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع قضات شوایعالی قضایی و دیوانعالی کشور	۶۱/۱۰/۱۹	۲۶
۴۷۷-۴۷۶	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس و مسئولین بنیاد ۱۵ خرداد	۶۲/۳/۱۴	۲۷
۱۱۶-۱۱۳	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام اسلامی	۶۳/۹/۲۰	۲۸
۱۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس	۵۷/۷/۲۳	۲۹
۱۵۲-۱۵۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۳۰
۳۲۳-۳۱۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۴	۳۱
۳۸۹	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۳۲

فهرست مآخذ / ۱۸۷

۲۹۳-۲۹۲	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران قم و کارمندان شرکت نفت آبادان	۵۸/۴/۵	۳۳
۳۹۸-۳۹۶	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و بانوان مکتب ولی عصر	۵۸/۶/۱۲	۳۴
۳۸۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان در صدا و سیما	۵۸/۱۰/۲	۳۵
۱۷۳	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان پاکستانی و معلمان ایرانی	۵۹/۶/۹	۳۶
۴۶۰-۴۵۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان کشور	۶۱/۶/۹	۳۷
۱۲۳	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان همدان و...	۶۱/۹/۱۱	۳۸
۱۱۱	۱۹	صحیفه امام	پیام به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی	۶۳/۹/۱۹	۳۹
۲۶۷	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۶/۳/۸	۴۰
۳۷۶-۳۷۵	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم قم	۴۳/۶/۱۸	۴۱
۲۹۸	۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب	دی ۱۳۵۶	۴۲
۱۲۸	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۵	۴۳
۳۶۴	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱۷	۴۴
۱۸۶-۱۸۵	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان احزاب آزادیبخش اسلام	۵۸/۲/۱۶	۴۵
۳۹۲	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۴۶
۵۰۱	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم و پاسداران حصارک کرج	۵۸/۴/۱۶	۴۷
۵۲	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی	۵۸/۴/۲۱	۴۸
۹۸	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان پیرو خط امام	۵۸/۱۰/۲۰	۴۹
۳۷۵-۳۷۴	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان در کنفرانس بررسی مداخلات امریکا در ایران	۵۹/۳/۱۴	۵۰

۳۹۲-۳۹۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم تبریز	۶۰/۳/۱۱	۵۱
۲۶	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری	۶۱/۷/۱۱	۵۲
ارتش					
۲۴۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲۵	۵۳
۳۴۸	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کشاورزان کفن‌پوش کوران ده	۵۸/۹/۲۹	۵۴
۴۲۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مدیران صندوقهای قرض‌الحسنه	۵۹/۳/۲۱	۵۵
۲۴۹-۲۴۸	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور	۵۹/۷/۸	۵۶
۲۹۹-۲۹۸	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت و نمایندگان مجلس	۵۹/۸/۶	۵۷
مسلمانان رانده شده					
۲۸۰-۲۷۹	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون مبارز عراق و مسلمانان رانده شده	۶۰/۱/۲۰	۵۸
۹۱-۹۰	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام	۶۰/۱۲/۱۸	۵۹
۱۹۶	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام و دانشجویان	۶۱/۱/۲۸	۶۰
۲۰۳-۲۰۲	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع میهمانان خارجی مراسم «دهه فجر»	۶۵/۱۱/۲۱	۶۱
۲۶۲	۳	صحیفه امام	پیام به علما و ملت ایران و بیان وظیفه عمومی در	۵۶/۸/۲۱	۶۲
قبال رژیم					
۴۴۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۵/۲۲	۶۳
۴۵۵	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان پخش رادیو	۵۸/۶/۱۷	۶۴
۴۲۵	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای مؤسسه مبارزه با اعتیاد	۵۸/۱۰/۵	۶۵
۱۱۳	۱۲	صحیفه امام	پیام به شورای انقلاب	۵۸/۱۰/۲۳	۶۶
۱۵۹	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در هفته بسیج	۵۸/۱۲/۱	۶۷
۲۰۲	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۱/۱	۶۸
۲۴۰-۲۳۹	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد بسیج شهرستانها	۵۹/۱/۲۸	۶۹
۲۳۹	۱۳	صحیفه امام	پیام رادیو-تلویزیونی به ملت و ارتش ایران و عراق	۵۹/۷/۴	۷۰
۲۵۱	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور	۵۹/۷/۸	۷۱

فهرست مآخذ / ۱۸۹

۳۴۱	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسلمانان پاکستانی	۵۹/۸/۱۶	۷۲
۱۱۸-۱۱۲	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه، معلمان و...	۶۰/۵/۲۷	۷۳
۴۰۰	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوایروز	۶۰/۹/۱۱	۷۴
۳۱۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش	۶۱/۳/۲۷	۷۵
۲۱۶	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ارتش و سپاه	۶۴/۱/۱۵	۷۶
۷	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان جامعه الزهراء	۶۴/۱۲/۱۱	۷۷
۸۰-۷۹	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان ارتش و سپاه	۶۵/۴/۲۸	۷۸
۳۱۳-۳۱۲	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۶/۵/۶	۷۹
۱۲۲-۱۲۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران تهران	۵۸/۹/۴	۸۰
۱۵۹	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در هفته بسیج	۵۸/۱۲/۱	۸۱
۲۴۳-۲۴۰	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد بسیج شهرستانها	۵۹/۱/۲۸	۸۲
۲۵۶	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۹/۲/۵	۸۳
۱۸۳	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ژاندارمری	۵۹/۶/۱۱	۸۴
۲۱۱	۱۳	صحیفه امام	پیام به مسلمین جهان و حجاج	۵۹/۶/۲۱	۸۵
۳۸۶	۱۵	صحیفه امام	پیام به بسیجیان و ملت ایران در هفته بسیج	۶۰/۹/۴	۸۶
۱۰۵	۱۹	صحیفه امام	پیام به بسیجیان	۶۳/۸/۳۰	۸۷
۲۲۰	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بسیج مستضعفان	۶۴/۱/۲۵	۸۸
۳۴۳	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۸۹
۱۹۶-۱۹۵	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته بسیج	۶۷/۹/۲	۹۰
۴۶۴-۴۶۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدای نیروی هوایی	۵۹/۱۰/۸	۹۱
۹۰-۸۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام	۶۰/۱۲/۱۸	۹۲
۵۰۸	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی	۶۱/۶/۲۸	۹۳

۱۹۰ / جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی

۴۹۲-۴۹۱	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات استانهای خراسان، باختران، فارس و...	۶۲/۳/۲۱	۹۴
۲۵۴	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای کمیسیون بازرگانی	۶۲/۹/۲۶	۹۵
۱۱۳	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام اسلامی	۶۳/۹/۲۰	۹۶
۱۹۵	۱۹	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران و مسلمانان جهان	۶۴/۱/۱	۹۷
۴۹۴	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع معلمان و دانشجویان تبریز و کاشان	۵۸/۳/۴	۹۸
۴۷۹	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون تبریز	۵۸/۶/۱۸	۹۹
۴۶۴-۴۶۳	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدای نیروی هوایی	۵۹/۱۰/۸	۱۰۰
۴۹	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۰/۱۱/۲۲	۱۰۱
۳۰۰-۲۹۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان زنجان	۶۱/۳/۱۶	۱۰۲
۵۰۸-۵۰۷	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی	۶۱/۶/۲۸	۱۰۳
۳۴	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت ایرانی در کنفرانس بین‌المجالس	۶۱/۷/۲۱	۱۰۴
۲۴۴-۲۴۳	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بخشهای مختلف صدا و سیما	۶۱/۱۱/۳	۱۰۵
۴۳۷-۴۳۵	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان اقتصادی و کشاورزی	۶۳/۲/۲۵	۱۰۶
۵۶-۵۵	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای کمیته برگزاری هفته جنگ	۶۳/۶/۱۸	۱۰۷
۴۳۷	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۴/۹/۹	۱۰۸
۳۴۶-۳۴۵	۲۰	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام	۶۶/۵/۶	۱۰۹
۳۲-۳۱	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۴۴/۸/۲۳	۱۱۰
۴۴۷	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۰	۱۱۱

۶۵	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت نمایندگی عربستان سعودی	۵۸/۱/۳۱	۱۱۲
۱۸۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع جامعه و نماز تهران	۵۸/۳/۲۷	۱۱۳
۸۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و فرماندهان	۵۸/۴/۲۴	۱۱۴
۱۷۱	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان بابل	۵۸/۴/۳۰	۱۱۵
۱۷-۱۶	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان لنگرود	۵۸/۶/۲۶	۱۱۶
۵۰۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع درجه‌داران نیروی دریایی	۵۹/۴/۱۵	۱۱۷
۴۰-۳۷	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور	۶۱/۷/۲۲	۱۱۸
۵۶-۵۵	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	۶۱/۷/۲۵	۱۱۹
۲۰۵	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر	۶۱/۱۰/۱۲	۱۲۰
۵۳-۵۲	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون کاروانهای حج و مسئولان وزارت ارشاد	۶۲/۵/۲۵	۱۲۱
۴۲۵	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان کنگره جهانی ائمه جمعه	۶۳/۲/۲۳	۱۲۲
۴۲۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۳/۲۰	۱۲۳
۲۳۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۲/۷	۱۲۴
۳۰۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۲/۱۳	۱۲۵
۴۴۵	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع قوای نظامی	۵۸/۱/۹	۱۲۶
۲۴۵	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان کاشان	۵۸/۵/۳	۱۲۷
۳۸۶-۳۸۵	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده خلبانان شهید پایگاه بو شهر	۵۸/۶/۱۱	۱۲۸
۴۰۸-۴۰۷	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی	۵۸/۶/۱۳	۱۲۹
۴۶۶-۴۶۵	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۶/۱۷	۱۳۰

۳۴۸-۳۴۷	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کشاورزان کفن‌پوش کوران ده	۵۸/۹/۲۹	۱۳۱
۲۳۳	۱۳	صحیفه امام	پیام رادیو-تلویزیونی به ملت و ارتش ایران و عراق	۵۹/۷/۴	۱۳۲
۳۶۱-۳۶۰	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۹/۳۰	۱۳۳
۵۱۴	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و امدادگران	۵۸/۱۰/۱۱	۱۳۴
۳۷-۳۶	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۸	۱۳۵
۱۶۹-۱۶۵	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۱۳۶
۵۰۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مبارزین کشورهای اسلامی	۵۸/۱/۱۷	۱۳۷
۵۳۱	۶	صحیفه امام	بیانات خطاب به سفیر چکسلواکی در تهران	۵۸/۱/۲۲	۱۳۸
۲۴۵	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع عشایر ممسنی و دانشجویان یزد	۵۸/۲/۲۱	۱۳۹
۱۶۷-۱۶۶	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و پاسداران خراسان	۵۸/۳/۲۵	۱۴۰
۲۲۵-۲۲۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ورزشکاران و فرهنگیان بابل	۵۸/۳/۳۰	۱۴۱
۴۵۷-۴۵۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ناینمایان مدرسه ابابصیر اصفهان	۵۸/۴/۱۴	۱۴۲
۲۱۹-۲۱۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل شهربانی	۵۸/۵/۱	۱۴۳
۱۲-۱۱	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و پرسنل کمیته	۵۸/۶/۲۶	۱۴۴
۴۱۸	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع سفیران ممالک اسلامی	۵۸/۸/۱۰	۱۴۵
۳۴۹-۳۴۸	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کشاورزان کفن‌پوش کوران ده	۵۸/۹/۲۹	۱۴۶
۲۴۱	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد بسیج شهرستانها	۵۹/۱/۲۸	۱۴۷
۲۹۶-۲۹۵	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در حضور فرمانده لشکر ۲۸ کردستان	۵۹/۲/۲۶	۱۴۸
۳۰۴	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران	۵۹/۲/۲۸	۱۴۹
۳۸۰	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان در کنفرانس بررسی مداخلات امریکا در ایران	۵۹/۳/۱۴	۱۵۰
۳۰	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان شمیران	۵۹/۴/۲۱	۱۵۱
۵۲۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۰/۲۲	۱۵۲
۳۷	۱۵	صحیفه امام	پیام به آقای ولی‌الله فلاحتی	۶۰/۴/۱۸	۱۵۳



فهرست مأخذ / ۱۹۳

۴۰۴-۴۰۳	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوانپروز	۶۰/۹/۱۱	۱۵۴
۱۶۶	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان حزب جمهوری اسلامی	۶۱/۱/۱۴	۱۵۵
۳۱۶-۳۱۵	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش	۶۱/۳/۲۲	۱۵۶
۲۸	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری ارتش	۶۱/۷/۱۱	۱۵۷
۱۲۵	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان و اقشار مختلف مردم	۶۲/۶/۲۷	۱۵۸
۱۴۴	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۲/۶/۳۱	۱۵۹
۲۱	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۷	۱۶۰
۲۷۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۱۶۱
۴۰۲-۴۰۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت موقت	۵۷/۱۲/۲۹	۱۶۲
۲۷۷-۲۷۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی قم	۵۸/۲/۲۳	۱۶۳
۳۹۵-۳۹۴	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۱۶۴
۶۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پزشکان، اساتید و دانشجویان شیراز	۵۸/۳/۱۶	۱۶۵
۴۳۹-۴۳۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه تهران	۵۸/۴/۱۳	۱۶۶
۴۲۰	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه	۵۸/۴/۱۳	۱۶۷
۴۰-۳۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان کشورهای اردن و سودان	۵۸/۴/۱۹	۱۶۸
۱۰۵	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و اساتید	۵۸/۴/۲۴	۱۶۹
۴۰۸-۴۰۷	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی	۵۸/۶/۱۳	۱۷۰
۴۳۶	۹	صحیفه امام	بیانات در جمع خانواده شهید فرخ‌نیا	۵۸/۶/۱۵	۱۷۱
۲۵۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۷/۷	۱۷۲

۲۶۴	۱۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۶۰/۷/۸	۱۷۳
۹۰-۸۹	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام ۶۰/۱۲/۱۸	۱۷۴
۳۳۱	۲	تحریر الوسیله		۱۷۵
۳۳۱	۲	تحریر الوسیله		۱۷۶
۳۳۱	۲	تحریر الوسیله		۱۷۷
۳۳۱	۲	تحریر الوسیله		۱۷۸
۳۳۱	۲	تحریر الوسیله		۱۷۹
۳۳۳-۳۳۱	۲	تحریر الوسیله		۱۸۰
۳۳۳	۲	تحریر الوسیله		۱۸۱
۳۳۳	۲	تحریر الوسیله		۱۸۲
۳۳۳	۲	تحریر الوسیله		۱۸۳
۳۳۳	۲	تحریر الوسیله		۱۸۴
۳۳۳	۲	تحریر الوسیله		۱۸۵
۳۳۳	۲	تحریر الوسیله		۱۸۶
۳۳۵-۳۳۳	۲	تحریر الوسیله		۱۸۷
۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۸۸
۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۸۹
۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۹۰
۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۹۱
۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۹۲
۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۹۳
۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۹۴
۳۳۷-۳۳۵	۲	تحریر الوسیله		۱۹۵
۳۳۷	۲	تحریر الوسیله		۱۹۶
۳۳۷	۲	تحریر الوسیله		۱۹۷

فهرست مأخذ / ۱۹۵

۳۳۷	۲	تحریر الوسیله		۱۹۸
۳۳۷	۲	تحریر الوسیله		۱۹۹
۳۳۷	۲	تحریر الوسیله		۲۰۰
۳۲۷	۲	تحریر الوسیله		۲۰۱
۳۲۷	۲	تحریر الوسیله		۲۰۲
۳۲۷	۲	تحریر الوسیله		۲۰۳
۳۲۹_۳۲۷	۲	تحریر الوسیله		۲۰۴
۳۲۹	۲	تحریر الوسیله		۲۰۵
۳۲۹	۲	تحریر الوسیله		۲۰۶
۳۲۹	۲	تحریر الوسیله		۲۰۷
۳۲۹	۲	تحریر الوسیله		۲۰۸
۳۲۹	۲	تحریر الوسیله		۲۰۹
۲۰۱-۲۰۰	۲	صحیفه امام	مصاحبه با نماینده «الفتح» ۴۷/۷/۱۹	۲۱۰
۲۸۸	۲	صحیفه امام	نامه به دانشجویان فارسی زبان در امریکا و کانادا ۱۳۴۹ مرداد	۲۱۱
۱۵۹	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۸/۱۲/۱	۲۱۲
۱۸۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ژاندارمری ۵۹/۶/۱۱	۲۱۳
۳۳۲	۱۸	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۶۲/۱۱/۲۲	۲۱۴
۴۸۶	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شورای مرکزی حزب الله لبنان ۶۶/۱۲/۹	۲۱۵
۴۹۲	۱	استفتائات		۲۱۶
۴۹۳_۴۹۲	۱	استفتائات		۲۱۷
۵۱۵	۱	استفتائات		۲۱۸
۵۰۳	۱	استفتائات		۲۱۹
۴۹۲	۱	استفتائات		۲۲۰
۴۹۴	۱	استفتائات		۲۲۱
۴۹۵	۱	استفتائات		۲۲۲

۴۹۷	۱	استفتائات		۲۲۳
۵۰۰-۴۹۹	۱	استفتائات		۲۲۴
۱۰-۹		استفتائات		۲۲۵
		(مسائل جنگ)		
۱۲۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران تهران ۵۸/۹/۴	۲۲۶
۲۵۰	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور ۵۹/۷/۸	۲۲۷
۳۸۷-۳۸۶	۱۵	صحیفه امام	پیام به بسیجیان و ملت ایران در هفته بسیج ۶۰/۹/۴	۲۲۸
۷	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان جامعه الزهراء ۶۴/۱۲/۱۱	۲۲۹
۱۹۵	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته بسیج ۶۷/۹/۲	۲۳۰
۲۵۴	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورا ۶۱/۱۱/۴	۲۳۱
۲۷۸	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اصناف و بازاریان سراسر کشور ۶۱/۱۱/۱۰	۲۳۲
۹		استفتائات		۲۳۳
		(مسائل جنگ)		
۴۹۳	۱	استفتائات		۲۳۴
۴۹۳	۱	استفتائات		۲۳۵
۴۹۷-۴۹۶	۱	استفتائات		۲۳۶
۱۹-۱۸		استفتائات		۲۳۷
		(مسائل جنگ)		
۴۹۷	۱	استفتائات		۲۳۸
۴۹۸-۴۹۷	۱	استفتائات		۲۳۹
۴۹۸	۱	استفتائات		۲۴۰
۵۰۰	۱	استفتائات		۲۴۱
۵۰۱-۵۰۰	۱	استفتائات		۲۴۲
۵۰۱	۱	استفتائات		۲۴۳
۵۰۱	۱	استفتائات		۲۴۴

فهرست مأخذ / ۱۹۷

۵۰۳	۱	استفتائات	۲۴۵
۵۱۶	۱	استفتائات	۲۴۶
۱۹		استفتائات	۲۴۷
		(مسائل جنگ)	
۲۰-۱۹		استفتائات	۲۴۸
		(مسائل جنگ)	
۱۷		استفتائات	۲۴۹
		(مسائل جنگ)	
۲۱		استفتائات	۲۵۰
		(مسائل جنگ)	
۲۲-۲۱		استفتائات	۲۵۱
		(مسائل جنگ)	
۴۹۳	۱	استفتائات	۲۵۲
۴۹۴	۱	استفتائات	۲۵۳
۴۹۵	۱	استفتائات	۲۵۴
۴۹۵	۱	استفتائات	۲۵۵
۴۹۶	۱	استفتائات	۲۵۶
۴۹۶	۱	استفتائات	۲۵۷
۴۹۷	۱	استفتائات	۲۵۸
۴۹۸	۱	استفتائات	۲۵۹
۴۹۹	۱	استفتائات	۲۶۰
۴۹۹	۱	استفتائات	۲۶۱
۴۹۹	۱	استفتائات	۲۶۲
۵۰۲	۱	استفتائات	۲۶۳
۵۰۴	۱	استفتائات	۲۶۴

۱۹۸ / جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی

۵۰۴	۱	استفتائات		۲۶۵
۹۸		استفتائات		۲۶۶
		(مسائل جنگ)		
۵۱۷	۱	استفتائات		۲۶۷
۵۱۶	۱	استفتائات		۲۶۸
۵۱۶	۱	استفتائات		۲۶۹
۵۶-۵۵		استفتائات		۲۷۰
		(مسائل جنگ)		
۵۰۴	۱	استفتائات		۲۷۱
۵۹-۵۸		استفتائات		۲۷۲
		(مسائل جنگ)		
۳۲۲-۳۲۱	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و مسئولین نظام ۶۱/۱۱/۲۲	۲۷۳
۳۹۱	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۶۲/۱/۱۲	۲۷۴
۱۷۹	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ در آستانه ماه محرم ۶۲/۷/۱۳	۲۷۵
۱۸۱-۱۸۰	۱۸	صحیفه امام	حکم تشکیل «ستاد کمک رسانی به مردم مناطق بمباران شده» به آقای مهدوی کنی ۶۲/۷/۱۴	۲۷۶
۱۳-۱۲		استفتائات		۲۷۷
		(مسائل جنگ)		
۲۲		استفتائات		۲۷۸
		(مسائل جنگ)		
۵۰۸	۱	استفتائات		۲۷۹
۵۰۲	۱	استفتائات		۲۸۰
۲۰		استفتائات		۲۸۱
		(مسائل جنگ)		

فهرست مأخذ / ۱۹۹

۵۹		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۸۲
۵۰۲	۱	استفتائات	۲۸۳
۵۰۲	۱	استفتائات	۲۸۴
۵۳_۵۲		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۸۵
۵۱۷	۱	استفتائات	۲۸۶
۵۱۸	۱	استفتائات	۲۸۷
۵۱۹	۱	استفتائات	۲۸۸
۵۲		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۸۹
۱۱		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۰
۱۰		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۱
۱۰		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۲
۵۱۶	۱	استفتائات	۲۹۳
۵۰۷	۱	استفتائات	۲۹۴
۴۴		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۵
۴۵		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۶
۴۷		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۷

۲۰۰ / جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی

۴۷-۴۸		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۸
۴۷		استفتائات (مسائل جنگ)	۲۹۹
۴۶		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۰۰
۴۶-۴۵		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۰۱
۲۶		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۰۲
۲۶-۲۷		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۰۳
۵۱۱	۱	استفتائات	۳۰۴
۵۱۲	۱	استفتائات	۳۰۵
۵۱۳	۱	استفتائات	۳۰۶
۲۷		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۰۷
۲۸-۲۷		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۰۸
۲۸		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۰۹
۲۸		استفتائات (مسائل جنگ)	۳۱۰
۵۰۸	۱	استفتائات	۳۱۱
۵۰۹	۱	استفتائات	۳۱۲



فهرست مأخذ / ۲۰۱

۵۰۹	۱	استفتائات	۳۱۳
۵۱۰	۱	استفتائات	۳۱۴
۵۱۰	۱	استفتائات	۳۱۵
۵۱۱-۵۱۰	۱	استفتائات	۳۱۶
۵۱۱	۱	استفتائات	۳۱۷
۵۱۱-۵۱۲	۱	استفتائات	۳۱۸
۵۱۲	۱	استفتائات	۳۱۹
۸۹	۱	استفتائات	۳۲۰
۴۶		استفتائات	۳۲۱
		(مسائل جنگ)	
۳۵۲	۱	استفتائات	۳۲۲
۱۷		استفتائات	۳۲۳
		(مسائل جنگ)	
۱۸		استفتائات	۳۲۴
		(مسائل جنگ)	
۵۰۳	۱	استفتائات	۳۲۵
۵۶		استفتائات	۳۲۶
		(مسائل جنگ)	
۵۷-۵۶		استفتائات	۳۲۷
		(مسائل جنگ)	
۵۷		استفتائات	۳۲۸
		(مسائل جنگ)	
۵۹		استفتائات	۳۲۹
		(مسائل جنگ)	

۲۰۲ / جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی

۶۰	استفتائات (مسائل جنگ)	۳۳۰
۶۰	استفتائات (مسائل جنگ)	۳۳۱
۶۱-۶۰	استفتائات (مسائل جنگ)	۳۳۲
۶۱	استفتائات (مسائل جنگ)	۳۳۳
۶۱	استفتائات (مسائل جنگ)	۳۳۴
۶۲-۶۱	استفتائات (مسائل جنگ)	۳۳۵
۴۸	استفتائات (مسائل جنگ)	۳۳۶
۵۱۷	۱ استفتائات	۳۳۷

## فهرست منابع

امام خمینی؛ استفتائات؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)،  
۱۳۶۶.

امام خمینی؛ تحریر الوسیله؛ ترجمه علی اسلامی؛ ۴ ج، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم)، ۶۹ - ۱۳۶۱.

امام خمینی؛ چند استفتا از امام امت درباره مسائل جنگ؛ انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب  
اسلامی، ۱۳۶۱.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (تنظیم و گردآورنده)؛ صحیفه امام؛ ۲۲ ج، چ ۲،  
۱۳۷۹.